

فرہنگ سخنان فاطمہ زہرا سلام اللہ علیہا

محمد دستی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرهنگ سخنان فاطمه زهرا (س)

نویسنده:

محمد دشتی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع)

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۲۰	فرهنگ سخنان فاطمه زهرا (س)
۲۰	مشخصات کتاب
۲۰	مقدمه
۲۱	آ
۲۱	اشاره
۲۱	آیین همسر داری
۲۱	ایثارگری فاطمه
۲۱	کار در خانواده
۲۱	اوج ادب و ایثار
۲۱	هماهنگی با شوهر
۲۲	تحمل مشکلات اقتصادی
۲۲	تحمل مشکلات زندگی و خانوادگی
۲۲	معرفی همسر نمونه
۲۲	آداب غذا خوردن
۲۲	الف
۲۲	اشاره
۲۲	احکام اسلامی
۲۲	کیفیت شستشوی کودک
۲۲	مصرف گوشت عید قربان
۲۳	اخلاص در عبادت
۲۳	اخلاق و روابط انسانی
۲۳	خوشرویی

۲۳	اخلاق زناشویی
۲۳	اخلاق اقتصادی
۲۳	اخلاق سیاسی
۲۳	ازدواج از دیدگاه فاطمه
۲۳	مشورت با دختر
۲۴	احترام متقابل دختر به نظر پدر
۲۴	پرهیز از ارزشهای دروغین در ازدواج
۲۴	شکوه از طرفداران ارزشهای جاهلی در ازدواج
۲۴	حالات معنوی فاطمه در شب ازدواج
۲۵	افشاگریهای حضرت زهرا
۲۵	امامت و رهبری
۲۵	ارزش اهل بیت و امامان
۲۵	ره‌آورد امامت (فلسفه امامت)
۲۵	نقش تربیتی پیامبر و امام
۲۵	معرفی امامان دوازده گانه
۲۶	معرفی حضرت قائم آل محمد
۲۶	ضرورت گرایش مردم به امام
۲۶	اثبات امامت علی هدایت تشریحی
۲۶	یادآوری روایات رسول خدا
۲۷	حماسه‌ی غدیر و حدیث منزلت
۲۷	یادآوری حدیث غدیر و منزلت
۲۷	پاسخ بهانه‌جوها
۲۷	عذر تراشی ممنوع
۲۷	ویژگیهای امام علی «امام علی از دیدگاه حضرت زهرا»

۲۷	ارزشهای امام علی
۲۸	بهترین شوهر
۲۸	سوابق مبارزاتی علی
۲۸	ایثارگری و بخشش امام علی
۲۸	نقش تربیتی امام علی
۲۸	علل غصب خلافت امام
۲۸	علی و جاذبه‌های عاشقانه در عبادت
۲۹	فاطمه و ارزشهای امام علی
۲۹	عامل رستگاری
۲۹	گریه بر مظلومیت امام علی
۲۹	دفاع از امام علی
۲۹	نگرانی از انبوه مشکلات علی
۳۰	انفاق و سخاوت فاطمه
۳۰	ایثارگری
۳۰	ایمان فاطمه
۳۰	ب
۳۰	اشاره
۳۰	بهداشتی
۳۰	بهداشت دست
۳۰	آداب غذا خوردن
۳۱	بهداشت غذا
۳۱	پ
۳۱	اشاره
۳۱	پوشش زن

- پیامبر و فاطمه ۳۱
- نقش تربیتی پیامبر در جامعه ۳۱
- تلاش برای جلب رضایت پیامبر ۳۱
- همدردی با پدر ۳۱
- عواطف پدرانه پیامبر ۳۲
- ناله و فریاد در هنگامه‌ی رحلت پیامبر ۳۲
- غم و اندوه وفات پیامبر ۳۳
- غم از دست دادن پیامبر ۳۳
- روایت معاذ ۳۳
- روایت انس بن مالک ۳۳
- سوگ پدر و تنهایی و مصیبت شوهر ۳۳
- شکوه از دردها و خیانتها ۳۴
- ناله از تنهایی و غربت ۳۴
- یاد پدر در جمع کودکان ۳۵
- یاد پدر و اشتیاق شنیدن اذان ۳۵
- ت ۳۵
- اشاره ۳۵
- مباحث تربیتی ۳۵
- اهمیت قضاوت میان کودکان ۳۶
- بکارگیری هنر شعر در پرورش کودک ۳۶
- مشکلات اقتصادی و بچه‌داری ۳۶
- نذر کردن برای شفای کودک ۳۶
- ترس از عذاب الهی ۳۶
- ترس از آتش جهنم ۳۶

- ۳۶ اندوه سفر طولانی قیامت (آخرت گرانی)
- ۳۷ ج
- ۳۷ اشاره
- ۳۷ جنگ و جهاد
- ۳۷ شرکت حضرت زهرا در جنگ
- ۳۷ فلسفه‌ی جهاد
- ۳۷ ج، ح
- ۳۷ اشاره
- ۳۷ حجاب و پوشش فاطمه
- ۳۷ پرهیز از نامحرمان
- ۳۸ ضرورت رعایت محرم و نامحرم
- ۳۸ در اوج عفت و حجاب
- ۳۸ نگرانی از کیفیت حمل جنازه‌ی بانوان
- ۳۸ سفارش به همسر
- ۳۸ حوریان بهشتی و شوق دیدار فاطمه
- ۳۹ خ
- ۳۹ اشاره
- ۳۹ خدانشناسی فاطمه
- ۳۹ خداگرایی فاطمه
- ۳۹ خطبه‌ها
- ۴۰ خطبه‌ی اول سخنرانی فاطمه در مسجد مدینه
- ۴۷ خطبه‌ی دوم سخنرانی در جمع زنان مهاجر و انصار
- ۴۸ سخنرانی در میان جمعی کوچک و بازار
- ۴۹ سخنرانی در نکوهش پیمان شکنان

۴۹	خطبه‌ی پنجم
۴۹	از خود گذشتگی و ایثار فاطمه
۴۹	مهمان نوازی فاطمه
۵۰	از خود گذشتگی و ایثار فاطمه
۵۰	خوشروئی
۵۰	د
۵۰	اشاره
۵۰	دعوت مردم به قیام
۵۰	دفاع و مبارزه حضرت فاطمه
۵۰	دفاع در برابر هجوم گستاخانه به منزل امیرالمؤمنین
۵۱	دفاع و افشاگری در برابر مهاجمان به منزل امام علی
۵۱	افشاگری توطئه‌ها
۵۱	شکوه‌ها با پدر
۵۱	محکوم نمودن مهاجمان
۵۲	دفاع از امیرالمؤمنین
۵۲	دفاع و یادآوری فضائل اهل بیت
۵۲	تهدید به نفرین کردن
۵۲	دفاع از امام در مسجد
۵۳	دفاع از جان امام
۵۳	دفاع تا رهایی و سلامت امام
۵۳	دفاع از اموال خویش
۵۴	دعاهای حضرت زهرا
۵۴	اشاره
۵۴	دعا برای گناهکاران امت

- ۵۴ دعا برای همسایگان
- ۵۴ توجه به دعا حتی در هنگامه غم از دست دادن پدر
- ۵۴ تقاضای دعا برای شفای امام حسن
- ۵۴ ارزش و اهمیت دعا
- ۵۵ دعای معروف حضرت زهرا
- ۵۵ دعای بعد از ظهر روز جمعه
- ۵۵ دنیا و دنیازدگی
- ۵۵ ترک دنیا پرستی
- ۵۵ والاتر از دنیا
- ۵۵ ذ، ر
- ۵۵ اشاره
- ۵۶ روابط اجتماعی
- ۵۶ کیفیت رابطه با مردم و خانواده
- ۵۶ زن و زندگی اجتماعی
- ۵۶ روابط سیاسی اجتماعی
- ۵۶ روزه
- ۵۶ شرایط روزه‌داری
- ۵۶ روزه‌ی نذری (روزه‌ی شکرگزاری)
- ۵۶ ز
- ۵۶ اشاره
- ۵۶ زن و زندگی اجتماعی
- ۵۶ اشاره
- ۵۷ آن چه برای زنان نیکو است
- ۵۷ ساده زیستی و کار روزانه فاطمه

۵۷	ساده‌پوشی
۵۷	سادگی در لباس
۵۷	سادگی زندگی
۵۷	لحظه‌ای که زن به خدا نزدیک‌تر است
۵۸	زن و آیین زندگی
۵۸	زن و کار
۵۸	زن و کار روزانه
۵۸	هماهنگی زن و شوهر در کار منزل
۵۸	تقسیم کار در خانواده
۵۹	تقسیم کار با همسر
۵۹	زن و زینت و آرایش
۵۹	عطر و زینت در نماز
۵۹	استفاده‌ی دائمی از بوی خوش
۵۹	تهیه‌ی عطر برای شب عروسی فاطمه
۶۰	بزرگ زن جهانیان
۶۰	بزرگ زن بهشتی
۶۰	س، ش
۶۰	اشاره
۶۰	شادی و خشنودی
۶۰	شادی فاطمه از خبر شهادت
۶۰	شادی ملائکه در پیروزی مؤمن
۶۱	شعرهای فاطمه
۶۱	شب ازدواج و ستودن شوهر
۶۱	استفاده از جاذبه‌ی شعر در تربیت کودک

- ۶۱ بیان مشکلات اقتصادی
- ۶۱ سخاوت و ایثارگری
- ۶۱ خبر از شهادت حسین
- ۶۲ در فراق خویش
- ۶۲ اشعار در غم از دست دادن پیامبر
- ۶۲ جهان پس از رحلت پیامبر
- ۶۳ دردهای سوزناک
- ۶۳ در سوگ پدر، در غروب خورشید نبوت
- ۶۴ شکوه‌ها از غروب آفتاب و غربت اسلام
- ۶۴ پیامبر جاودانه است
- ۶۴ شکوه از مصیبت و تنهائی
- ۶۵ اندوه پایدار
- ۶۵ اشک‌های بی‌قرار
- ۶۵ غم بی‌پایان
- ۶۵ شکوه‌های دردآلود و افشاگرانه
- ۶۵ شکوه از غضب امامت
- ۶۶ شکوه از خیانت منافقان کینه توز
- ۶۶ شکوه‌ها و آرزوی مرگ
- ۶۶ شکوه‌ها
- ۶۷ شفاعت فاطمه
- ۶۷ صفات شیعیان و پیروان اهل بیت
- ۶۷ شهادت و شاهد
- ۶۸ ص
- ۶۸ اشاره

۶۸	صحیفه‌ی و کتاب حضرت زهرا
۶۸	شب نزول صحیفه‌ی زهرا
۶۸	صحیفه‌ی حضرت زهرا
۶۹	مطالب صحیفه فاطمه از اسرار است
۶۹	آگاهی جابر از برخی مطالب صحیفه
۶۹	ط، ظ، ع
۶۹	اشاره
۷۰	عبادت فاطمه
۷۰	عرفان فاطمه
۷۰	ارزش علم و عالم اسلامی
۷۰	ارزش پرسش و پاسخ
۷۱	ارزشمندی یک حدیث
۷۱	علم و آگاهی حضرت زهرا
۷۱	آگاهی از زمان شهادت
۷۱	روایت اسماء
۷۱	روایت سلمی
۷۲	آگاهی از لحظه شهادت
۷۲	روایت ابن عباس
۷۲	رازگوئی با همسر
۷۲	آگاهی از شهادت حسین در کربلا
۷۳	علم بی‌نهایت
۷۳	آگاهی از حوادث تلخ آینده
۷۳	اطلاع از شهادت
۷۳	علم بی‌نهایت

۷۳	غ، ف
۷۳	اشاره
۷۳	ماجرای سیاسی فدک
۷۳	فدک، حق الهی فاطمه
۷۴	مطالبه‌ی حق از ابوبکر
۷۵	کیفیت اعطای فدک به فاطمه
۷۵	سند فدک را پیامبر نوشت
۷۵	بشارت اعطای فدک به فاطمه و فرزندان فاطمه
۷۶	فدک میراث پیامبر و اموال فاطمه است
۷۶	مطالبه‌ی میراث پیامبر
۷۶	اثبات ارث با آیات قرآن
۷۶	اثبات ارث با مناظره و استدلال عقلی و شرعی
۷۶	مناظره‌ی کوبنده و اولین شهادت باطل
۷۷	اثبات ارث با شهادت شاهدان
۷۸	غصب فدک
۷۸	کشاندن ماجرای فدک به اجتماعات مسلمین
۷۸	اشاره
۷۸	مناظره در اجتماع مسلمین
۷۹	به یاری طلبیدن مسلمانان
۷۹	آگاهی از پیمان شکنی مخالفان ولایت
۸۰	سخن‌رانی افشاگرانه در مسجد
۸۰	فضائل فاطمه از کلام پیامبر
۸۰	فاطمه بزرگ زن جهانیان
۸۰	فاطمه بزرگ زن بانوان بهشتی

۸۰	ق
۸۰	اشاره
۸۰	قرآن و تلاوت قرآن
۸۱	فضیلت قرائت قرآن
۸۱	اشتیاق تلاوت قرآن
۸۱	سفارش به خواندن قرآن بر روی قبر خویش
۸۱	قضاوت
۸۱	معاد و قیامت
۸۱	یاد قیامت
۸۱	ترس از عذاب قیامت
۸۱	ک، گ
۸۱	اشاره
۸۲	گریه‌های مداوم فاطمه
۸۲	م
۸۲	اشاره
۸۲	حق مالکیت خصوصی
۸۲	انواع مبارزات سیاسی
۸۲	یادآوری و هشدار
۸۲	افشاگری و محکومیت
۸۳	افشاگری و سرزنش مردم
۸۳	سرزنش و توبیخ پیمان شکنان
۸۳	افشای عوامل مصیبت‌ها
۸۴	یاری طلبیدن از مهاجرین و انصار
۸۴	سخنرانیهای افشاگرانه

۸۴	اعلان بیزاری و نفرین
۸۴	انواع مبارزه‌ی منفی
۸۴	اعتصاب در سخن گفتن با ابوبکر
۸۵	اعتصاب در سخن گفتن با ابوبکر و عمر
۸۵	اعتصاب در حرف زدن با عمر
۸۵	فلسفه‌ی وصیتنامه‌ی سیاسی حضرت زهرا
۸۶	نفرین کردن به دشمن اعلان بیزاری و نفرین به ابوبکر
۸۶	شکوه از ظالمان
۸۶	مشکلات زندگی
۸۶	اشاره
۸۶	فاطمه و تحمل گرسنگی‌ها
۸۶	شکوه از گرسنگی
۸۶	گرسنگی طاقت فرسا
۸۶	شکوه از فقر و نداری با پدر
۸۷	تحمل فقر و نداری
۸۷	تحمل کمبودهای رفاهی
۸۷	تحمل فشارهای سخت زندگی
۸۷	وسائل ساده‌ی زندگی
۸۸	شکوه از گرسنگی
۸۸	مشکلات اقتصادی و بچه داری
۸۸	همدردی با شوهر
۸۸	درددل با پدر
۸۸	سپاس در تنگدستی
۸۸	درخواست از شوهر

۸۹	شکوه‌ها با پدر
۸۹	معجزات فاطمه
۸۹	سخن گفتن در هنگام ولادت
۸۹	درخواست نزول غذای بهشتی
۹۰	مشاهدات غیبی حضرت فاطمه
۹۰	مشاهده‌ی جبرئیل و عزرائیل
۹۰	نزول ملائکه و سلام فاطمه
۹۱	مقام مادر
۹۱	مهمان نوازی
۹۱	ن، و
۹۱	اشاره
۹۱	وصیتهای شخصی فاطمه
۹۱	وصیت به یادآوری
۹۱	وصیت به قرآن خواندن در شب اول مرگ
۹۲	وصیت به ازدواج با امامه
۹۲	وصیتهای سیاسی
۹۲	وصیت به مخفی بودن مراسم تدفین
۹۲	وصیت به عدم شرکت ظالمان در مراسم تدفین
۹۳	وصیتنامه‌ی نوشته شده
۹۳	ه، ی
۹۳	اشاره
۹۳	یاری و کمک کردن
۹۳	ضرورت یاری کردن به کارگر منزل
۹۳	تقسیم کار

- کار فراوان ۹۴
- یاری کردن علی ۹۴
- مطرح کردن فضیلت‌ها ۹۴
- طرح واقعیت‌ها ۹۴
- یاری کردن شیعیان ۹۴
- پاورقی ۹۵
- درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان ۹۹

فرهنگ سخنان فاطمه زهرا (س)

مشخصات کتاب

سرشناسه: دشتی محمد، ۱۳۳۰ - ۱۳۸۰ عنوان و نام پدیدآور: فرهنگ سخنان حضرت فاطمه (س) / مولف محمد دشتی مشخصات نشر: قم قدس موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین ع ۱۳۸۲. مشخصات ظاهری: ۲۷۰ص. فروست: مجموعه نهج الحیاه ۴. شابک: ۱۰۰۰۰ریال ۹۶۴-۶۳۹۵-۴۶-۵: یادداشت: بالایی عنوان سیری در گفتار نورانی رهبران معصوم علیهم السلام یادداشت: این کتاب در سالهای مختلف با ناشران متفاوت منتشر شده است. یادداشت: عنوان روی جلد: فاطمه بضعه منی فرهنگ سخنان فاطمه زهرا(س). یادداشت: عنوان دیگر: نهج الحیاه (فرهنگ سخنان حضرت فاطمه س). یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس عنوان روی جلد: فاطمه بضعه منی فرهنگ سخنان فاطمه زهرا(س). عنوان دیگر: نهج الحیاه (فرهنگ سخنان حضرت فاطمه س). عنوان دیگر: سیری در گفتار نورانی و رهبران معصوم ع. عنوان دیگر: فاطمه صبغه نبی فرهنگ سخنان فاطمه زهرا علیه السلام موضوع: فاطمه زهرا (س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق، ۸؟ قبل از هجرت موضوع: فاطمه زهرا(س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق -- کلمات قصار -- واژه‌نامه‌ها. موضوع: فاطمه زهرا(س)، ۸؟ قبل از هجرت - ۱۱ق -- خطبه‌ها. شناسه افزوده: موسسه فرهنگی تحقیقاتی امیرالمومنین (ع) ط رده بندی کنگره: BP۲۷/۲۲ ۹۵۴د ۱۳۸۲ رده بندی دیویی: ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی: م ۸۳-۲۵۶

مقدمه

بنام آنکه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله را کوثر عطا فرمود از سالهای ۶۵ تا ۷۲ که کار استخراج «سخنان حضرت زهرا علیها السلام» را برای رهنمونی بانوان مسلمان که در جستجوی الگوی کامل زندگی بودند، آغاز کردیم، و گوهرهای درخشنده‌ی کوثر قرآن را از لابلای صدها کتاب گرد می‌آوردیم، و گل‌های همیشه معطر بوستان فاطمی را می‌بوئیدیم. نمی‌دانستیم که عطر کلمات بزرگ بانوی جهانیان در فرصت کوتاهی جان و جهان را این گونه معطر می‌سازد، و با این سرعت از مرزهای خاکی ما می‌گذرد، و همه‌ی مرزها را در می‌نوردد، و نسیم دل‌انگیز آن در فضای دورترین کشورهای اسلامی وزیدن آغاز کرده روح و روان مسلمانان جهان را شاداب می‌کند. و نامه‌های فراوانی از کشورهای اروپایی و افریقایی و آسیایی، هند و پاکستان به طرف ما سرازیر می‌شود. که در تمام نمایشگاههای داخل و خارج حضور فعال می‌یابد. که روحانی پیرمردی با پیمودن ۴۰۰ کیلومتر راه در کشور هند خود را به خانه‌ی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران رسانده، با گریه می‌گوید: «یک جلد نهج الحیاه به من بدهید، زیرا ما فقط نامی از حضرت فاطمه علیها السلام شنیده بودیم، و نمی‌دانستیم که فرهنگ سخنان او، موجود است». باور نمی‌کردیم که فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام تنها در مدت ۳ سال ۱۳ بار چاپ و منتشر می‌شود. (آن هم بدون امکانات نشر و توزیع مناسب) و در همین فرصت کوتاه برای ارزیابی مفاهیم وحی گونه‌اش، سمینارها [صفحه ۶] برگزار می‌گردد، و مسابقات فرهنگی تحقق می‌یابد [۱]. و باور کرده‌ایم که با داشتن منابع روایی، و آثار ارزنده‌ی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نباید از تهاجم فرهنگی دشمن بهراسیم اگر بیدار شویم، و به ارزشهای خویش بازگردیم اگر به گونه‌ای شایسته این فرهنگ غنی را شناخته و به جهانیان بشناسانیم اگر مصداق این شعر نباشیم که: «آنچه خود داشت ز بیگانه تمنا می‌کرد» پس از انتشار فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام، رهنمودهای فراوان و پیشنهادهای ارزشمندی به دست ما رسید که اصلاح و بازنگری بایسته‌ای را می‌طلبد مانند: الف- تغییر کیفی عبارات فارسی و عربی ب- ادبیات متن کتاب ج- اصلاح و کنترل پاورقی در سراسر کتاب د- کنترل اعراب متن عربی ه- کنترل مجدد آدرسها و مدارک و اسناد احادیث در پاورقی کتاب و- اصلاح ترجمه‌ها امیدواریم با ویژگیهای یاد شده در

این چاپ (هفدهم)، به بخشی از خواسته‌های علاقه‌مندان پاسخ داده، و رضایت اول شهید خط ولایت را جلب کرده باشیم. انشاء الله
قم- مؤسسه تحقیقاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام محمد دشتی- زمستان ۷۶ [صفحه ۷]

آ

اشاره

آئین همسراری آداب غذا خوردن آرایش و زیبایی آگاهی [صفحه ۹]

آئین همسراری

ایثارگری فاطمه

همسر ایده آل، برای گرم نگهداشتن کانون خانواده، باید مهربان و ایثارگر باشد، دیگران را بر خود مقدم بدارد، با سختیهای زندگی و ناملايمات آن بسازد، و با لبخند شادی آفرین خود، تاریکی حزن و اندوه را از دل شوهر بزدايد. در این رابطه به سخنان فاطمه علیهاالسلام باید نظر دوخت. در یکی از صبحگاهان امام علی علیه‌السلام فرمود: فاطمه جان! آیا غذایی داری تا گرسنگی ام برطرف شود؟ پاسخ داد: نه، بخدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید سوگند که دو روز است در منزل غذای کافی نداریم، آن چه بود به شما و فرزندانم «حسن و حسین» دادم و خود از غذای اندک موجود، استفاده نکردم. امام با تاسف فرمود: فاطمه جان! چرا به من اطلاع ندادی، تا بدنبال تهیه غذا بروم؟ حدیث ۱ قالت فاطمه علیهاالسلام: یا ابالحسن انی لاستحیی من الهی ان اکلف نفسک مالا تقدر علیه [۲]. حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: (ای ابالحسن! من از پروردگار خود حیاء می‌کنم چیزی را از تو درخواست نمایم که تو بر آن توان و قدرت نداری) زنان دنیای معاصر باید از اینگونه جلوه‌های ایثار درس زندگی بگیرند، و [صفحه ۱۰] با ساده زیستی و مراقبت از خویشان و دوری از آرزوهای زودگذر، زندگی زناشویی را رنگی جاودانه زنند.

کار در خانواده

الف- هماهنگی زن و شوهر در کار روزانه زن و کار، حدیث ۹۲ ب- تقسیم کار در خانواده زن و کار، حدیث ۹۴ ج- تقسیم کار با همسر زن و کار، حدیث ۹۵

اوج ادب و ایثار

امام علی علیه‌السلام باغ خود را به ۱۲ هزار درهم می‌فروشد و همه‌ی پولها را بین فقرا و تهیدستان مدینه تقسیم می‌کند و به منزل باز می‌گردد. طبیعی است که انتظار فرزندان و همسر، پس از فروش باغ، آوردن غذا و میوه به منزل است. فاطمه علیهاالسلام پرسید: غذای امروز ما چه شد؟ امام برای تهیه غذا بیرون می‌رود، اما فاطمه علیهاالسلام ناراحت است، با خود می‌گوید: چرا سؤال کردم؟ و آنگاه فرمود: حدیث ۲ قالت: فانی استغفر الله و لا اعود ابدًا. [۳]. (من از خدا آمرزش می‌طلبم و دیگر این رفتار را تکرار نخواهم کرد)

هماهنگی با شوهر

د- دفاع حدیث ۷۳ پس از ماجراهای تلخ سقیفه و انزوای اهل بیت علیهم‌السلام، سران سقیفه برای جلب افکار عمومی مردم بفکر

چاره افتادند، تا بگونه‌ای از حضرت زهرا علیهاالسلام [صفحه ۱۱] دلجوئی نمایند، که اجازه‌ی ملاقات می‌خواستند و تظاهر به جبران اشتباهات می‌کردند. اما فاطمه علیهاالسلام در تداوم یک مبارزه‌ی منفی همه‌جانبه، هر گونه پیشنهادی را رد می‌نمود، و موضع اعتراض یا سکوت و بی‌زاری را ادامه می‌داد. روزی امام علی علیه‌السلام وارد منزل شد و فرمود: فاطمه جان خلیفه و عمر در پشت درب خانه، منتظر اجازه‌ی ورود می‌باشند، تا نظر شما چه باشد؟ حضرت زهرا علیهاالسلام در برابر شوهر فرمود: حدیث ۳ قالت: البیت بیتک و الحره زوجتک فافعل ما تشاء (علی جان! خانه، خانه‌ی توست. و من همسر تو می‌باشم. هر آنچه می‌خواهی انجام ده) [۴].

تحمل مشکلات اقتصادی

م- مشکلات اقتصادی حدیث ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱

تحمل مشکلات زندگی و خانوادگی

م- مشکلات اقتصادی حدیث ۱۷۹ و ۱۸۰ و ۱۸۱ ش- شعرهای فاطمه علیهاالسلام

معرفی همسر نمونه

ر- روابط اجتماعی، حدیث ۸۴

آداب غذا خوردن

ب- بهداشت حدیث ۲۹ [صفحه ۱۳]

الف

اشاره

احکام اسلامی اخلاص در عبادت اخلاق و روابط انسانی ازدواج افشاگریها امامت و رهبری امامت امام علی علیه‌السلام ویژگیهای امام علی علیه‌السلام انفاق و بخشش ایثارگری ایمان [صفحه ۱۵]

احکام اسلامی

کیفیت شستشوی کودک

امام حسن مجتبی علیه‌السلام از مادرش حضرت زهرا علیهاالسلام نسبت به شستشوی ادرار کودک نقل کرد که: حدیث ۴ قالت: رایت ام سلمه تغسل بول الجاریه ما کانت، و لا تغسل بول الغلام حتی یطعم، تصب علیه الماء صبا حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: (ام سلمه را دیدم که ادرار دختر بچه را اینگونه شستشوی می‌داد «با آب کر یک بار و با آب قلیل ۳ بار» اما ادرار پسر بچه‌ای را که هنوز غذا خوار نشده و شیر مادر می‌خورد، نمی‌شست، تنها بر روی ادرار پسر بچه مقداری آب می‌پاشید) [۵].

مصرف گوشت عید قربان

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت علی علیه السلام را به سفری دور اعزام فرمود، حضرت زهرا علیها السلام که بار سفر و وسائل رفت و آمد را آماده می‌ساخت، مقداری از گوشت قربانی را برای شوهرش ذخیره نمود پرسیدند مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله از مصرف گوشت قربانی نهی نفرمود؟ پاسخ داد: [صفحه ۱۶] حدیث ۵ انه قد رخص فیها [۶]. (مصرف گوشت عید قربان اجازه داده شد)

اخلاص در عبادت

عبادت پسندیده است، اما اخلاص در عبادت پسندیده‌تر. باید با اخلاص و توجه لازم به عبادت خدا پرداخت که ره آورد فراوانی بهمراه خواهد داشت. حدیث ۶ قالت فاطمه علیها السلام: من اصعد الی الله خالص عبادته اهبط الله عزوجل الیه افضل مصلحته [۷]. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: (کسی که عبادت‌های خالصانه‌ی خود را بسوی خدا فرستد، پروردگار بزرگ، برترین مصلحت او را بسویش فرو خواهد فرستاد)

اخلاق و روابط انسانی

خوشرویی

امام صادق علیه السلام روش برخورد صحیح اجتماعی با پرهیزکاران و فاسدان و دشمنان را از حضرت فاطمه علیها السلام اینگونه توضیح داد. حدیث ۷ قالت: بشر فی وجه المؤمن یوجب لصاحبه الجنة و بشر فی وجه المعاند [صفحه ۱۷] المعادی یقی صاحبه عذاب النار (پاداش خوشرویی در برابر مؤمن بهشت است و خوشرویی با دشمن انسانهای ستیزه جو، انسان را از عذاب آتش باز میدارد) [۸].

اخلاق زناشویی

آ- آئین همسراری

اخلاق اقتصادی

م- مشکلات اقتصادی

اخلاق سیاسی

م- مبارزات سیاسی - و - ف، فدک

ازدواج از دیدگاه فاطمه

مشورت با دختر

یکی از آداب پسندیده در ازدواج اسلامی، مشورت و تبادل افکار پدر با دختر است که آگاهانه همسر ایده آل خود را برگزیند. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله این اصل تربیتی، روانی را بدقت رعایت می‌کرد و به امت اسلامی سفارش می‌فرمود، تا از ظلم و

ستم دوران جاهلیت دوری گزینند، و پدران و مادران بدون مشورت و رضایت دختران در امر ازدواج اقدامی نکنند. چنانکه پیامبر نسبت به ازدواج دخترش با او مشورت کرد و فرمود: دخترم فاطمه! پسر عمویت علی علیه‌السلام از تو خواستگاری نموده است. پاسخ تو چیست؟ فاطمه علیها‌السلام به پدر احترام کرد و فرمود نظر شما چه می‌باشد؟ پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (اذن الله فیه من السماء) خدا از آسمان اجازت فرمود. فاطمه علیها‌السلام پاسخ داد: (در حالی که تبسم بر لب داشت): [صفحه ۱۸] حدیث ۸ رضیت بما رضی الله لی و رسوله [۹]. (خشنودم به آنچه که خدا و پیامبر او برای من رضایت دادند) و در روایتی دیگر آمده است که فرمود: رضیت بالله ربا و بک یا ابته نبیا و باین عمی بعلا و ولیا (خشنودم که خدا پروردگار من است و تو ای پدر، پیامبر من و پسر عمویم (علی علیه‌السلام)، شوهر و امام من است) [۱۰].

احترام متقابل دختر به نظر پدر

یکی دیگر از آداب پسندیده و مساله قابل توجه در ازدواج، احترام متقابل فرزندان به افکار و آراء پدر و مادر است. دختران و پسران باید بدانند که مربیان دلسوزشان آرزوی سعادت و تکامل و بهروزی آنها را دارند و در امر ازدواج نباید نظریات پدر و مادر را نادیده انگارند. آنگاه که پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله برای دخترش ارزش و اعتبار قائل شد و در ازدواج با علی علیه‌السلام با او به مشورت نشست، حضرت زهرا علیها‌السلام نیز به پدر احترام کرد و رای و نظریه‌ی پدر را محترم شمرد و فرمود: حدیث ۹ قالت فاطمه علیها‌السلام: یا رسول الله انت اولی بما تری (ای رسول خدا! تو از من سزاوارتری (که اظهار نظر کنی)) [۱۱].

پرهیز از ارزشهای دروغین در ازدواج

در امر مقدس ازدواج که پایه‌ی تربیت انسانهای کامل است، نباید به [صفحه ۱۹] ارزشهای دروغین و آداب و رسوم ناروا و ناپسند توجه نمود بلکه سلامت جسم و جان و دین دختر و پسر را باید اساس پذیرش قرار داد. بزرگان قبائل و سرمایه‌دارانی با باورهای زشت مادی و جاهلی، از دختر پیامبر صلی الله علیه و آله خواستگاری نمودند، ولی جواب منفی شنیدند. پیامبر و فاطمه علیها‌السلام در شرایطی به ازدواج امام علی علیه‌السلام پاسخ مثبت دادند که نه سرمایه‌ای داشت و نه باغ و زمین و اموالی فراهم آورده بود در این ازدواج مقدس، توجه فاطمه علیها‌السلام به ارزشهای معنوی و سلامت و عصمت همسر آینده‌اش بود. وقتی صبح عروسی پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: کیف رایت زوجک؟ (دخترم! شوهرت را چگونه دیدی؟) پاسخ داد: حدیث ۱۰ قالت: یا ابئه خیر زوج [۱۲]. (ای پدر! بهترین شوهر دیدم)

شکوه از طرفداران ارزشهای جاهلی در ازدواج

بسیاری با ارزشهای مادی و جاهلی به ازدواج و شوهر آینده می‌نگرند، و به سرزنش این و آن می‌پردازند. ارزشهای انسانی و اسلامی همسران خود ساخته را چیزی نمی‌شمارند، و با کنایه و اشاره به سرزنش روی می‌آورند. حضرت زهرا علیها‌السلام از این گرایش جاهلی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله شکایت می‌کند: [صفحه ۲۰] حدیث ۱۱ قالت فاطمه علیها‌السلام: یا رسول الله صلی الله علیه و آله! دخل علی نساء من قریش و قلن لی زوجک رسول الله صلی الله علیه و آله من فقیر لا مال له [۱۳]. (ای رسول خدا! زنانی از قریش به منزل من وارد شدند (و سرزنش آغاز کردند) و گفتند: پیامبر، تو را همسر کسی قرار داد که فقیر است و سرمایه‌ای ندارد.)

حالات معنوی فاطمه در شب ازدواج

شب ازدواج و آغاز لحظه‌های شروع یک زندگی نوین برای هر زن و مردی شیرین و خاطره انگیز است بسیاری این لحظه‌های شیرین را به انواع گناه می‌آلایند و فکر می‌کنند، هر گونه زشتی و پلیدی می‌تواند مجاز باشد. باید دید که کاملترین الگوی بانوان جهان، حضرت فاطمه علیهاالسلام در شب عروسی چه حالاتی دارد؟ و زندگی مشترک با همسرش را چگونه شروع می‌نماید؟ امام علی علیه‌السلام شب عروسی، فاطمه‌ی زهرا را نگران و گریان دید. پرسید: چرا ناراحتی؟ پاسخ داد: حدیث ۱۲ قالت: تفکرت فی حالی و امری عند ذهاب عمری و نزولی فی قبری فشبته دخولی فی فراشی بمنزلی کدخولی الی لحدی و قبری فانشدک الله ان قمت الی الصلاة فنعبد الله تعالی هذه الليلة [۱۴]. [صفحه ۲۱] (پیرامون حال و رفتار خویش فکر کردم. به یاد پایان عمر و قبر خویش افتادم که امروز از خانه‌ی پدر به خانه‌ی شما منتقل شدم و روزی دیگر از اینجا به طرف قبر و قیامت خواهم رفت پس تو را به خدا سوگند می‌دهم که: بیا تا به نماز بایستیم تا با هم در این شب خدا را عبادت کنیم)

افشاگریهای حضرت زهرا

(برای اطلاع دقیق به بخش خطبه‌ها و مبارزات سیاسی مراجعه فرمائید).

امامت و رهبری

ارزش اهل بیت و امامان

حضرت زهرا علیهاالسلام نسبت به ارزشهای امامان معصوم علیهم‌السلام فرمود. حدیث ۱۳ قالت: و نحن وسیلته فی خلقه و نحن خاصته و محل قدسه و نحن حجه فی غیبه و نحن ورثه انبیائه [۱۵]. (ما اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله) وسیله‌ی ارتباط خدا با مخلوقاتیم، ما برگزیدگان خداییم و جایگاه پاکیهما، ما دلیلهای روشن خداییم و وارث پیامبران الهی)

ره‌آورد امامت (فلسفه امامت)

حضرت زهرا علیهاالسلام با اشاره به فلسفه امامت فرمود: حدیث ۱۴ قالت: فجعل الله... اطاعتنا نظاما للملئ و امامتنا امانا للفرقة (خدا اطاعت و پیروی از ما (اهل بیت علیهم‌السلام) را سبب برقراری نظم اجتماعی در امت [صفحه ۲۲] اسلامی، و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است) [۱۶]. و حدیث ۳- نقش تربیتی

نقش تربیتی پیامبر و امام

حضرت زهرا علیهاالسلام با توجه به ضرورت الگوهای کامل تربیتی در جامعه‌ی انسانها، به نقش تربیتی پیامبر و امام علی علیهماالسلام اشاره کرد و فرمود: حدیث ۱۵ قالت فاطمه علیهاالسلام: ابوا هذه الامه محمد و علی علیهماالسلام یقیمان اودهم و یقذانهم من العذاب الدائم ان اطاعوهما و یبیحانهم النعم الدائم ان وافقوهما (محمد و علی علیهماالسلام دو پدر امت اسلام میباشند، کجی‌ها را راست و انحرافات را اصلاح می‌نمایند، اگر مردم ایشان را اطاعت کنند، این دو آنها را از عذاب جاویدان نجات می‌دهند. و اگر مردم با ایشان موافق و همراه باشند، این دو، نعمتهای پایدار خداوندی را ارزانیشان دارند) [۱۷].

معرفی امامان دوازده گانه

ص. صحیفه حضرت زهرا علیهاالسلام، حدیث ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸. اثبات امامت، حدیث ۱۶. ش- شهادت، حدیث ۱۲۲.

معرفی حضرت قائم آل محمد

اثبات امامت، حدیث ۱۶ ص - صحیفه حضرت زهراء، حدیث ۱۲۶ و ۱۲۷ و ۱۲۸ [صفحه ۲۳]

ضرورت گرایش مردم به امام

اثبات امامت، حدیث ۱۶

اثبات امامت علی هدایت تشریحی

یادآوری روایات رسول خدا

محمود بن لبید می گوید: پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام را در کنار قبر حضرت حمزه در احد، در حال عزاداری و گریه مشاهده کردم، فرصت را غنیمت شمرده سؤال کردم: آیا برای امامت علی علیه السلام از سخنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، می توان دلیلی آورد؟ حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد: حدیث ۱۶ قالت فاطمه: و اعجاباه انسیتم یوم غدیر خم؟ سمعت رسول الله يقول: علی خیر من اخلفه فیکم، و هو الامام و الخلیفه بعدی، و سبطای و تسعة من صلب الحسین علیه السلام ائمة ابرار، لئن اتبعتموهم وجدتموهم هادین مهیین، و لئن خالفتموهم لیکون الاختلاف فیکم الی یوم القیامة؟ قلت: یا سیدی فما باله قعد عن حقه؟ قالت: یا ابا عمر لقد قال رسول الله صلی الله علیه و آله: مثل الامام مثل الکعبة اذ توتی و لا تاتی اما و الله لو ترکوا الحق علی اهله و اتبعوا عتره نبیه لما اختلف فی الله اثنان، و لورثها سلف عن سلف و خلف بعد خلف حتی یقوم قائمنا التاسع من ولد الحسین و لکن قدموا من اخره الله و اخروا من قدمه الله: حتی اذا الحدوا [صفحه ۲۴] المبعوث و او دعوه الجذث المجدوث اختاروا بشهوتهم و عملوا بآرائهم تبا لهم او لم یسمعوا الله یقول: «و ربک یخلق ما یشاء و یختار ما کان لهم الخیرة»؟ بل سمعوا و لکنهم کما قال الله سبحانه: «فانها لا تعمی الابصار و لکن تعمی القلوب التی فی الصدور» هیئات بسطوا فی الدنیا آمالهم و نسوا آجالهم فتعسا لهم و اضل اعمالهم اعوذ بک یا رب من الحور بعد الکور [۱۸]. (شگفتا! آیا روز غدیر خم را فراموش کرده‌اید؟ شنیدم که پیامبر گرامی اسلام فرمود: علی بهترین کسی است که او را جانشین خود در میان شما قرار می‌دهم. علی علیه السلام امام و خلیفه بعد از من است و دو فرزندم، (حسن و حسین علیهما السلام) و نه نفر از فرزندان حسین علیهم السلام پیشوایان و امامانی پاک و نیکند. اگر از آنها اطاعت کنید شما را هدایت خواهند نمود و اگر مخالفت ورزید، تا روز قیامت بلای تفرقه و اختلاف در میان شما حاکم خواهد شد.) پرسیدم، بانوی من! پس چرا امام علی علیه السلام سکوت کرد و حق خود را نگرفت؟ حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد: (رسول خدا، فرمود مثل امام، مانند کعبه است، مردم باید در اطراف آن طواف کنند. نه آن که کعبه دور مردم طواف نمایند) (سپس ادامه داد که: (آگاه باش. قسم به خدا، اگر حق را به اهلش واگذار می‌کردند و از عترت رسول خدا اطاعت می‌نمودند دو نفر هم (درباره حکم خداوند) با یکدیگر اختلاف نمی‌کردند و امامت همان گونه که رسول خدا معرفی فرمود از علی علیه السلام تا حضرت قائم علیه السلام فرزند نهم امام حسین علیه السلام، از جانشینی به جانشینی دیگر به ارث می‌رسید. اما (افسوس) کسی را مقدم داشتند که خدا او را کنار زده بود و کسی را کنار زدند که خدا او را مقدم داشت ره آورد بعثت را انکار کردند و به بدعتها روی آوردند، آنها [صفحه ۲۵] هواپرستی و شهوت را برگزیدند و بر اساس رای و نظر شخصی عمل کردند، هلاکت و نابودی بر آنان باد. آیا نشنیدند کلام خدا را که فرمود: «پروردگار تو خلق می‌کند آنچه را که می‌خواهد و اختیار تعیین امامت بدست اوست» [۱۹]. آری شنیدند اما همان گونه که قرآن فرمود: «دیده‌ی بصیرت آنها کور و چشم دل آنها بی‌نور است» [۲۰]. افسوس، که سران سقیفه، آرزوها و هوسهای خود را تحقق بخشیدند و از مرگ و قیامت غافل ماندند، خدا نابودشان گرداند

و آنان را در کارهایشان گمراه کند، ای پروردگار! من به تو پناه می‌برم از کمی یاران پس از پیروی و فراوانی آنان:

حماسه‌ی غدیر و حدیث منزلت

یادآوری حدیث غدیر و منزلت

حضرت زهرا علیهاالسلام هر جا که لازم بود با یادآوری حدیث غدیر، مغزهای خفته، و انسانهای فریب خورده را هدایت و بیدار می‌فرمود، و بارها تذکر می‌داد که: حدیث ۱۷ قالت: انسیتم قول رسول الله صلی الله علیه و آله یوم غدیر خم من کنت مولاه فعلی مولاه؟ و قوله صلی الله علیه و آله انت منی بمنزلة هارون من موسی [۲۱]. (آیا فراموش کردید، سخنان رسول خدا را در روز غدیر خم (که فرمود: هر که من مولا- و رهبر او می‌باشم، علی علیه‌السلام نیز مولای اوست، و آیا فراموش کردید که به علی علیه‌السلام فرمود: یا علی علیه‌السلام موقعیت تو نسبت به من همانند هارون به موسای پیغمبر علیه‌السلام است) [صفحه ۲۶]

پاسخ بهانه‌جوها

حضرت زهرا علیهاالسلام در پاسخ بی‌تفاوت‌های بهانه‌جو که می‌گفتند: اگر علی علیه‌السلام زودتر شروع می‌کرد و برای مردم صحبت می‌نمود، منحرف نمی‌شدند، فرمود: حدیث ۱۸ قالت: فما جعل الله لاحد بعد غدیر خم من حجة و لا عذر [۲۲]. (پس از غدیر خم، خداوند برای هیچکس عذر و بهانه‌ای باقی نگذاشته است)

عذر تراشی ممنوع

و آنگاه که مهاجرین و انصار در عذرخواهی پافشاری کردند، فرمود: حدیث ۱۹ قالت: الیکم عنی فلا عذر بعد تعذیرکم و لا امر بعد تقصیرکم، هل ترک ابی یوم غدیر خم لاحد عذرا؟ [۲۳]. (دور شوید و مرا به حال خود واگذارید. پس از کوتاهی و سهل‌انگاری، جایی برای عذرخواهی نمانده است، آیا پدرم پیامبر صلی الله علیه و آله پس از حادثه‌ی غدیر خم جایی برای عذر تراشی و (بی تفاوتی) باقی گذاشته است؟)

ویژگیهای امام علی «امام علی از دیدگاه حضرت زهرا»

ارزشهای امام علی

برای شناساندن انسانی خداگونه در زمین، قلمها و زبانها عاجزند باید از سخنان حضرت زهرا علیهاالسلام برای شناسائی علی علیه‌السلام یاری طلبید. [صفحه ۲۷] حضرت فاطمه علیهاالسلام در برابر یکی از افراد نادان مدینه که خفاش صفت، برابر آفتاب وجود امام، زبان به سرزنش گشوده بود، فرمود: می‌دانی علی کیست؟ حدیث ۲۰ قالت: و هو الامام الربانی و الهیکل النورانی، قطب الاقطاب و سلاله الاطیاب الناطق بالصواب، نقطه دائرة الامامة و ابو بنیه الحسن و الحسین الذین هما ریحانتی رسول الله سیدی شباب اهل الجنة [۲۴]. (علی امامی ربانی و الهی، و هیکیلی نورانی و مرکز توجه همه‌ی عارفان و خداپرستان و فرزندگی از خاندان پاکان، گوینده‌ی بحق و روا، جایگاه اصلی و محور امامت، و پدر حسن و حسین دو دسته گل پیامبر صلی الله علیه و آله و دو بزرگ و سرور جوانان اهل بهشت، است) و به حدیث ۴۹ «جهاد و دفاع از ولایت» مراجعه شود

بهترین شوهر

حدیث ۱۰

سوابق مبارزاتی علی

در آن روزها که امام علی علیه‌السلام را دست کفر و شرک و نفاق به انزوا کشاند، حضرت زهرا علیها‌السلام در میان مهاجر و انصار، سوابق مبارزاتی امیرالمؤمنین علیه‌السلام را یک یک بر شمرد، تا حجت الهی را تمام کند حدیث ۲۱ قالت: كلما او قدوا نارا للحرب اطفأها الله، او نجم قرن الشيطان، او فغرت فاغرة من المشركين قذف اخاه في لهواتها، فلا ينكفيء حتى يطا صماخها باخصمه، و يخمد لهبها بسيفه مكدودا في ذات الله، مجتهدا في امر الله، قريبا من رسول الله، سيدا في [صفحة ۲۸] اولياء الله، مشمرا ناصحا مجدا كادحا، لا تاخذه في الله لومة لائم و انتم في رفاهية من العيش: حضرت زهرا علیها‌السلام فرمود: (پس از بعثت رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگاه مشرکین آتش جنگ بر افروختند، خدا آن را خاموش کرد، و هرگاه شیطان سر برداشت، یا مشرکی ندا می‌داد تا یورش بیاورد، رسول خدا صلی الله علیه و آله علی علیه‌السلام را در کام سختی‌ها و شعله‌ها می‌انداخت و علی علیه‌السلام بر جای نشست تا بر سر و مغز مخالفان کوبید، و با شمشیر مشکلات و تهاجمات را از سر راه اسلام برداشت، علی علیه‌السلام برای خدا این رنجها را تحمل نمود، و در تحقق فرمانهای الهی تلاش کرد، یار نزدیک پیامبر صلی الله علیه و آله، و بزرگ و سرور دوستان خدا بود. همواره دامن همت به کمر زده، نصیحت‌گر، تلاشگر و کوشا بود، و در راه خدا از سرزنش، سرزنش‌کننده‌ای بیم بخود راه نداد، در آن روزهایی که شما مردم در رفاه و آسایش آرمیده بودید) [۲۵].

ایثارگری و بخشش امام علی

فاطمه زهرا علیها‌السلام خدمت پیامبر صلی الله علیه و آله رسید و از ایثارگری‌های علی علیه‌السلام خبر داد و فرمود: حدیث ۲۲ قالت: یا رسول الله ما یدع علی شیئا من رزقه الا وزعه بین المساکین (ای رسول خدا! علی علیه‌السلام از طعام و غذا چیزی در خانه باقی نمی‌گذارد، هر چه به دست می‌آورد، بین فقرا و تهیدستان تقسیم می‌کند) [۲۶]. [صفحة ۲۹]

نقش تربیتی امام علی

امامت، حدیث ۱۵ «نقش تربیتی»

علل غصب خلافت امام

ش «شکوه از خیانت»، حدیث ۱۱۷ الف «اثبات امامت»، حدیث ۱۶ خ «خطبه‌ها» خطبه‌ی اول از حضرت زهرا علیها‌السلام در حالی که در احد بر مزار حضرت حمزه علیه‌السلام عزاداری میکرد، پرسیدند: چرا مردم بر ضد شما و علی علیه‌السلام هجوم آوردند و حق مسلم او را غصب کردند؟ حضرت زهرا علیها‌السلام پاسخ داد: حدیث ۲۳ قالت: لکنها احقاد بدریة و ترات احادیة کانت علیها قلوب النفاق مکتمنة لامکان الوشاء فلما استهدف الامر ارسلت علینا شایب الاثار (اینهمه کینه‌توزیها از جنگ بدر، و انتقام جویی‌ها از جنگ احد است که در دل‌های منافقان پنهان بود اما روزی که حکومت را غصب کردند تمام آن کینه‌ها و حسادتها را بر ما فروریختند) [۲۷].

علی و جاذبه‌های عاشقانه در عبادت

ابودرداء می‌گوید: علی علیه‌السلام را در حالت سجده بگونه‌ای مشاهده کردم که هیچ صدایی نمی‌شنود و حرکتی ندارد، فریاد زدم: سوگند بخدا علی علیه‌السلام مرده است. شتابان به فاطمه علیها‌السلام خبر دادم. حضرت زهرا علیها‌السلام فرمود: [صفحه ۳۰] حدیث ۲۴ قالت: هی و الله الغشیة التي تاخذہ من خشية الله [۲۸]. (بخدا قسم، این حالت معنوی علی علیه‌السلام است که از ترس در برابر عظمت پروردگار بر او عارض شده و در عبادت مدهوش می‌گردد)

فاطمه و ارزشهای امام علی

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، در یکی از جلسات دوستانه، به ارزشهای علی علیه‌السلام اشاره می‌فرمود و شدت محبت و علاقه‌ی قلبی خود را برای دخترش اظهار نمود. فاطمه علیها‌السلام در حالی که به عظمت و ارزشهای امام اعتراف می‌کرد، فرمود: حدیث ۲۵ قالت: و الذی اصطفاک و اجتباک و هداک و هداک الائمة لا زلت مقررۃ له ما عشت (سوگند به خدایی که به تو رسالت انتخاب کرد و (برای هدایت انسانها) برگزید و تو را هدایت کرد و امت اسلامی را به وسیله‌ی تو هدایت نمود، تا زنده‌ام همواره به ارزشهای امام علی علیه‌السلام معترف خواهم بود) [۲۹].

عامل رستگاری

حضرت زهرا علیها‌السلام سعادت و رستگاری انسان را در محبت و دوستی با علی علیه‌السلام می‌شناساند که فرمود: حدیث ۲۶ قالت: ان السعید، کل السعید، حق السعید من احب علیا فی حیاته و بعد موته [صفحه ۳۱] (همانا سعادت‌مند (بمعنای) کامل و حقیقی، کسی است که (امام) علی علیه‌السلام را در دوران زندگی و پس از مرگش دوست داشته است) [۳۰].

گریه بر مظلومیت امام علی

فاطمه‌ی زهرا علیها‌السلام در لحظه‌های غمبار احتضار خویش بشدت گریست امام علی علیه‌السلام پرسید: چرا گریه می‌کنی؟ پاسخ داد حدیث ۲۷ قالت: ابکی لما تلقی بعدی [۳۱]. (بخاطر آن چه که پس از من به تو خواهد رسید، می‌گریم) امام علی علیه‌السلام فرمود: «لا تبکی فوالله ذلک لصغیر عندی فی ذات الله تعالی: گریه مکن. سوگند بخدا این گونه سختی‌ها در راه خدا برای من ناچیز است»

دفاع از امام علی

خ- خطبه‌ها م- مبارزات سیاسی د- دفاع و- وصیتهای سیاسی الف- اثبات امامت علی علیه‌السلام

نگرانی از انبوه مشکلات علی

روزی در یکی از جلسات خانوادگی، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله دخترش فاطمه علیها‌السلام را با انبوه مصائب و مشکلاتی که پس از وی بر امیرالمؤمنین علیه‌السلام باریدن خواهد گرفت آشنا فرمود. [صفحه ۳۲] (ان زوجک یلاقى بعدی کذا و کذا) حضرت زهرا علیها‌السلام غم‌آلود و نگران پرسید: حدیث ۲۸ قالت: یا رسول الله الا تدعو الله ان ینصرف ذلک عنہ؟ [۳۲]. (ای رسول خدا! آیا از خداوند نمی‌خواهی که این مشکلات از علی علیه‌السلام کناره گیرند؟) فرمود: چرا. اما چاره‌ای جز آن نیست، زیرا انسانها آزادند و از نعمت اختیار و آزادی سوءاستفاده می‌کنند. [۳۳].

انفاق و سخاوت فاطمه

ج- جنگ و جهاد، حدیث ۴۸ پ- تلاش برای جلب رضایت پدر، حدیث ۳۲ خ- از خود گذشتگی و ایثار، حدیث ۶۱ و ۶۲ ش- شعر در سخاوت و بخشش، حدیث ۱۰۳ و ۱۰۴

ایثارگری

د- دفاع از امام، حدیث ۷۴ و ۷۵ خ- از خود گذشتگی و ایثار، حدیث ۶۱ و ۶۲ م- مشکلات زندگی، حدیث ۱۸۴ و ۱۹۱ آ- آیین همسراری، حدیث ۱

ایمان فاطمه

(به فصل خداشناسی و دعاهاى آن حضرت مراجعه فرمائید.) [صفحه ۳۳]

ب

اشاره

بهداشت دست بهداشت غذا خوردن بهداشت غذا [صفحه ۳۵]

بهداشتی

بهداشت دست

حضرت فاطمه علیها السلام نسبت به پاکیزگی دست فرمود: حدیث ۲۹ الا- لا یلو من امرء الا نفسه بیبت و فی یده ریح غمر [۳۴].
(بهوش باش! کسی که پس از خوردن غذا با دستی آلوده و چرب بخوابد، هیچکس جز خودش را سرزنش ننماید)

آداب غذا خوردن

حضرت زهرا علیها السلام درباره‌ی آداب غذا خوردن و بهداشت عمومی فرمود: حدیث ۳۰ قالت: فی المائدة اثنتا عشرة خصلةً یجب علی کل مسلم ان یعرفها اربع فیها فرض و اربع فیها سنه و اربع فیها تادیب فاما الفرض فالمعرفة، و الرضا، و التسمیة، و الشکر فاما السنه فالوضوء قبل الطعام، الجلوس علی الجانب الايسر، و الاكل بثلاث اصابع فاما التادیب. فالاكل بما یلیک و تصغیر اللقمة و المضغ الشدید و قلّة النظر فی وجوه الناس [صفحه ۳۶] (در سفره‌ی غذا، ۱۲ کار نیک وجود دارد که سزاوار است، هر مسلمانی آنها را بشناسد. ۴ مورد واجب و ۴ مورد مستحب و ۴ مورد نشانه ادب و بزرگواری است. و اما چهار عمل واجب: ۱- شناخت و معرفت پروردگار (بدانیم که نعمت‌ها از اوست) ۲- راضی به نعمت‌های خدا بودن ۳- گفتن «بسم الله الرحمن الرحیم» در آغاز غذا ۴- سپاسگزاری خدا در پایان (و گفتن الحمد لله رب العالمین) و چهار عمل مستحب عبارتند از: ۱- وضو گرفتن قبل از غذا ۲- نشستن بجانب چپ ۳- در حال نشسته غذا خوردن ۴- غذا خوردن با سه انگشت و آن چهار عملی که نشانه ادب و بزرگواری است مانند: ۱- از غذای پیش روی برداشتن ۲- لقمه‌ها را کوچک برداشتن ۳- غذا را بخوبی جویدن ۴- کمتر در صورت دیگران، نگاه کردن) [۳۵].

بهداشت غذا

ارزش غذایی خرما حضرت زهرا علیهاالسلام نسبت به ارزش غذایی خرما فرمود: حدیث ۳۱ قالت فاطمه علیهاالسلام: نعم تحفة المؤمن التمر [۳۶]. (برای مؤمن، خرما هدیه‌ی خوبی است) [صفحه ۳۷]

پ

اشاره

پوشش و حجاب زن پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پیامبر جاودانه است نقش تربیتی پیامبر صلی الله علیه و آله اندوه وفات پیامبر صلی الله علیه و آله شکوه‌ها با پیامبر صلی الله علیه و آله تنهایی و مصیبت پس از پیامبر صلی الله علیه و آله یاد پیامبر صلی الله علیه و آله [صفحه ۳۹]

پوشش زن

ح- حجاب زن

پیامبر و فاطمه

نقش تربیتی پیامبر در جامعه

الف. اثبات امامت حدیث ۴

تلاش برای جلب رضایت پیامبر

شیخ صدوق نقل می‌کند: رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله هر گاه به مسافرت می‌رفت، با فاطمه علیهاالسلام خداحافظی می‌کرد و وقتی از سفر بر می‌گشت، ابتدا به دیدن فاطمه علیهاالسلام می‌شتافت. در یکی از مسافرت‌های پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیهاالسلام دو دستبند نقره و یک جفت گوشواره برای خویش و یک پرده برای درب منزل خرید، پیامبر صلی الله علیه و آله از مسافرت بازگشت و بدیدار دخترش شتافت. پس از مشاهده‌ی پرده‌ی خانه و زیور آلات ساده‌ی فاطمه علیهاالسلام، توقف کوتاهی کرد و به مسجد رفت. حضرت زهرا علیهاالسلام با خود اندیشید که پدر ناراحت است، و فوری دستبند و گوشواره پرده را در آورد و خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله فرستاد و پیام داد: حدیث ۳۲ قالت: تقرأ علیک ابنتک السلام و تقول اجعل هذا فی سبیل الله [۳۷]. [صفحه ۴۰] (دخترت برای تو سلام می‌فرستد و می‌گوید که این زیور آلات اندک را نیز در راه خدا انفاق کن) پیامبر گرامی اسلام پس از مشاهده‌ی بخشش و ایثار فاطمه علیهاالسلام سه بار فرمود: فداها ابوها (پدرش فدای او باد)

همدردی با پدر

در روزهای واپسین زندگانی، پیامبر صلی الله علیه و آله به منبر رفت و فرمود: هر کس از من طلبی دارد، در خواست نماید. و آنگاه بلال در کوچه‌های مدینه فریاد زد که: «هذا محمد يعطى القصاص من نفسه قبل يوم القيامة» مردم اینک این محمد بن عبدالله است که می‌خواهد قبل از روز قیامت قصاص شود هر کس حقی از او طلب دارد بخواهد» مردی بلند شد و گفت: ای رسول خدا! شما در

جنگ بدر که صف سربازان را تنظیم می‌کردید، با شلاق خودتان بر شکم لخت من زدید. پیامبر فرمود بیا قصاص کن، مرد گفت: همان شلاق را بیاورید. پیامبر صلی الله علیه و آله به بلال اشاره فرمود که از خانه فاطمه علیها السلام همان شلاق روزهای جنگ را بیاورد. حضرت فاطمه زهرا علیها السلام پرسید: حدیث ۳۳ قالت: یا بلال ما یصنع والدی بالقضیب و لیس هذا یوم القضیب؟ (لما اخبر بلال ما وقع قالت:) و اغماه لغمک یا ابناه من للفقراء و المساکین و ابن السبیل یا حبیب الله و حبیب القلوب [صفحه ۴۱] یا بلال فقل للحسن و الحسنین یقومان الی هذا الرجل فیقتص منهما و لا یدعانه یقتص من رسول الله صلی الله علیه و آله [۳۸]. (ای بلال! پدرم با شلاق (روزهای جنگ) چه می‌خواهد بکند؟ الآن که روز جنگ نیست؟) وقتی بلال آنچه را که در مسجد گذشت خبر داد. فاطمه‌ی زهرا علیها السلام ناله‌ای زد و گفت: (وای از این اندوه برای اندوه تو ای پدر، غیر از تو چه کسی سرپرست فقرا و تهیدستان و در راه ماندگان است؟ ای دوست خدا و دوست همه‌ی دلها! ای بلال به فرزندانم حسن و حسین بگو نزد آن مرد رفته تا از آنان قصاص کند و نگذارند پیامبر را بیازارد)

عواطف پدرانه پیامبر

حضرت زهرا علیها السلام درباره‌ی عواطف گرم پدرانه‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله مطلبی را نقل فرمود که قابل توجه و ارزیابی است: حدیث ۳۴ قالت: لما نزلت «لا تجعلوا دعاء الرسول بینکم کدعاء بعضکم بعضا» [۳۹]. هبت رسول الله صلی الله علیه و آله ان اقول له «یا ابنة» فکنت اقول «یا رسول الله» فاعرض عنی مره او اثین او ثلاثا ثم اقبل علی فقال: یا فاطمه انها لم تنزل فیک و لا فی اهلک و لا فی نسلک، انت منی و انا منک انما نزلت فی اهل الجفاء و الغلظة من قریش اصحاب البذخ و الکبر، قولی «یا ابنة» فانها احیی للقلب و ارضی للرب [۴۰]. [صفحه ۴۲] (وقتی این آیه نازل شد: «رسول خدا را آنگونه که همدیگر را صدا می‌زنید، نخوانید» ترسیدم که رسول خدا را با لفظ «ای پدر» بخوانم. من (هم مانند دیگران پدر را) با نام «یا رسول الله» صدا زدم. (بدین خاطر) پیامبر، یک بار یا دو بار یا سه بار از من روی گردانید (و پاسخ نگفت). سپس رو به من کرد و فرمود: ای فاطمه علیها السلام! این آیه درباره‌ی تو و خانواده‌ی تو و نسل تو نازل نشده است. تو از من هستی و من از تو هستم. همانا این آیه برای (ادب کردن) جفاکاران درشت خوی قریش، انسانهای خودخواه و متکبر، نازل شده است. مرا با جمله «ای پدر!» خطاب کن که مایه‌ی حیات قلب من است و خداوند را خشنود می‌کند) [۴۱].

ناله و فریاد در هنگامه‌ی رحلت پیامبر

در لحظه‌های غمبار رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیها السلام، امام علی علیه السلام، امام حسن و امام حسین علیهما السلام در اطراف بستر رسول خدا صلی الله علیه و آله حلقه زده و با چشمانی اشکبار، نظاره گر غروب خورشید رسالت بودند. آن بزرگ پیامبر، خواست سخنی بفرماید، اما نتوانست و در حالی که می‌گریست بی‌حال در بستر افتاد. فاطمه علیها السلام با مشاهده‌ی این منظره به فریاد آمد و فرمود: [صفحه ۴۳] حدیث ۳۵ قالت: یا رسول الله، قد قطعت قلبی و احرقت کبدی لبکائک یا سید النبیین من الاولین و الاخرین یا امین ربه و رسوله یا حبیبه و نبیه من لولدی بعدک؟ و لذل ینزل بی بعدک؟ من لعلی اخیک و ناصرالدین؟ من لوحی الله و امره؟ [۴۲]. (ای رسول خدا! همانا قلب مرا از جا کندی، و جگر مرا سوزاندی، آنگاه که گریه‌ی تو را مشاهده کردم، ای بزرگ پیامبران از حضرت آدم تا آخرین آنان، ای امین پروردگار، ای فرستاده و محبوب خداوند ای پیامبر خدا! پس از تو چه بر سر فرزندانم خواهد آمد؟ پس از تو چه مصیبتها و ذلت و خواریها که بر من باریدن خواهد گرفت؟ پس از تو چه بر سر علی علیه السلام خواهد آمد؟ او که برادر توست و (تنها) یاور دین اسلام خواهد بود. پس از تو چه بر سر وحی الهی و (دستورات خداوند خواهد آمد؟) آنگاه خود را در آغوش پدر افکند، پدر را بوسید و با اشک فراوان، گونه‌های پدر را شست.

رسول خدا صلی الله علیه و آله در این هنگام دست فاطمه علیها السلام را در دست علی علیه السلام گذاشت و فرمود: علی جان! فاطمه امانت الهی و امانت من در دست تو است، از او محافظت فرما. [صفحه ۴۴]

غم و اندوه وفات پیامبر

ش- اشعار حضرت زهراء علیها السلام پس از وفات رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها السلام در اجتماع زنان مدینه با بیان غم آلودی فرمود: حدیث ۳۶ قالت: انا لله و انا الیه راجعون، انقطع عنا خبر السماء [۴۳]. (همه از خدائیم و بسوی او باز می گردیم، (آه که با وفات پیامبر صلی الله علیه و آله) رشته‌ی وحی و اخبار آسمانی قطع گردید) [۴۴].

غم از دست دادن پیامبر

روایت معاذ

از معاذ بن جبل نقل است که فاطمه علیها السلام پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله فراوان می گریست و می فرمود: حدیث ۳۷ قالت: یا ابتاه. الی جبریل ننعاه، انقطعت عنا اخبار السماء یا ابتاه لا ینزل الوحی اءلینا من عند الله ابدا [۴۵]. (آه ای پدر! پس از تو باید شکوه‌های دل را به حضرت جبرئیل گفت. آه که (با وفات تو) خبرهای آسمانی قطع شد و آه ای پدر! دیگر برای همیشه از طرف خدا وحی فرو فرستاده نمی شود)

روایت انس بن مالک

از انس بن مالک روایت شده که حضرت زهراء علیها السلام پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله با غم و اندوه می گریست و می فرمود: [صفحه ۴۵] حدیث ۳۸ قالت: یا ابتاه اجاب ربا دعاه یا ابتاه، من جنه الفردوس ماواه یا ابتاه الی جبرئیل ننعاه (آه ای پدری که دعوت پروردگار را لبیک گفتم! آه ای پدری که فردوس برین جایگاه توست پدر (پس از تو) با جبرئیل (باید) درد دل نمایم) [۴۶]. و پس از مراسم تدفین پیامبر صلی الله علیه و آله خطاب به انس فرمود: حدیث ۳۹ قالت: یا انس! اطابت انفسکم ان تحثوا علی رسول الله صلی الله علیه و آله التراب؟ [۴۷]. (ای انس! آیا دلتان آمد که خاک بر روی رسول خدا بریزید؟)

سوگ پدر و تنهایی و مصیبت شوهر

حادثه‌ی عظیم و غمبار رحلت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، امت اسلامی را غرق در ماتم کرده بود و فاطمه علیها السلام هم در فراق پدر می سوخت، و شاهد غربت و انزوای اسلام بود. از یک سو قدرت طلبیها و زنده شدن دوباره ارزشهای جاهلی را مشاهده می کرد، و از سویی دیگر تهاجم و تجاوز به حریم حرمت ولایت را نظاره گر بود کوهی از غمها و دردها، بر جان نورانش سنگینی می کرد. که درد آلود و سوزناک لب به فریاد گشود، و خطاب به پدر چنین فرمود: [صفحه ۴۶] حدیث ۴۰ قالت: یا ابتاه ما اعظم ظلمة مجالسک فوا اسفاه علیک الی ان اقدم عاجلا علیک و ائکل ابو الحسن الموتمن ابو ولدیك الحسن و الحسین و اخوک و ولیک و حبیبک و من ربیته صغیرا و اخیته کبیرا و اجلی احبائک و اصحابک الیک، من کان منهم سابقا و مهاجرا و ناصرا، و اولهم سابقا الی الاسلام، و مهاجرة الیک یا خیر الانام فها هو یساق فی الاسر کما یساق البعیر و الثکل شاملنا و البکاء قاتلنا و الاسی لازمنا و محمدها و اباه، و حبیباه، و ابا القاسماه، و احمداه، و اقله ناصراه و غوثاه، و طول کربتاه، و حزناه، و مصیبتاه: (پدر جان! دریغ و آه از فراق تو، ای پدر چه بسیار بزرگ است تاریکی و ظلمتی که در مجالس پس از تو مشاهده می گردد، و من دور مانده

از جناب تو دریغ و افسوس می‌خورم که هر چه زودتر نزد تو آمیم. (در عزای تو) ابا الحسن امین سوگوار است؛ پدر دو فرزندت حسن و حسین، برادر و امام برگزیده و دوست بی‌مانند تو، همو که در کودکی او را بزرگ و تربیت کردی و سپس برادرت خواندی او که بزرگترین دوستان و محبوبترین اصحاب در پیشگاه تو بود او که در پذیرش اسلام از همه پیشی گرفت و یاور دین گشت و هجرت کرد. ای (پدر بزرگوار) ای بهترین انسانها! اکنون (بیا و بنگر که) او را اسیر گونه (به طرف بیعت تحمیلی) می‌کشند و می‌برند. (پدر جان!) غم سوگواری (تو) ما را فرا گرفته (و در هم کوبیده) است و گریه (های مداوم)، قصد جان ما را دارد، و بدی روزگار دامنگیرمان شده است. فریاد ای محمد: فریاد ای دوست، فریاد ای پدر، فریاد ای ابا القاسم، فریاد ای احمد، فریاد از کمی یاران و یاوران، فریاد از ناله بسیار، فریاد از مشکلات فراوان، فریاد از مصیبت و [صفحه ۴۷] اندوه زیاد، فریاد از مصیبت جانکاه! [۴۸]. پس از آن سخنان دردآلود و غمبار، صیحه‌ای زد و بیهوش بر زمین افتاد.

شکوه از دردها و خیانتها

پس از فراوانی غمها، و تهاجم قدرت طلبان بی‌پروا، و سختی تحمل دوری پیامبر صلی الله علیه و آله، خطاب به پدر فرمود: حدیث ۴۱ قالت: انقطعت بک الدنيا بانوارها، و زوت زهرتها، و کانت بیهجتک زاهره، فقد اسود نهارها فصار یحکی حنادسها، رطبها و یابسها یا ابتاه لا زلت آسفه علیک الی التلاق یا ابتاه زال غمضی منذ حق الفراق من للارامل و المساکین؟ و من للامه الی یوم الدین؟ یا ابتاه امسینا بعدک من المستضعفین یا ابتاه اصیبت الناس عنا معرضین، و لقد کنا بک معظمین فی الناس غیر مستضعفین فای دمه لفرقک لا- تنهمل؟ و ای حزن بعدک علیک لا یتصل؟ و ای جفن. بعدک بالنوم یکتحل؟ و انت ربیع الدین و نور النیین فکیف للجبال لا تمور؟ و للبحار بعدک لا تغور؟ و الارض کیف لم تزلزل؟ رمیت یا ابتاه بالخطب الجلیل، و لم تکن الرزیه بالقلیل و طرقت یا ابتاه بالمصاب العظیم، و بالفادح المهول بکتک یا ابتاه الاملاک، و وقفت الافلاک فمنبرک بعدک مستوحش، و محرابک خال من مناجاتک، و قبرک فرح [صفحه ۴۸] بمواراتک و الجند مشتاقه الیک و الی دعائک و صلاتک (دنیا به دیدار تو با رونق و بها بود، و امروز در سوگواری تو انوار او بریده و گلهای او پژمرده است، و خشک و تر آن حکایت از شبهای تاریک می‌کند، ای پدر! همواره بر تو دریغ و افسوس می‌خورم تا روز ملاقات ای پدر! از آن لحظه که جدایی پیش آمد، خواب از چشمم گریخت ای پدر! کیست که از این پس که بیوگان و مسکینان را رعایت نماید، و امت را تا قیامت هدایت فرماید ای پدر! ما در حضور تو عظیم و عزیز بودیم، و بعد از تو ذلیل و زبون آمدیم، کدام سرشک است که در فراق تو روان نمی‌شود، و کدام حزن و اندوه است که بعد از تو پیوسته نمی‌گردد، و کدام چشم است که پس از تو سرمهی خواب می‌کشد؟ تو بهار دین یزدان بودی، و نور پیغمبران، چه افتاد کوهسارها را که فرو نمی‌ریزد، و چه پیش آمد دریاها را که فرو نمی‌خشکد، چگونه است که زلزله‌ها زمین را فرو نمی‌برد. ای پدر! در بلا و رنجی عظیم و مصیبتی شگرف افتادم، و در زیر بار گران و هولناک ماندم ای پدر! فرشتگان بر تو گریستند، و افلاک در ایستادند. منبر تو بعد از تو (با دیگری) انس نگرفت و بدون استفاده گشت و محراب بی‌مناجات تو معطل ماند، و قبر تو بیوشیده داشتن تو خوشحال گشت [۴۹] و بهشت مشتاق نماز و دعای تو شد).

ناله از تنهایی و غربت

ورقه بن عبدالله ازدی از حضرت فضه نقل می‌کند که: حضرت زهرا علیها السلام پس از دفن پیامبر صلی الله علیه و آله با بی‌تابی از منزل بیرون آمد و در حالی که از گریه و درد، حال رفتن نداشت. خود را به قبر پدر رساند و آنگاه که جایگاه اذان و محراب را مشاهده فرمود، فریادی بر آورد و بیهوش نقش زمین شد. زنان مدینه که وضع را چنان دیدند، به سوی او دویدند و آب بر سر و صورت آن حضرت پاشیدند، تا به هوش آمد. سپس در حالی که به قبر پدر خیره شده بود فرمود: [صفحه ۴۹] حدیث ۴۲ قالت:

رفعت قوتی و خاننی جلدی و شمت بی‌عدوی و ال‌کمد قاتلی یا ابتاه بقیه و الهه وحیده، و حیرانه فریده، فقد انخمد صوتی و انقطع ظهری و تنغص عیشی، و تکدر دهری فما اجد یا ابتاه بعدک انیسا لوحشتی و لا رادا لدمعتی، و لا معینا لضعفی؟ فقد فنی بعدک محکم التزیل، و مهبط جبرئیل، و محل میکائیل انقلبت بعدک یا ابتاه الاسباب، و اغلقت دونی الابواب، فانا للدنیا بعدک قالیة، و علیک ما ترددت انفاسی باکیه، لا ینفد شوقی الیک، و لا حزنی علیک و ابتاه، و الباه: (قوتم رفته و خویشتن داریم را از دست داده‌ام و دشمنم سرزنش کننده‌ام شده و حزن و اندوه درونی مرا می‌کشد. پدر جان! یکه و تنها باقی مانده و در کار خویش حیران و سرگردانم. صدایم خفته، و پشتم شکسته، و زندگیم در هم ریخته، و روزگام تیره، شده است. پدر جان! پس از تو برای وحشتم انیسی نمی‌یابم، و مانعی برای گریه‌ام، و یآوری برای ضعفم پیدا نمی‌کنم (آری پدر!) بعد از تو نزول قرآن و محل هبوط جبرئیل و مکان میکائیل از بین رفت پدر جان! پس از تو روابط انسانها دگرگون شد و درها به روی من بسته گردید من بعد از تو از دنیا نفرت دارم و تا زمانی که نفسم بر آید بر تو گریه خواهم نمود. (پدر جان!) شوق من نسبت به تو و حزن من بعد از تو انجامی و پایانی ندارد! فریاد ای پدر! فریاد ای پروردگار (جهانیان) [۵۰].

یاد پدر در جمع کودکان

حضرت زهراء علیهاالسلام با یاد روزگار شیرین و محبت‌های رسول خدا صلی الله علیه و آله، خطاب به کودکان خود فرمود: [صفحه ۵۰] حدیث ۴۳ قالت: این ابو کما الذی کان یکر مکما و یحملکما مره بعد مره؟ این ابو کما الذی کان اشد الناس شفقه علیکما؟ فلا یدعکما تمشیان علی الارض و لا اراه یفتح هذا الباب ابدا و لا یحملکما علی عاتقه کما لم یزل یفعل بکما؟ (کجاست پدر مهربان شما دو فرزندم؟ که شما را عزیز و گرامی می‌داشت، و همواره شما را بر روی دوش خود می‌گرفت، و نمی‌گذاشت بر روی زمین راه روید؟ کجاست پدر شما که مهربانترین مردم نسبت به شما بود؟ دیگر هرگز او را نمی‌بینم که این درب منزل را باز کند، و شما را بر دوش خود گیرد، همان رفتاری که همواره نسبت به شما انجام می‌داد) [۵۱].

یاد پدر و اشتیاق شنیدن اذان

پس از وفات رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، حضرت فاطمه علیهاالسلام به یاد دوران با شکوه و پر عظمت اسلام و نبوت افتاد و فرمود: حدیث ۴۴ قالت: اءنی اشتھی ان اسمع صوت مؤذن ابی صلی الله علیه و آله بالاذان (بسیار دوست دارم که صدای اذان (بلال)، مؤذن پدرم را «که درود خدا بر او و اهل بیت او باد» بشنوم) [۵۲]. وقتی این خبر به بلال رسید، با اینکه از اذان گفتن اعتصاب کرده بود، آماده شد و اهل مدینه یک بار دیگر صدای دلنشین اذان بلال را شنیدند شهر در شادی و سرور غرق شد، تا آن که گفت: «اشهد ان محمدا رسول الله» ناگاه به بلال خبر رسید که اذان را رها کن زیرا فاطمه علیهاالسلام بیهوش نقش بر زمین افتاده است! [صفحه ۵۱]

ت

اشاره

تریت ترس از عذاب الهی [صفحه ۵۳]

مباحث تربیتی

اهمیت قضاوت میان کودکان

رسول گرامی اسلام درباره‌ی مسابقه خطاطی به حسن و حسین علیهما السلام سفارش فرمود: هر کس خط او زیباتر است، قدرت او نیز بیشتر است حسن و حسین علیهما السلام هر کدام خط زیبایی نوشتند، اما رسول خدا قضاوت نکرد و آن دو بزرگوار را به مادرشان، فاطمه علیها السلام هدایت فرمود، تا نگرانی قضاوت، با عاطفه، مادری جبران شود. حضرت زهرا علیها السلام دید که هر دو خط زیباست و هر دو در این مسابقه‌ی هنری شرکت نموده‌اند، چه باید کرد؟ با خود می‌گفت: حدیث ۴۵ قالت: انا ماذا اصنع و کیف احکم بینهما؟ (من چه می‌توانم بکنم و چگونه میان دو کودکم داوری کنم؟) با ژرف نگری و رعایت مسائل دقیق تربیتی، قضاوت نهایی را به تلاش خودشان ارتباط داد و فرمود: یا قرتی عینی انی اقطع قلاذتی علی راسکما و انشر بینکما جواهر هذه القلاذة فمن اخذ منها اکثر فخطه احسن و تکون قوته اکثر (ای نور دیدگانم! من دانه‌های این گردنبندها را با پاره کردن رشته‌ی آن بر سر شما می‌ریزم و میان شما دانه‌های گردنبندها را پخش می‌نمایم. هر کدام از شما دانه‌های بیشتری بگیرد، خط او بهتر و قدرت او بیشتر است) [۵۳].

بکارگیری هنر شعر در پرورش کودک

ش - شعرهای حضرت زهرا علیها السلام حدیث ۱۰۲

مشکلات اقتصادی و بچه‌داری

م - مشکلات اقتصادی حدیث ۱۰۵

نذر کردن برای شفای کودک

ر - روزه حدیث ۸۶ [صفحه ۵۴]

ترس از عذاب الهی

ترس از آتش جهنم

وقتی آیات عذاب بر رسول خدا صلی الله علیه و آله نازل شد که: (و ان جهنم لموعدهم اجمعین لها سبعة ابواب لكل باب منهم جزء مقسوم) [۵۴]. رسول خدا صلی الله علیه و آله بشدت گریست و یاران پیامبر نیز گریستند. حضرت زهراء علیها السلام از گریه‌ی پدر آگاه شد و پرسید: حدیث ۴۶ قالت: یا ابت فدیتک ما الذی ابکاک؟ (ای پدر! فدایت شوم. چه چیزی تو را گریانده؟) پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله آیات عذاب الهی را که تازه نازل شده بود برای فاطمه علیها السلام خواند، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام از خوف الهی بر زمین افتاد و فرمود: الویل ثم الویل لمن دخل النار (وای، وای بر کسی که داخل آتش جهنم می‌شود) [۵۵].

اندوه سفر طولانی قیامت (آخرت گرائی)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله در یکی از روزهای پر بار زندگی، در منزل حضرت زهرا علیها السلام وضو گرفت، سپس پرسید: در چه حالی دخترم؟ حضرت زهرا علیها السلام فرمود: حدیث ۴۷ قالت: و الله لقد اشتد حزنی و اشتدت فاقتی و طال اسفی [۵۶]. (سوگند بخدا که حزن و اندوه من فزونی گرفته است و تهیدستی من فراوان است و تاسف من طولانی «که برای سفر طولانی

آخرت، چه آماده کرده‌ام؟». [صفحه ۵۵]

ج

اشاره

جاهلیت (اخلاق جاهلی) ح ۷۵ جبرئیل ح ۱۲۲ و ۱۹۶ جاذبه و دافعه شیعیان ح ۱۲۱ جمعه (ارزش روز جمعه) ح ۸۲ جنازه‌ی بر زمین مانده ح ۱۷۱ جنینی که شهید شد ح ۱۲۵ جنگ و شرکت در جهاد ح ۴۸ جهاد (ره آورد جهاد) ح ۵۷ [صفحه ۵۷]

جنگ و جهاد

شرکت حضرت زهرا در جنگ

در جنگ خندق که مدینه در محاصره قرار داشت، هر کس به اندازه‌ی توان خود از جنگ پشتیبانی می‌کرد، حضرت زهرا علیهاالسلام نیز نان می‌پخت و بخشی از نیازمندیهای مجاهدان سنگر نشین را تامین می‌فرمود. در یکی از روزها که برای فرزندان خویش نان تازه آماده کرده بود، نتوانست بدون پدر از آن استفاده نماید، به خط مقدم جبهه، نزد پدر رفت و فرمود: حدیث ۴۸ قالت فاطمه علیهاالسلام: قرصا خبزته و لم تطب نفسی، حتی اتیتک بهذه الکسره (قرص نانی که می‌بینید برای غذای فرزندانم آماده کردم، اما دلم آرام نگرفت ناچار آن را «در خط مقدم جبهه» خدمت شما آوردم) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «این اولین غذایی است که پس از سه روز، پدرت بر دهان می‌گذارد» [۵۷].

فلسفه‌ی جهاد

حضرت زهرا علیهاالسلام از نظر ارزشی، فلسفه‌ی جهاد را بگونه‌ی شایسته‌ای معرفی می‌فرماید [صفحه ۵۸] و خود در پشت جبهه با پختن نان و کمک رساندن به پدر و همسر، در عمل نیز به جهاد می‌اندیشید که نسبت به ارزش جهاد در راه خدا فرمود: حدیث ۴۹ قالت: امامتنا امانا للفرقه، و الجهاد عزا للاسلام (امامت و رهبری ما عترت پیامبر صلی الله علیه و آله عامل ایمنی و نجات از تفرقه و جدائی است، و جهاد در راه خدا مایه‌ی عزت و جاودانگی اسلام است) [۵۸]. [صفحه ۵۹]

ج، ح

اشاره

چادر و پوشش ح ۵۱ پ- پوشش زن چهره‌ی زیبای پیامبر صلی الله علیه و آله ح ۱۶۴ حجاب پرهیز از نامحرم در اوج عفت و حجاب حوریان بهشت [صفحه ۶۱]

حجاب و پوشش فاطمه

پرهیز از نامحرم

مردی نابینا پس از اجازه گرفتن، وارد منزل امام علی علیه‌السلام شد. پیامبر صلی الله علیه و آله مشاهده فرمود که حضرت زهرا علیهاالسلام برخاست، فرمود: دخترم! این مرد نابیناست. پاسخ داد: حدیث ۵۰ قالت فاطمه علیهاالسلام: ان لم یکن یرانی فانی اراه و

هو یشم الريح (پدر، اگر او مرا نمی بیند، من او را می نگرم! اگر چه او نمی بیند اما بوی زن را استشمام می کند!) رسول خدا پس از شنیدن سخنان دخترش فرمود: «شهادت می دهم که تو پاره‌ی تن من هستی» [۵۹].

ضرورت رعایت محرم و نامحرم

رسول گرامی اسلام، درب خانه فاطمه علیهاالسلام را کوبید و فرمود: السلام علیکم ادخل؟ پاسخ شنید: [صفحه ۶۲] حدیث ۵۱ قالت: علیک السلام یا رسول الله ادخل یا رسول الله (سلام بر تو ای فرستاده‌ی خدا، داخل شوید ای رسول خدا) پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: (ادخل و من معی؟) آیا داخل شوم با کسی که همراه من است؟ فاطمه علیهاالسلام فرمود: یا رسول الله لیس علی قناع (اگر نامحرمی با شماست، وارد نشوید که چادر بر سر ندارم) کمی بعد، چادر به سر کرد و فرمود: داخل شوید رسول خدا دوباره سلام کرد و فرمود: با کسی که همراه من است؟ پاسخ داد: علیک السلام یا رسول الله ادخل و من معک (سلام بر تو ای فرستاده‌ی خدا، داخل شوید با کسی که همراه شماست) [۶۰].

در اوج عفت و حجاب

نگرانی از کیفیت حمل جنازه‌ی بانوان

اسماء بنت عمیس، نقل می کند: روزهای آخر زندگانی حضرت علیهاالسلام با او بودم، روزی مرا به یاد کیفیت حمل جنازه توسط مردم انداخت، و ابراز نگرانی فرمود: که چرا جنازه‌ی زن را روی تخته‌ی می گذارند و بالای دست مردان حمل می کنند؟! [صفحه ۶۳] حدیث ۵۲ قالت: انی قد استقبحت ما یصنع بالنساء، انه یطرح علی المرأة الثوب فیصفها لمن رای، فلا تحملینی علی سریر ظاهر، استرینی سترک الله من النار حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: (من بسیار زشت می دانم که (جنازه‌ی) زنان را پس از مرگ بر روی تابوت سر باز گذاشته و بر روی آن پارچه‌ای می افکنند، که حجم بدن را برای بینندگان نمایش می دهد. مرا بر روی تابوت آنچنانی نگذار و بدن مرا بپوشان که خدا تو را از آتش جهنم باز دارد) [۶۱].

سفارش به همسر

اسماء بنت عمیس می گوید: وقتی نگرانی حضرت زهرا علیهاالسلام را دیدم که به امام علی علیهالسلام فرمود: حدیث ۵۳ اوصیک یابن عم ان تتخذلی نعشا فقد رایت الملائکة صوروا صورته (وصیت می کنم بشما ای پسر عمو! که برای من تابوتی درست کنید، همانگونه که ملائکه شکل آن را بمن نشان داده اند) خدمت آن حضرت توضیح دادم: در سرزمین حبشه، تابوتی برای حمل جنازه درست می کنند که بدن میت را می پوشاند و سپس به وسیله چوب‌های تر و شاخه‌های نازک درخت، شکل و قیافه‌ی آن را ترسیم کردم. حضرت زهرا علیهاالسلام خوشحال شده فرمود: اصنعی لی مثله استرینی سترک الله من النار (برای من تابوتی مثل آن درست کن و مرا با آن بپوشان، خدا تو را از آتش دوزخ حفظ نماید) [۶۲]. [صفحه ۶۴]

حوربان بهشتی و شوق دیدار فاطمه

سلمان فارسی می گوید: با دعوت امام علی علیهالسلام به منزل فاطمه علیهاالسلام رفتم، تا آنحضرت مرا دید، فرمود: حدیث ۵۴ قالت: یا سلمان جفوتنی بعد وفاة ابی (ای سلمان! پس از وفات پدرم با من جفا کردی) و آنگاه اجازه‌ی نشستن داد و فرمود: حدیث ۵۵ قالت: فمه اجلس و اعقل ما اقول لک، انی کنت جالسةً بالامس فی هذا المجلس، و باب الدار مغلق، و انا اتفکر فی انقطاع الوحی

عنا و انصراف الملائكة من منزلنا، فاذا انفتح الباب من غير ان يفتحه احد، فدخل على ثلث جوار لم ير الراؤن بحسنهن، و لا كهيتين و لا نضارة وجوههن، و لا ازكى من ريجهن، فلما رايتهن قمت اليهن متنكرة لهن فقلت: انتن من اهل مكة ام من اهل المدينة؟ فقلن: يا بنت محمد لسنا من اهل مكة و لا من اهل المدينة، و لا من اهل الارض جميعا غير اننا جوار من الحور من دار السلام، ارسلنا رب العزة اليك يا بنت محمد انا اليك مشتاقات فقلت: للتي اظن انها اكبر سنا ما اسمك [صفحه ۶۵] فقلت: اسمى مقدودة قلت: لم سميت مقدودة قالت: خلقت للمقداد بن الاسود الكندى صاحب رسول الله فقلت: للثانية ما اسمك قالت: ذرة فقلت: و لم سميت ذرة و انت فى عينى نبيلة قالت: خلقت لابي ذر الغفارى، صاحب رسول الله فقلت: للثالثة ما اسمك قالت: سلمى قلت: و لم سميت سلمى قالت: انا لسلمان الفارسى مولى ابيك رسول الله (بنشين و درست بينديش در آن چه كه براى تو بازگو مى كنم. ديروز در اينجا نشسته بودم و فكر مى كردم كه با وفات رسول خدا، وحى الهى از ما قطع گرديد و از رفت و آمد ملائكه ديگر خبرى نيست. ناگاه در بسته‌ى منزل باز شد و سه دختر وارد شدند كه از نظر زيبايى و شادابى و خوش بويى بى مانند بودند و هيچ چشمى به زيبايى آنان ندیده است از جايم برخاسته به سوى آنان رفتم، حال آنكه چندان خوش آيند من نبود. پرسيدم: از زنان مکه يا مدينه ايد؟ پاسخ دادند: «اى دختر محمد صلى الله عليه و آله! ما از اهل مکه و مدينه و از مردم روى زمين نيستيم، از حوريان بهشتى و عاشقان ديدار تو هستيم كه پروردگار ما را بسوى تو فرستاده است». از آن يك كه بزرگتر مى نمود، پرسيدم، اسم تو چيست؟ جواب داد: «مقدودة» گفتم: چرا مقدوده؟ گفت: براى زندگى با «مقداد بن اسود» آفريده شده ام. [صفحه ۶۶] از ديگرى پرسيدم. نام تو چيست؟ گفت: «ذره» گفتم: تو در ديدگان من بزرگ و نجيب مى آيى، چرا ذره؟ گفت: براى همسرى با «ابوذر غفارى» خلق شده ام از سومی پرسيدم: تو چه نام داری؟ گفت: «سلمى» پرسيدم: چرا سلمى ناميده شده اى؟ گفت: «خداوند مرا براى «سلمان فارسى» غلام پدريت آفريده است» سپس حوريان بهشتى خرمایى تازه كه خوش بوتر از مشك بود، به من بخشيدند. سلمان فارسى مى گويد: از آن خرما مقدارى بمن عطا فرمود: خرماها را برداشته در كوچه هاى مدينه به طرف منزل مى رفتم، به هر كس از اصحاب رسول خدا صلى الله عليه و آله مى رسيدم، مى پرسيد، چه بوى عطر دلنشینی! آيا مشك با خود حمل مى کنی؟. [۶۳]. [صفحه ۶۷]

خ

اشاره

خداشناسی خطبه‌های حضرت فاطمه صلی الله علیه و آله ۱- خطبه در مسجد مدینه ۲- خطبه در جمع زنان مهاجر و انصار ۳- خطبه در برابر مهاجمان ۴- خطبه در سرزنش پیمان شکنان خود گذشتگی خوشروئی روابط اجتماعی ح ۸۴ [صفحه ۶۹]

خداشناسی فاطمه

خداگرایی فاطمه

پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روزی از دخترش پرسید: فاطمه علیها السلام! چه درخواست و حاجتی داری؟ هم اکنون فرشته‌ی وحی در کنار من است و از طرف خدا پیام آورده است! تا هر چه بخواهی تحقق پذیرد. فاطمه علیها السلام پاسخ داد: حدیث ۵۶ قالت: شغلنی عن مسئلته لذة خدمته، لا حاجة لی غیر النظر الی وجهه الکریم. (لذتی که از خدمت حضرت حق می برم، مرا از هر خواهشی باز داشته است. حاجتی جز این ندارم که پیوسته ناظر جمال زیبا و والای خداوند باشم) [۶۴].

خطبه‌ها

خطبه‌ی اول سخنرانی فاطمه در مسجد مدینه

حضرت زهرا علیها السلام چادر به سر کرده و با جمعی از بانوان وارد مسجد شد، در حالی که ابابکر و جمعی از مهاجرین و انصار حضور داشتند به احترام آن بزرگ بانوی اسلام پرده‌ی سفیدی آویختند که سخنرانی را در پشت پرده آغاز کند. حضرت زهرا علیها السلام قبل از آغاز سخن، ناله‌ی جانسوزی کشید که بسیاری از حاضران گریستند و پس از آن که مردم آرام گرفتند، فرمود: [صفحه ۷۰] حدیث ۵۷-۱- ضرورت الحمد و الثناء علی الله قالت: الحمد لله علی ما انعم، و له الشکر علی ما اهدانا، و الثناء بما قدم من عموم نعم ابتداها، و سبوغ آلاء اسداها، و تمام منن والها، جم عن الاحضاء عددها، و نآی عن الجزاء امدها، و تفاوت عن الادراک ابدها، و ندبهم لاستزادتها بالشکر لاتصالها، و استحمد الی الخلائق باجزالها، و ثنی بالندب الی امثالها. و اشهد ان لا اله الا الله وحده لا- شریک له، کلمة جعل الاخلاص تاویلها، و ضمن القلوب موصولها، و انار فی التفكير معقولها، ۲- معرفه الله تعالی الممتنع من الابصار رؤيته، و من الالسن صفته و من الاوهام کیفیته. ابتدع الاشیاء لا من شیء کان قبلها، و انشأها بلا احتذاء امثله امتثلها، کونها بقدرته و ذرها بمشیته من غیر حاجه منه الی تکوینها و لا فائده له فی تصویرها الا تثبیتا لحکمته و تنبیها علی طاعته و اظهارا لقدرته و تعبد لبريته و اعزازا لدعوته ثم جعل الثواب علی طاعته و وضع العقاب علی معصيته ذیاده لعباده عن نقمته و حیاشه لهم الی جنته. ترجمه‌ی خطبه‌ی اول ۱- ضرورت شکر و سپاس الهی ستایش خداوند را، بر نعمتهایی که به ما بخشید، و شکر او را! بر آنچه الهام فرمود، حمد و ثنا بر خداوند، برابر نعمتهایی که از پیش فرستاد، و همه‌ی نعمتهایی که آفرید، و نعمتهای فراوانی که به انسانها عطا فرمود، و تمام منتها و نعمتهایی که پیایی فرستاد. نعمتهایی که شمارش آن از توان انسان فروتر، و پاداش آن ناممکن، و درک دامنه و گستردگی آن از ادراک و هوش بشر فراتر است. [صفحه ۷۱] مردم را به شکر گزاری فرا خواند، تا نعمتها را پیایی فرستد، و به حمد و سپاس راهنمایی کرد، تا نعمتها را فزونی بخشد، و با درخواست بندگان، نعمتها را چند برابر نماید. گواهی می‌دهم، بجز الله، خدایی نبوده و شریکی برای او نیست، تفسیر این گواهی و شهادت، اخلاص است، و پایبند آن، قلبهای آگاه، که در پیشگاه تفکر و اندیشه، معنای آن را روشن فرمود. ۲- شناخت خدا خداوندی که چشمها او را نمی‌توانند بنگرند، و زبانها از وصف او عاجزند، و هم و خیال از درک ذات او فرو مانده‌اند، اشیای عالم را بدون این که چیزی موجود باشد، آفرید، و بدون مثال و نمونه‌ای، ایجاد کرد، با قدرت خود پدید آورد، و با اراده‌ی خود، ایجاد نمود، نه به آفریدن آنها نیازمند بود، و نه از خلقت آنها سود می‌برد. جز آن که خواست حکمتش تحقق یابد، و همه را به اطاعت و بندگی آگاه نماید، و قدرت خود را آشکار کند، و به همه راه بندگی بیاموزد، و دعوت خود را عزت بخشد آنگاه پاداش را بر اطاعت و بندگی، و عذاب را در مخالفت و سرپیچی، قرار داد، تا بندگان را از عقوبت برهاند، و بسوی بهشت سوق دهد. ۳- فلسفه البعث المحمدیه و اشهد ان ابی محمدا صلی الله علیه و آله عبده و رسوله، اختاره و انتجبه قبل ان ارسله، و سماه قبل ان اجتبه، و اصطفاه قبل ان ابتعثه، اذا الخلائق بالغیب مکنونه و بستر الاهاویل مصونه و بنهایه العدم مقرونه، علما من الله تعالی بمآل الامور و احاطه بحوادث الدهور و معرفه بمواقع الامور. ابتعثه الله اتماما لامره و عزمه علی امضاء حکمه و انفاذا لمقادیر حتمه، فرای الامم فرقا فی ادیانها، عکفا علی نیرانها، عابده لاوثانها، منکره الله مع عرفانها [صفحه ۷۲] ۴- فوائد البعثه المحمدیه فانار الله بابی محمد صلی الله علیه و آله ظلمها و کشف عن القلوب بهمها و جلی عن الابصار غمها، و قام فی الناس بالهدایه فانقذهم من الغوایه و بصرهم من العمایه، و هداهم الی الدین القویم و دعاهم الی الطریق المستقیم. ثم قبضه الله الیه قبض رافه و اختیار و رغبه و ایثار، فمحمد صلی الله علیه و آله من تعب هذه الدار فی راحه قد حف بالملائکه الابرار و رضوان الرب الغفار و مجاوره الملك الجبار صلی الله علی ابی نبیه و امینه و خیرته من الخلق و صفیه و السلام علیه و رحمه الله و برکاته «ثم التفتت الی اهل المجلس و قالت:» ۳- فلسفه بعثت پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله گواهی می‌دهم که پدرم محمد صلی الله علیه و آله بنده و فرستاده‌ی او است، خدا او را قبل از آن که بیافریند، انتخاب کرد، و پیش از آن که بفرستد، به نام نیکو، نامگذاری فرمود، و پیش از بعثت به پیامبری برگزید. آن هنگام که هنوز مخلوقات در حجاب غیب پنهان بودند، و در تاریکی نیستی پوشانده و آثاری

نداشتند. انتخاب پیامبر صلی الله علیه و آله بر اساس علم خدا به آینده‌ی امور، و احاطه و تسلط او به حوادث روزگاران، و شناخت خدا به سرنوشت هر چیزی بود پیامبر را برانگیخت، تا امر خود را تمام کند، و آنچه را که مقدر ساخته به انجام رساند پیامبر دید که هر فرقه‌ای دینی دارد، و به روشنایی شعله‌ای روی آورده، و بتهای خود را پرستش نموده، و خدا را با آن که می‌شناختند، انکار کردند. ۴- ره آورد بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله پس خدای بزرگ، تاریکیهای جاهلیت را به وسیله‌ی محمد صلی الله علیه و آله روشن ساخت، و مشکلات و تیرگی کفر را از قلب‌ها زدود، و پرده‌ها از جلوی دیدگان برداشت پیامبر صلی الله علیه و آله برای هدایت در میان مردم بپا خواست، و آنان را از گمراهی نجات داد، و از [صفحه ۷۳] کوری و کوردلی رها کنید، و به سوی دین استوار الهی رهنمون شد، و همه را به راه راست فرا خواند، تا روزی که خدا بر اساس رفت و رحمت خویش او را بنزد خود برد، که به دیدار او راغب و سزاوار بود. پس رسول خدا، هم اکنون از رنج این دنیا راحت است، و گرداگرد او را فرشتگان گرفته‌اند، و در رضوان و خشنودی خدا غرق است، که در جوار رحمت ملک جبار، آرمیده است. درود خدا بر پدرم که نبی و امین خدا بر وحی، و برگزیده‌ی او بود، سلام بر او و رحمت و برکات خدا بر او باد. سپس به مردم حاضر در مسجد نگریست و فرمود: ۵- فضائل القرآن و العتره النبویه انتم عباد الله نصب امره و نهیه و حمله دینه و وحیه، و امانه الله علی انفسکم و بلغائه الی الامم، زعیم حق له فیکم و عهد قدمه الیکم و بقیه استخلفها علیکم: و معنا کتاب الله الناطق، و القرآن الصادق، و النور الساطع، و الضیاء اللامع، بینة بصائر، منکشفة سرائره، متجلیه ظواهره، مغتبطه به اشیاعه، قائد الی الرضوان اتباعه، مود الی النجاة استماعه، به تنال حجج الله المنوره و عزائم المفسره و محارمه المحذره و بیناته الجالیة و براهینه الکافیة، و فضائله المندوبه، و رخصه الموهوبه و شرائعه المکتوبه. ۶- فلسفه الاحکام و الامامه فجعل الله الایمان تطهیرا لکم من الشرك، و الصلوة تنزیها لکم عن الکبر، و الزکاة تزکیة للنفس و نماء فی الرزق، و الصیام تثبیتا للاخلاص، و الحج تشییدا للدين، و العدل تنسیقا للقلوب، و طاعتنا نظاما للمله و امامتنا امانا للفرقه، و الجهاد عزا للاسلام، و الصبر معونه علی استیجاب الاجر، و الامر بالمعروف مصلحه للعامة، و بر الوالدین وقایه من السخط، و صله الارحام منساة فی العمر و نماء للعدد، و القصاص حقنا للدماء، و الوفاء بالنذر تعریضا [صفحه ۷۴] للمغفرة، و توفیه المکائیل و الموازین تغییرا للبخس، و النهی عن شرب الخمر تنزیها عن ۵- و یژگیهای قرآن و عترت شما ای بندگان خدا! که پرچمداران امر و نهی خدایید، و حاملان دین و وحی می‌باشید، امانت داران حق، و رسانندگان آن به خلق هستید، بدانید که امام بحق، خود در میان شماست، و اطاعت او پیمانی است که از پیش با شما گرفته‌اند، و پس از پیامبر صلی الله علیه و آله جانشینی است که برای شما باقی مانده است کتاب ناطق خدا با ما اهل بیت است، قرآن راستگو، نور فروزان و شعاع درخشان، که بیان و استدلالهای آن روشن، و اسرار و باطن آن آشکار است، ظاهر آن جلوه گر، و پیروان آن زبانزد جهانیانند پیروی قرآن انسان را به بهشت می‌کشاند، سخن شنوی از آن، به نجات می‌انجامد، به وسیله قرآن به حجت‌های نورانی خدا، و به واجبات تفسیر شده، و به محرّمات نهی شده، و به استدلالهای جلوه گر، و به براهین کامل هدایتگر، و به فضائل پسندیده، و به مستحبات بخشوده، و به قوانین و آیین واجب شده‌ی پروردگار، می‌توان راه یافت. ۶- فلسفه فروع دین و امامت سپس ایمان را برای پاک کردن شما از شرک قرار داد، و نماز را برای شما از تکبر، و زکات را برای پاک کردن جان و فراوانی روزی، و روزه را برای تحقق اخلاص، و حج را برای تقویت دین، و عدل را برای استواری دلها، و اطاعت از اهل بیت را برای نظم یافتن ملت اسلام، و امامت ما را برای ایمن ماندن از تفرقه، و جهاد را برای عزت اسلام، و صبر را برای به دست آوردن پاداش، و امر به معروف را برای مصالح اجتماعی عموم مردم، و نیکی به پدر و مادر را برای دوری از عذاب الهی، و صله‌ی ارحام را برای فزونی خویشاوند، و قصاص را برای حفظ خون انسانها، و وفای به نذر را برای آمرزش الهی، و رعایت کیل و وزن در معاملات را برای درمان کم فروشی، و نهی از شرابخواری را الرجس، و اجتناب القذف حجابا عن اللعنه، و ترک السرقة ایجابا للعهة، و [صفحه ۷۵] حرم الله الشرك اخلاصا له بالربوبیه فاتقوا الله حق تقاته و لا تموتن الا و انتم مسلمون [۶۵]. و اطیعوا الله فیما امرکم به و نهاکم عنه فانہ (انما یخشی الله من عباده العلماء). [۶۶]. ۷- جحود النبی فی سبیل

الدعوة ثم قالت: ايها الناس اعلموا اني فاطمه و ابى محمد صلى الله عليه و آله اقول عودا و بدؤا و لا اقول ما اقول غلطا، و لا افعل ما افعل شططا (لقد جائكم رسول من انفسكم عزيز عليه ما عنتم حريص عليكم بالمؤمنين رؤف رحيم) [۶۷]. فان تعزوه و تعرفوه تجدوه ابى دون نساتكم و اخا ابن عمى دون رجالكم و نعم المعزى اليه صلى الله عليه و آله فبلغ الرسالة، صادعا بالندارة، مائلا عن مدرجة المشركين، ضاربا ثبجهم، اخذا باكظامهم، داعيا الى سبيل ربه بالحكمة و الموعدة الحسنه، يكسر الاصنام و ينكث الهام حتى انهزم الجمع و ولوا الدبر، حتى تفرى الليل عن صبحه و اسفر الحق عن محضه و نطق زعيم الدين لى باكيزه ماندن از پليديها، و دورى از تهمت ناموسى را لى محفوظ ماندن از لعنت الهى، و ترك دزدى، لى تحقق عفت و پاكدامنى، و حرمت شرك را لى اخلاص در توحيد و بندگى، قرار داد. (پس، از خدا آن گونه كه شايسته است بترسيد، و از دنيا نرويد مگر آن كه مسلمان باشيد) خدا را در آنچه امر يا نهى كرده اطاعت نمايد، كه همانا فقط دانشمندان از خدا مى ترسند. ۷- ره آورد بعثت پيامبر اسلام صلى الله عليه و آله سپس فرمود: [صفحه ۷۶] اى مردم! بدانيد كه من فاطمه هستم، و پدرم محمد است، آغاز و پايان سخن من بر حق است آنچه مى گويم ناروا نيست، و آنچه انجام دهم بر ظلم و ناروا تكيه ندارد (پيامبرى از خود شما مردم لى هدايت شما آمد، كه رنجهاى شما بر او گران، و او بر شما اميدوار، و بر مؤمنان مهربان و رحمت آور بود) اگر او را بشناسيد، مى دانيد كه پدر من است نه پدر زنان شما، و برادر پسر عموى من (على بن ابى طالب) است، نه مردان شما، چه نيكو بزرگوارى است كه اين نسبت را به او دادم، پيامبر صلى الله عليه و آله رسالت خود را به گوش مردم رساند، و آنان را از عذاب الهى ترساند، راه خود را از پرتگاه سقوط مشركان گردانيد، شمشير بر فرق آنان نواخت، و گلوگاه آنان را فشرده، و با زبان حكمت و موعدة حسنه، مردم را به راه خدا دعوت كرد. بتها را در هم شكست، سر شجاعان شرك را بر سنگ كوبيد، تا اجتماع مشركان پراكنده و از ميدان گريختند، تا صبح صادق از دل شب تاريك بيرون زد، و چهره لى حق از نقاب در آمد و حق خالص جلوه گر شد، و زمامدار و خرس شقاشق الشياطين و طاح و شيط النفاق و انحلت عقد الكفر و الشقاق، و فهمت بكلمة الاخلاص فى نفر من البيض الخماص. ۸- الناس فى الجاهلية و كنتم على شفا حفرة من النار، مذقة الشارب و نهزة الطامع و قيسة العجلان و موطى الاقدام. تشربون الطرق، و تقناتون الورق، اذلة خاسئين، تخافون ان يتخطفكم الناس من حولكم فانقذكم الله تبارك و تعالى بمحمد صلى الله عليه و آله بعد اللتيا و التى و بعد ان منى بيهم الرجال و ذؤبان العرب و مرده اهل الكتاب ۹- فضائل اميرالمؤمنين على بن ابيطالب عليه السلام كلما او قدوا نارا للحرب اطفاهها الله او نجم قرن الشيطان او فغرت فاغرة من المشركين قذف اخاه فى لهواتها فلا ينكفى حتى يطاصماخها باخصمه [صفحه ۷۷] و يخمد لهبها بسيفه، مكدودا فى ذات الله، مجتهدا فى امر الله، قريبا من رسول الله، سيدا فى اولياء الله مشمرا، ناصحا، مجدا، كادحا، لا تاخذه فى الله لومة لائم ۱۰- معارضو الامس و طلاب السلطة اليوم و انتم فى رفاهية من العيش و ادعون فاكهون آمنون، تتربصون بنا الدوائر و تتكفون الاخبار و تنكصون عند النزال و تفرون من القتال. دين به سخن حق گويا شد، و عربدهاى شيطان خاموش، و طرفدارانشان لال شدند، و خار نفاق از سر راه برداشته شد، و گرههاى كفر و تفرقه، از هم گشوده شد، و دهانهاى شما به كلمه لى اخلاص باز شد، به برکت گروهى از مجاهدان سپيد روى نورانى كه شكمهايشان از گرسنگى به پشت چسبيده بود.

۸- مردم در عصر جاهليت در هنگام بعثت، شما در عصر جاهليت، بر كناره لى پرتگاهى از آتش بوديد، چون جرعه لى آب، خوراك هر كس بوديد و لقمه لى هر طمع كننده، آتش زنه لى بوديد، كه فورا خاموش مى شديد، لگدكوب هر رونده لى بوديد، نوشيدنى شما، آب گنديده، و خوردنى شما، پوست جانور و مردار بود، خوار و ذليل بوديد، و رانده شده، و مى ترسيديد كه مهاجمان اطرافتان شما را بربايند، تا آن كه خداى بزرگ با دست محمد صلى الله عليه و آله نجاتتان بخشيد، پس از حوادث فراوانى كه پديد آمد، و رنجها و بلاهاى زيادى كه از دست شجاعان شما، از گرگهاى عرب، از سركشان اهل كتاب، كشيد. ۹- ويژگيها و نقش امام على عليه السلام در مبارزات رهايى بخش هرگاه آتش جنگ بر افروختند، خدا خاموش كرد، يا هر هنگام كه شاخ شيطان سر بر آورد، يا ازدهاى از مشركين، دهان باز كرد، رسول خدا صلى الله عليه و آله برادرش على بن ابى طالب عليه السلام را در كام ازدها

و شعله‌های فتنه‌ها افکند، و علی هم باز نمی‌گشت، مگر آن که سر سرکشان را، پایمال شجاعت خود می‌گردانید، و آتش آنها را با آب شمشیرش خاموش می‌کرد. [صفحه ۷۸] علی! فرسوده از تلاش فراوان در راه خدا، کوششگر خستگی ناپذیر در امر خدا، نزدیک و خویشاوند رسول خدا صلی الله علیه و آله سید و بزرگی از اولیای خدا، همواره دامن به کمر زده، نصیحت کننده، و تلاش کننده در راه خداست، که در راه خدا از سرزنش، سرزنش کنندگان پروایی نداشت. ۱۰- نکوهش بی تفاوت‌های دیروز و تشنگان قدرت امروز در حالی که شما! در خوشی زندگی می‌کردید، در امنیت و رفاه، خوش بودید، و منتظر فرصت بودید تا مگر روزگار بر ضد ما دگرگون شود، گوش به زنگ اخبار بودید، به هنگام کارزار فرار می‌کردید و عقب نشینی داشتید. فلما اختار الله لنبیه دار انبیائه و ماوی اصفیائه ظهر فیکم حسیکه النفاق و سمل جلباب الدین و نطق کاظم الغاوین و نیغ حامل الاقلین و هدر فنیق المبطلین فخطر فی عرصاتکم و اطلع الشیطان راسه من مغرزه هاتفا بکم، فالفاکم لدعوته مستجبین و للغرة فيه ملاحظین ثم استنهضکم فوجدکم خفافا و احمشکم فالفاکم غضابا، فو ستمم غیر ابلکم و اوردم غیر مشربکم هذا! و العهد قریب و الکلم رحیب و الجرح لما یندمل و الرسول لما یقبر ابتدارا زعمتم خوف الفتنة (الا فی الفتنة سقطوا و ان جهنم لمحیطة بالكافرين) [۶۸] . ۱۱- علل انقلاب الرجعی علی لاعقاب فیهیات منکم؟ و کیف بکم؟ و انی توفکون؟ و کتاب الله بین اظهرکم، اموره ظاهره و احکامه زاهره و اعلامه باهره و زواجره لائحه و اوامره واضحه [صفحه ۷۹] و قد خلفتموه وراء ظهورکم، ارغبه عنه تریدون ام بغیره تحکمون؟ بس للظالمین بدلا (و من یتغ غیر الاسلام دینا فلن یقبل منه و هو فی الاخرة من الخاسرین). [۶۹] . ثم لم تلبثوا الا ریث ان تسکن نفرتها و یسلس قیادها ثم اخذتم توروب و قدتها و تهیجون جمرتها و تستجیون و آنگاه که خدا، برای پیامبرش خانه پیامبران، و آرامگاه اولیاء را برگزید، خار و خاشاک نفاق در شما ظاهر شد، و جامه‌ی دین کهنه گردید، ساکت گمراهان، به سخن در آمد، و آدمهای پست و بی‌ارزش با قدر و منزلت شدند، و شتر ناز پرورده‌ی اهل باطل، به صدا در آمد، و وارد خانه‌های شما شد. و شیطان سر خویش از مخفیگاه بدر آورد، شما را فرا خواند، دید که پاسخگوی دعوت باطل او هستید، و برای فریب خوردن آمادگی دارید، خواست که بر ضد حق برخیزید، شما را آماده این کار یافت، و شما را گرم و آماده نمود، و دید که غضبناک شدید، پس بر غیر شتر خود، داغ و نشان زدید، و بر آبی که حق شما نبود فرود آمدید. در حالی هنوز از عهد و قرار شما (بیعت در خم غدیر دو ماه قبل) چیزی نگذشته بود، و شکاف زخم عمیق بود، و دهانه زخم هنوز بهم نیامده، بهبود نیافته بود و پیامبر صلی الله علیه و آله هنوز دفن نشده بود که هر چه خواستید کردید. و بهانه آوردید که از فتنه می‌ترسیم (اما در آتش فتنه سقوط کردید، و راستی که جهنم بر کافران احاطه دارد) شما کجا؟ و فتنه خواباندن کجا؟ دروغ می‌گویید! ۱۱- علل انحراف مردم پس از پیامبر صلی الله علیه و آله چرا بیراهه می‌روید؟ در حالی کتاب خدا در میان شماست، مطالبش روشن است، و احکام آن درخشان، و نشانه‌های هدایت آن آشکار، و نهی و هشدارهای آن روشن، و اوامرش واضح است، اما شما به قرآن پشت کردید، و از آن روی گردان شدید، آیا به قرآن میل و رغبت دارید؟ [صفحه ۸۰] یا داوری جز قرآن می‌گیرید؟ بد جایگزینی برای ستمگران است! (و هر کس غیر از اسلام دینی برگزیند از او پذیرفته نیست، و در آخرت از زیانکاران خواهد بود). سپس آن قدر درنگ نکردید که این دل رمیده آرام گیرد، و مهار کردن آن آسان گردد. پس آتش گیره‌ها را بر افروختید، و به آتش فتنه‌ها دامن زدید، تا آن را شعله‌ور سازید، و به شیطان گمراه کننده، پاسخ مثبت دادید لهتاف الشیطان الغوی و اطفاء انوار الدین الجلی و اهمال سنن النبی الصفی، تشریون حسوا فی ارتغاء و تمشون لاهله و ولده فی الخمر و الضراء و نصر منکم علی مثل حز المدی و وخز السنان فی الحشاء ۱۲- اثبات الارث بالادلة القرآنیة و انتم الان تزعمون ان لا ارث لنا افحکم الجاهلیة تبغون (و من احسن من الله حکما لقوم یوقنون) [۷۰] . افلا تعلمون؟ بلی قد تجلی لکم کالشمس الضاحیة انی ابنته! ایها المسلمون ءاغلب علی ارثی؟ یابن ابی قحافة افی کتاب الله ان ترث اباک و لا ارث ابی؟! لقد جئت شیئا فریا! افعلی عمد ترکتم کتاب الله و نبذتموه وراء ظهورکم؟ اذ یقول (و ورث سلیمان داود) [۷۱] . و قال فیما اقتص من خبر یحیی بن زکریا اذ قال: (فهب لی من لدنک ولیا یرثنی و یرث من آل یعقوب) [۷۲] . و قال: و اولوا الارحام بعضهم اولی ببعض فی

کتاب الله. [۷۳]. و برای خاموش کردن نور اسلام آشکار، بسیج گشتید، و به از بین بردن سنتهای پیامبر [صفحه ۸۱] برگزیده، روی آوردید، و حرکت‌های منافقانه آغاز کردید، و برای نابودی اهل بیت او، در پشت تپه‌ها و درختان کمین کردید، و ما برابر مصیبت‌هایی که چونان خنجر بران، یا فرو رفتن سنان در شکم است، چاره‌ای جز صبر نداریم. ۱۲- اثبات ارث با استدلال‌های قرآنی و شما امروز گمان می‌برید که برای ما ارثی نیست! آیا حکم عصر جاهلیت را می‌طلبید؟ (برای اهل یقین چه حکمی بالاتر و بهتر از حکم خداست)؟ آیا نمی‌دانید؟ در حالیکه برای شما مانند آفتاب درخشان، روشن است که من دختر پیامبرم ای مسلمانان! آیا سزاوار است که ارث پدرم را از من بگیرند؟ ای پسر ابی قحافه! آیا در کتاب خداست که تو از پدرت ارث ببری و من از پدرم ارث نبرم؟ عجب بدعت تازه و زشتی آورده‌ای! آیا آگاهانه و بعمد، کتاب خدا را ترک کرده به آن پشت کرده‌اید؟ زیرا قرآن می‌گوید: (سلیمان از داوود پیامبر ارث برد). و در آیه‌ی دیگر، آنجا که داستان زکریا را بیان می‌کند می‌گوید: زکریا عرض کرد: (پروردگارا! مرا فرزندی عنایت فرما، تا از من و آل یعقوب ارث برد). و فرمود: (خویشاوندان رحمی اولی، به یکدیگر نرسند). و قال: یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین. [۷۴]. و قال: ان ترک خیرا الوصیة للوالدین و الاقربین بالمعروف حقا علی المتقین. [۷۵]. و زعمتم ان لا- حظوه لی و لا ارث من ابی و لا رحم بیننا؟! [صفحه ۸۲] افخصکم الله بایة اخرج منها ابی؟ ام هل تقولون اهل ملتین لا یتوارثان؟ او لست انا و ابی من اهل ملة واحدة؟ ام انتم اعلم بخصوص القران و عمومه من ابی و ابن عمی؟ فدونکها مخطومه مرحولة تلقاک یوم حشرک، فنعمة الحکم الله و الزعیم محمد و الموعد القیامة، و عند الساعة یخسر المبطون و لا ینفعکم اذ تندمون و (لکل نباء مستقر و سوف تعلمون [۷۶] من یتایه عذاب یخزیه و یحل علیه عذاب مقیم) ثم رمت بطرفها نحو الانصار فقالت: ۱۳- تویخ الانصار علی خذلاتهم یا معشر الفتیة و اعضاء الملة و حضنة الاسلام! ما هذه الغمیزة فی حقی و السنة عن ظلامتی؟ اما کان رسول الله صلی الله علیه و آله ابی یقول (المرء یحفظ فی ولده) و فرمود: (خدای تعالی به شما درباره‌ی اولاد، وصیت می‌کند، که برای پسر دو برابر بهره‌ی دختر است). و فرمود: (هنگامی که مرگ یکی از شما فرا رسد، وصیت کنید برای پدر و مادر و نزدیکان، که حکمی است حق برای پرهیزکاران). شما گمان کرده‌اید که بهره‌ای ندارم و از پدرم، پیامبر صلی الله علیه و آله ارث نمی‌برم؟ آیا خدا شما را مخصوص آیه‌ای فرمود که پدرم را از آن بیرون کرده؟ یا آن که می‌گویید اهل دو کیش از یکدیگر ارث نمی‌برند؟ و یا من و پدرم را اهل یک دین و آیین نمی‌دانید؟ [صفحه ۸۳] یا آن که شما به آیات خاص و عام قرآن، از پدرم پیامبر صلی الله علیه و آله و پسر عموی من، علی بن ابیطالب داناترید؟ ابابکر! اینک این تو و این شتر خلافت، شتری مهار زده، و رحل نهاده، برگیر و ببر، باتو در روز قیامت، ملاقات خواهد کرد چه نیکو داوری است خدا، و نیکو دادخواهی است محمد صلی الله علیه و آله و چه خوش وعده گاهی است قیامت!! در آن روز اهل باطل زیان می‌برند، آنگاه دیگر پشیمانی سودی ندارد (و برای هر خبری، قرارگاهی است، پس خواهید دانست که عذاب خوار کننده بر سر چه کسی فرود خواهد آمد، و عذاب جاویدان چه کسی را در بر خواهد گرفت). آنگاه رو به سوی انصار کرده چنین گفت ۱۳- نکوهش از سستی انصار ای انجمن نقباء و مؤمنین! ای بازوان ملت! ای حافظان اسلام! این غفلت و سستی چیست که در حق من روا می‌دارید؟ چرا برابر دادخواهی من سهل انگارید؟ آیا پدرم رسول خدا نمی‌فرمود: باید حرمت هر کس در مورد فرزندان او حفظ شود؟ سرعان ما حادثم و عجلان ذا اهالة و لکم طاقة بما احاول و قوه علی ما اطلب و ازاول اتقولون مات محمد صلی الله علیه و آله؟ فخطب جلیل استوسع وهیه و استنهر فتقه و انفتق رتقه، اظلمت الارض لغیته و کسفت الشمس و القمر و انتشرت النجوم لمصیته و اکدت الامال و خشعت الجبال و اضیع الحریم و ازیلت الحرمة عند مماته، فتلک و الله النازلة الكبرى و المصیبة العظمی لا- مثلها نازل و لا- بائقة عاجله اعلن بها کتاب الله جل ثنائه فی افیتکم و فی مماسکم و مصبحکم، یهتف فی افیتکم هتافا و صراخا و تلاوة و الحانا و لقبله ما حل بانبياء الله و رسله، [صفحه ۸۴] حکم فصل و قضاء حتم (و ما محمد الا رسول قد خلت من قبله الرسل افان مات او قتل انقلبتم علی اعقابکم و من ینقلب علی عقبیه فلن یضر الله شیئا و سیجزی الله الشاکرین). [۷۷]. ۱۴- دعوة الناس الی انصافها ایها بنی قیلۀ ءاهضم تراث ابی؟ و انتم بمرای منی و مسمع و منتدی و مجمع

تلبسکم الدعوة و تشملکم الخیره و انتم ذو و العدد با چه سرعتی دچار اعمال ناپسند شدید! و چقدر زود، آب از دهان و دماغ بز لاغر فرو ریخت؟ «دچار غفلت شدید» در حالی که شما انجمن انصار، توان گرفتن حق ما را دارید، و نیروی کافی برای حمایت من در دادخواهی وجود دارد. آیا می‌گویید: محمد صلی الله علیه و آله مرد! آری وفات پیامبر صلی الله علیه و آله مصیبتی بزرگ است، مصیبتی در نهایت بزرگی و وسعت، که شکاف زخم آن بسی فراخ است، و زخمهای گذشته دل را دوباره باز کرد، و زمین با غیبت او تاریک شد، و ستارگان بی‌فروغ شدند، و آرزوها به ناامیدی گرایید، و کوهها از جای خود فرو ریخت، و حرمت اهل پیامبر صلی الله علیه و آله ضایع شد. آری، پس از مرگ، احترامی برای کسی باقی نمی‌ماند. پس این مصیبت، بس بزرگ بود، و همانند نداشت، که هیچ بلایی به پایهی آن نمی‌رسد، و این را کتاب خدا آشکارا تذکر داد، همان کتابی که در خانه‌هایتان و در مجالس روز و شب شما، آرام و با صدا، با قرائت و لحن زیبا، آن را می‌خوانید این مصیبت، پیش از این به دیگر پیامبران آسمانی نیز وارد آمد، حکم حتمی خدا، و قضای قطعی الهی است (که فرمود) «محمد صلی الله علیه و آله نیست مگر پیامبری که پیش از وی پیامبران دیگری در گذشتند، پس اگر او بمیرد، و یا کشته شود، به عقب بر می‌گردید؟ و آن کس که به عقب برگردد، به خدا زیانی [صفحه ۸۵] نمی‌رساند و خدا شکر کنندگان را پاداش خواهد داد» ۱۴- دادخواهی از مسلمین آوه! پسران قیله! [۷۸]. پیش چشم ما میراث پدرم را ببرند، و حرمت نگه ندارند در حالی که دارای انجمن و اجتماعید. صدای دعوت مرا همگان می‌شنوید، و از حال من از هر جهت آگاهید، و دارای نفرات رزمی و ذخیره‌اید، دارای ابزار جنگی و قوه‌اید و العدة والاداء و القوه و عندکم السلاح و الجنة توفیکم الدعوة فلا تجیون و تاتیکم الصرخة فلا تغیثون و انتم موصوفون بالكفاح، معروفون بالخير و الصلاح، و النخبة التي انتخبت و الخیره التي اختیرت لنا اهل البيت قاتلم العرب و تحملمت الکد و التعب و ناطحتم المم و کافحتم البهم، لا نبرح او تبرحون، نامرکم فتاتمرون حتی اذا دارت بنا رحی الاسلام و در حلب الايام و خضعت نعره الشریک و سکنت فوره الافک و خدمت نیران الکفر و هدات دعوة الهرج و استوسق نظام الدین فانی حرتم بعد البیان و اسرتم بعد الاعلان و نکصتم بعد الاقدام و اشركتم بعد الايمان؟ (الا- تقاتلون قوما نکثوا ايمانهم من بعد عهدهم و هموا باخراج الرسول و هم بدعوا کم اول مره اتخسونهم فالله احق ان تخشوه ان کنتم مؤمنین.) [۷۹]. ۱۵- اسباب تساهل الناس فی نصرها الا وقد اری ان قد اخلدتم الی الخفض و ابعدم من هو احق بالبط [صفحه ۸۶] و القبض و خلوتهم بالدعة و نجوتهم من الضیق بالسعة فمججتم ما وعیتهم و دسعتهم الذی تسوغتم (فان تکفروا انتم و من فی الارض جمیعا فان الله لغنی حمید). [۸۰]. انواع اسلحه و زره و سپر، نزد شماست، صدای دعوت من به شما می‌رسد، ولی جواب نمی‌دهید!؟ و ناله‌ی فریاد خواهی من به گوشتان می‌رسد. ولی مرا یاری نمی‌کنید! و حال آن که به شجاعت و جنگاوری معروفید، و به خیر و صلاح مشهور. شما برگزیدگانی بودید که انتخاب می‌شدید، و انتخاب شوندگانی که برگزیده شدید. با عرب و بت پرستان در افتادید و تحمل رنج و زحمت نمودید، با امتهای سرکش، به رزم پرداختید، و با پهلوانان به نبرد برخاستید. همواره ما فرمانده بودیم شما فرمانبر، ما امر می‌کردیم و شما تسلیم اوامر ما بودید، تا آسیاب اسلام به گردش افتاد و پستان روزگار به شیر آمد، و نعره‌های شرک‌آمیز خاموش شد، و دیگهای طمع و تهمت از جوش افتاد، و آتش کفر خاموش گشت، و نداهای هر ج و مرج طلب ساکت شد، و نظام دین استوار گردید. پس چرا امروز بعد از اقرار و اعتراف، سرگردان شدید؟ و پس از آشکار کردن عقیده، امروز پنهانکاری دارید؟ و بعد از آن پیشگامی، به عقب بر می‌گردید؟ و بعد از ایمان، شرک آوردید؟ «آیا نمی‌جنگید با گروهی که عهد شکستند؟ و خواستند رسول خدا را اخراج کنند با آنکه آنها آغازگر جنگ بودند، آیا از آنان می‌ترسید؟ در حالی که سزاوار است که از او بترسید اگر مؤمنید». ۱۵- علل سستی مردم اما جز این نیست که به تن آسایی خو کرده‌اید، و امام واقعی خود را از زمامداری دور کرده‌اید، و با رفاه و آسایش خلوت کرده‌اید، و از سختی زندگی به راحتی و خوشگذرانی رسیده‌اید، به همین سبب آنچه را که حفظ کرده بودید، از دست دادید، و آنچه را که فرو بردید. استفراغ کردید پس بدانید! [صفحه ۸۷] (اگر شما و هر که در زمین است کافر شوید، خدای تعالی بی‌نیاز از همگان است). الا و قد قلت ما قلت علی معرفه منی بالخذلة التي

خامرتکم و الغدره التي استشعرتها قلوبكم و لكنها فيضة النفس و نفثه الغيظ و خور القناة و بثه الصدر و تقدمه الحجة. فدونكموها فاحتقبوها دبره الظهر، نقبه الخف، باقية العار، موسومة بغضب الجبار و شنار الابد، موصوله بنار الله الموقدة التي تطلع على الافئدة، فبعين الله ما تفعلون (و سيعلم الذين ظلموا اي منقلب ينقلبون) [۸۱]. و انا ابنة نذير لكم بين يدي عذاب شديد فاعملوا انا عاملون و انتظروا انا منتظرون فقال ابابكر سمعت رسول الله يقول: نحن معاشر الانبياء لا نورث درهما و لا دينارا ۱۶- علل انصراف الناس عن حكم القرآن فقالت: سبحان الله! ما كان رسول الله صلى الله عليه و آله عن الكتاب صادفا و لا لاحكامه مخالفا بل كان يتبع اثره و يقفو سورة افتجمعون الى الغدر اعتلالا عليه بالزور؟ و هذا بعد وفاته شبيه بما بغى له من الغوائل في حياته هذا كتاب الله حكما عدلا و ناطقا فصلا يقول: يرثني و يرث من آل يعقوب [۸۲]. بدانيد! آنچه را که من گفتم از روی آگاهی کامل بود، از سستی شما، و هماهنگ شدن قلبهاتان با بی وفائی، و خیانت شما آگاهم چه کنم، اینها جوشش دل اندوهگین است، و راه بیرون ریختن خشم و غضب، و آنچه را که جانم نمی تواند تحمل کند از سینه بیرون ریختم، و حجت و برهان را از این راه در پیش روی شما قرار دادم. [صفحه ۸۸] پس خلافت را بگیریید و بروید، ولی بدانید پشت این شتر خلافت زخم است، و پای آن تاول زده، عار و ننگ آن باقی است، و نشان از غضب خدا دارد، و ننگ ابدی و جاویدان، و هر کس که آن را بگیرد، فردا به آتش بر افروخته خدا، که بر قلبها احاطه دارد، وارد می شود. آنچه انجام می دهید برابر چشم خداست (و بزودی آنان که ستم کردند، خواهند دانست که به کدام جایگاه آتشی باز می گردند. مردم! من دختر آن کس هستم که شما را از عذاب جهنم که در پیش روی ماست، خبر داد (پس هر چه می توانید انجام دهید، ما هم به دنبال کار خود می رویم، شما منتظر بمانید، که ما هم منتظر خواهیم ماند). ابابکر گفت از پیامبر شنیدم که می فرمود: ما گروه پیامبران درهم و دینار به ارث نمی گذاریم! حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد: ۱۶- علل روی گردانی مردم از قرآن سبحان الله! در شگفتم از این تهمت! پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از کتاب خدا رویگردان نبوده، و مخالف احکام قرآن کریم نبود، همواره پیرو قرآن بود، و دنبال سوره‌ها و آیات آن می رفت آیا برای توطئه اجتماع کرده و به نیرنگ و دروغ می خواهید به پیغمبر اسلام صلی الله علیه و آله دروغ و بهتان بندید؟ این کار شما پس از وفات او، مانند فتنه‌هایی است که در زمان حیاتش برای نابودی او به وجود می آوردید. شما که می گوید پیغمبر ارث نمی گذارد، اینک این کتاب خدا، بین من و شما داوری عادل، و گوینده و جدا کننده حق و باطل، است که می گوید. زکریای پیامبر به خدا فرمود: «فرزندی به من عطا فرما که از من و آل یعقوب ارث برد» و ورث سلیمان داود [۸۳]. فبین عز و جل فیما وزع علیه من الاقساط و شرع من الفرائض و المیراث و اباح من حظ الذکران و الاناث ما ازاح علیه المبطلين و ازال التظنی [صفحه ۸۹] و الشبهات فی الغابرين: (کلا بل سولت لكم انفسکم امرا فصبر جمیل و الله المستعان علی ما تصفون) [۸۴]. فقال ابابکر: الناس حکم بینی و بینک، و انهم بایعونی ۱۷- اسباب اسراع الناس الی الباطل معاشر الناس! المسرعة الی قیل الباطل المغضیة علی الفعل القبیح الخاسر (افلا تتدبرون القران ام علی قلوب اقفالها) کلا بل ران علی قلوبکم ما اساتم من اعمالکم فاخذ بسمعکم و ابصارکم و لبس ما تاولتم و ساء ما به اشترتم و شر ما منه اعتضتم لتجدن و الله محمله ثقیلا- و غبه و بیلا اذا کشف لكم الغطاء و بان ما ورائه الضراء و بدالکم من ربکم ما لم تکنوا تحتسبون و خسر هنا لکم المبطلون. [۸۵]. و باز در آیه دیگری می فرماید: «سلیمان پیغمبر از داود علیه السلام ارث برد» خداوند متعال در تقسیم سهمیه‌ها بیان روشنی دارد، و واجبات و سهم ارث هر یک از افراد را مشخص کرده است، و سهم ارث فرزندان دختر و پسر را به گونه‌ای توضیح داد که بهانه‌های اهل باطل را بر طرف کرد، و مجال گمان و شک و تردید، تا قیامت برای هیچ فردی باقی نگذاشت. چنین نیست که شما می گوید، (بلکه نفسهای اماره‌ی شما، کاری را برای شما جلوه داده است، پس من چاره‌ای جز صبر نیکو ندارم، و از خداوند یاری می طلبم بر آنچه شما توصیف می کنید). [صفحه ۹۰] ابابکر برای ساکت کردن مردم گفت: (ای دختر پیامبر این مردم بین من و شما داوری خواهند کرد که با من بیعت کرده‌اند). پس از اظهار نظر مجدد ابابکر و عوام فریبی او، خطاب به مردم فرمود ۱۷- علل سیر ارتجاعی مردم ای گروه مردم! که به سوی شنیدن حرفهای بیهوده شتاب می کنید، و کردار زشت زیانبار را نادیده

می‌گیرید آیا در قرآن اندیشه نمی‌کنید؟ یا آن که بر دل‌های شما مهر زده شد؟ نه، بلکه آنچه از اعمال زشتی که انجام داده‌اید (تیرگی آن دل‌های شما را فرا گرفته است، و گوشها و چشمهایتان را پر کرده است) بسیار بد به تاویل آیات قرآن روی آوردید، و بد راهی را پیشنهاد کردید، و بد معامله‌ای انجام داده‌اید! به خدا سوگند، تحمل این بار برای شما سنگین و سرانجام آن پر از وزر و وبال است، آن روزی که پرده‌ها برای شما بالا رود، و زیان آن روشن گردد، و آنچه را که حساب نمی‌کردید بر شما آشکار گردد، آنگاه روشن می‌شود که اهل باطل زیانکارند، و چاره‌ای نخواهند داشت. [۸۶].

خطبه‌ی دوم سخنرانی در جمع زنان مهاجر و انصار

در روزهای سخت بیماری فاطمه‌ی علیهاالسلام، زنان مهاجرین و انصار به عیادتش رفتند و عرض کردند، ای دختر پیغمبر، چگونه صبح کردی، با بیماری چه می‌کنی؟ حضرت زهرا علیهاالسلام پس از حمد خدا و درود بر پدرش فرمود: حدیث ۵۸-۱- تویخ الناس علی الانقلاب الرجعی [صفحه ۹۱] قالت: اصبحت و الله عائفةً لدنيا كن، قالیةً لرجالكن، لفظتهم بعد ان عجمتهم و شنتهم بعد ان سبرتهم فقبحا لفلول الحد و اللعب بعد الجد و قرع الصفاء و صدع القنأة و خطل الاراء و زلل الالهواء: و بئس ما قدمت لهم انفسهم ان سخط الله عليهم و فی العذاب هم خالدون [۸۷]. لا جرم لقد قلدتهم ربقتها و حملتهم اوقتها و شنت عليهم غاراتها، فجدعا و عقرا و بعدا للقوم الظالمین. ۲- اسباب مظلومیة امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام و یحهم انی زعزعوها عن رواسی الرسالة و قواعد النبوة و الدلالة و مهبط الروح الامین و الطین بامور الدنیا و الدین؟ الا ذلك هو الخسران المبین! و ما الذی نعموا من ابی الحسن؟ نعموا منه و الله نکیر سیفه و قله مبالاته لحتفه و شدة و طاته و نکال وقته و تنمره فی ذات الله. ۳- خصائص حکومت الامام علی علیه‌السلام و تالله لو مالوا عن المحجة اللائحة و تکافوا عن زمام نبذه الیه رسول الله و زالوا عن قبول الحجة الواضحة ترجمه خطبه‌ی دوم ۱- نکوهش مردم از سیر ارتجاعی [صفحه ۹۲] صبح کردم در حالی که بخدا سوگند دنیای شما را دوست نمی‌دارم و از مردان شما خشمناک و بیزارم، درون و بیرونشان را آزمودم و نامشان را از دهان خویش بدور افکندم، از آن چه کرده‌اند، ناخشنودم چه زشت است کنده‌ی شمشیرها و سستی و بازیچه بودن مردانتان پس از آنهمه تلاش و کوشش‌ها چه زشت است سر بر سنگ خارا زدن، و شکاف برداشتن نیزه‌ها و فساد آراء و اندیشه‌ها و انحراف آرمان و انگیزه‌ها (برای خویشتن چه بد ذخیره‌هایی تدارک دیدند و پیش فرستادند که خداوند بر آنان خشم می‌گیرد و در عذاب الهی جاودانه خواهند بود). زیرا بدون تردید مسئولیت سنگین عهد و پیمان الهی در گردنشان همواره سنگینی خواهد نمود ناچار کار را بدانها واگذار و ننگ عدالت کشی را برایشان بار کردم نفرین بر این مکاران، و دور از رحمت حق باشند ستمکاران. ۲- علل مظلومیت امام علی علیه‌السلام وای بر آنان! چرا نگذاشتند حق در مرکز خود قرار یابد؟ و خلافت بر پایه‌های نبوت استوار ماند؟ (از خانه‌ای که جبرئیل در آن فرود می‌آمد به خانه دیگر بردند. و حق را از دست علی، که عالم به امور دین و دنیاست گرفتند) (بدانید که این زیانی بزرگ و آشکار است). چه باعث شد که با علی علیه‌السلام کینه توزی نمایند و انتقام گیرند؟ چون سوزش تیغ او را چشیدند و پایداری او را دیدند که نسبت به مرگ بی‌اعتنا بود دیدند که چگونه بر آنان می‌تازد و با دشمنان خدا نمی‌سازد و آنان را عقوبت می‌کند و خشم علی علیه‌السلام در راه (رضای) خداست ۳- ویژگیهای حکومت امام علی علیه‌السلام بخدا سوگند، اگر پای در میان می‌نهادند، و علی علیه‌السلام را بر کاری که پیغمبر صلی الله علیه و آله به عهده او نهاد می‌گذارند لردهم الیها و حملهم علیها و لساربهم سیرا سجحا، لا یکلم خشاشة و لا یکل [صفحه ۹۳] سائره و لا یمل راکبه و لاوردهم منهلا نمیرا صافیا رویا، تطفح ضفتاه و لا یترق جانباه، و لاصدرهم بطانا و نصح لهم سرا و اعلانا، و لم یکن یحلی من الغنی بطائل و لا یحظی من الدنیا بنائل غیر ری الناهل و شعبه الکافل، و لبان لهم الزاهد من الراغب و الصادق من الکاذب «و لو ان اهل القرى امنوا و اتقوا لفتحنا علیهم برکات من السماء و الارض و لکن کذبوا فاخذناهم بما کانوا یکسبون». [۸۸] «و الذین ظلموا من هؤلاء سیصیبهم سیئات ما کسبوا و ما هم بمعجزین». [۸۹]. ۴- تویخ المهاجرین و الانصار علی

انحرافهم الا لهم فاستمع و ما عشت اراك الدهر عجبا! و ان تعجب فعجب قولهم! [۹۰]. لیت شعری الی ای سناد استندوا؟ و علی ای عماد اعتمدوا؟ و بای عروه تمسکوا؟ و علی ای ذریه اقدموا و احتنکوا؟: لبس المولی و لبس العشیر (و لبس للظالمین بدلا) [۹۱]. استبدلوا و الله الذنابی بالقوادم و العجز بالکاهل، فرغما لمعاطس قوم آسان ایشان را به راه راست می‌برد، و حق هر یک را به او می‌سپرد چنان که کسی زبانی نبیند و هر کس میوهی آنچه کشته است، بچیند این شتر را سالم به مقصد می‌رساند و حرکتش برای کسی رنج آور نبود تشنگان عدالت را از چشمه‌ی سرشار و زلال حقیقت سیراب می‌کرد «چشمه‌ای که آب زلال آن فواره زنان از هر طرفی جاری است» که هرگز رنگ کدورت نپذیرد و همواره سیراب بوده رنج تشنگی نبیند علی علیه‌السلام همواره در پنهان و آشکار نصیحت کننده‌ی مردم بود [صفحه ۹۴] و اگر بخلاف می‌رسید از اموال بیت‌المال برای خود ذخیره نمی‌نمود و از ثروت دنیا جز باندازه نیاز برداشت نمی‌کرد، باندازه آب اندکی که عطش را فرو نشانند و طعام مختصری که رفع گرسنگی نماید در آن هنگام زاهد از حریص به دنیا و راستگو از دروغگو باز شناسانده می‌شد (اگر مردم چنین می‌کردند، ایمان آورده و تقوی پیشه شده، حق را به امام واقعی می‌سپردند درهای رحمت از آسمان و زمین بروی آنان می‌گشود. اما دروغ گفتند و بزودی خدا به کیفر آنچه کردند آنان را عذاب خواهد فرمود) ۴- نکوهش از انحراف مهاجرین و انصار اکنون بیاید و بشنوید! شگفتا! روزگار چه شگفتی‌ها در پس پرده دارد و چه بازیچه‌ها یکی از پس دیگری بیرون می‌آورد. (اگر تعجب نمائی! پس گفته‌های آنان تعجب آور است). راستی مردان شما چرا چنین کردند؟ ای کاش می‌دانستم به چه پناهگاهی تکیه داده‌اند؟ و کدام ستون استوار را انتخاب نمودند؟ و به کدامین ریسمان چنگ زدند؟ و بر کدام فرزند و خاندانی پیشی گرفتند و غلبه نمودند؟ شگفتا! (چه دوستان دروغین و سرپرستان ناهلی را انتخاب کردند! و چه زشت است سرانجام ستمکاران که جایگزین بدی برگزیدند) سر را گذاشته به دم چسبیدند، پی عامی رفتند و از عالم نپرسیدند! یحسبون انهم یحسنون صنعا: الا انهم هم المفسدون و لکن لا یشعرون [۹۲]. و یحهم: افمن یهدی الی الحق احق ان یتبع ام من لا یهدی الا ان یهدی فما لکم کیف تحکمون؟ [۹۳]. [صفحه ۹۵] ۵- التحذیر من المستقبل الدامی اما لعمری لقد لقحت فنظرة ریشما تنتج ثم احتلبوا ملء القعب دما عیطا و ذعافا مییدا هنا لک یخسر المبتلون و یعرف التالون غب ما اسس الاولون ثم طیبوا عن دنیاکم انفسا و اطمانوا للفتنة جاشا، و ابشروا بسیف صارم و سطوة معتد غاشم و هرج شامل و استبداد من الظالمین یدع فیئکم زهیدا و جمعکم حصیدا. فیا حسرة لکم و انی بکم و قد: عمیت علیکم انلزمکموها و انتم لها کارهون [۹۴]. (نفرین بر مردمی نادان که تبهکارند و تبهکاری خود را نیکوکاری می‌پندارند. بدانید که آنان فاسدند و بفساد خویش آگاهی ندارند). وای بر آنان! (آیا آن که مردم را به راه راست می‌خواند، سزاوار پیروی است یا آن که خود، راه را نمی‌داند؟ در این باره چگونه داوری می‌کنید؟) ۵- هشدار از آینده‌ای خونین اما بجان خودم سوگند. نطفه‌ی فساد بسته شد. باید انتظار کشید تا کی مرض فساد پیکر جامعه اسلامی را از پای در آورد پس از این از پستان شتر بجای شیر، خون بدوشید و زهری که به سرعت هلاک کننده است (اینجاست که روندگان راه باطل زیان کننده‌اند). و مسلمانان آینده خواهند دانست که سرانجام اعمال مسلمانان صدر اسلام چه بوده است؟ از این پس، قلب‌های خود را از بروز آشوبها مطمئن نمایید. بشارت باد شما را به شمشیرهای کشیده و حمله‌ها و تهاجمات پی در پی، و بهم ریخته شدن امور اجتماعی مسلمانان و استبداد و دیکتاتوری ستمگران آنها که غنائم و حقوق شما را اندک [صفحه ۹۶] پرداخت می‌کنند و جمع شما را با شمشیرهای خود درو می‌نمایند پس حسرت و اندوه بر شما! کارتان بکجا خواهد انجامید؟ (دریغ! که دیده‌ی حقیقت بین ندارید، بر ما هم تاوانی نیست و نمی‌توانیم شما را به کاری که کراهت دارید! الزام کنیم). [۹۵].

سخنرانی در میان جمعی کوجه و بازار

«دفاع از ولایت امام علی علیه‌السلام و افشاگری لازم در مورد سیر ارتجاعی مردم» آنگاه که کودتاگران سقیفه تصمیم گرفتند به

خانه ولایت تهاجم کنند و فریب خوردگان نزدیک خانه حضرت علی علیه السلام گرد آمده و تسلیم توطئه‌ها بودند، دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله از خانه بیرون آمد و در کنار در ورودی منزل ایستاد و خطاب به مردم کوچه و بازار فرمود: حدیث ۵۹ قالت: لا عهد لی بقوم حضروا اسوء محضرا منکم، ترکتم رسول الله صلی الله علیه و آله جنازه بین ایدینا و قطعتم امرکم فیما بینکم، لم تستامرونا و لم تردوا لنا حقا کانکم لم تعلموا ما قال یوم غدیر خم، و الله لقد عقد له علی علیه السلام یومئذ الیوم لیقطع منکم بذالک منها الرجاء، و لکنکم قطعتم الاسباب بینکم و بین نیبکم، و الله حسیب بیننا و بینکم فی الدنیا و الاخره (من ملتی را مثل شما نمی‌شناسم که اینگونه عهد شکن و بد برخورد باشند، جنازه‌ی رسول خدا را بر روی دست ما گذاشته و رها کردید، و عهد و پیمانهای میانتان را بریدید و فراموش نمودید، و ولایت و رهبری امام علی علیه السلام و ما اهل بیت را انکار کردید و حق مسلم ما را باز نگرداندید، گویا از آن چه رسول خدا صلی الله علیه و آله در روز غدیر خم فرمود، آگاهی ندارید؟ سوگند به خدا که رسول گرامی اسلام در آن روز ولایت و رهبری امام علی علیه السلام را مطرح کرد و از مردم بیعت گرفت، تا امید شما فرصت طلبان تشنه‌ی قدرت را قطع نماید، ولی شما رشته‌های [صفحه ۹۷] پیوند معنوی میان پیامبر صلی الله علیه و آله و خودتان را پاره کردید. این را بدانید که خداوند در دنیا و آخرت بین ما و شما داوری خواهد کرد). [۹۶].

سخنرانی در نکوهش پیمان شکنان

در نکوهش پیمان شکنان و مردم بی تفاوت و ساکت فرمود: حدیث ۶۰ قالت: معاشر الناس المسرعة الی القیل الباطل، المغضیة علی الفعل القبیح الخاسر «افلا تتدبرون القرآن ام علی قلوب اقفالها»، [۹۷] کلاب ران علی قلوبکم ما اساتم من اعمالکم فاخذ بسمعکم و ابصارکم و لبس ما تاوئتم و ساء ما به اشترتم و شر ما منه اعتصبتم لتجدن و الله محمله ثقیلا و غبه و بیلا اذا کشف لکم الغطاء و بان ما وراء الضراء و بدالکم من ربکم ما لم تكونوا تحتسبون «و خسر هنا لک المبتلون». [۹۸]. (ای مردم! که به سوی سخن باطل شتابانید، و اعمال زشت و زیانکارانه‌ی (اینها) را نادیده می‌گیرید آیا در قرآن تدبر و تأمل نمی‌کنید؟ یا بر دل‌هاتان مهر و قفل زده شده است «که سخن حق را نمی‌شنوید»؟ نه! بلکه اعمال سوء و کردار بد شما است که پرده بر دل‌هاتان کشیده و گوشها و چشمهای شما را گرفته است! و چه بد تاویل و تفسیری «از دین و آئین کردید»! و چه بد نظریه و رایبی دادید «که حق را از اهلش گرفتید و بدست ناهلان دادید» و چه بد [صفحه ۹۸] «گناه و ستمی» را «که کردید» گران خواهید یافت و سرانجامش را سخت و دشوار. در آن روز که پرده از کار شما برداشته شود، و کیفری که در انتظار شماست، آشکار گردد و عذابی را که خدای تعالی برای شما آماده کرده که گمان آنرا نداشته‌اید، بر شما نمایان گردد، و در آن روز است که اهل باطل دچار زیان و خسران می‌گردند) [۹۹].

خطبه‌ی پنجم

د- دفاع و مبارزه حدیث ۶۴

از خود گذشتگی و ایثار فاطمه

مهمان نوازی فاطمه

مرد گرسنه‌ای در مسجد مدینه بپا خاست و گفت، ای مسلمانان! از گرسنگی به تنگ آمده‌ام، مرا مهمان کنید. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: چه کسی این مرد را امشب مهمان می‌کند؟ حضرت علی علیه السلام فرمود، من یا رسول الله! کمی بعد وارد منزل شد و از فاطمه‌ی زهرا علیها السلام پرسید: آیا غذایی در منزل داریم؟ مهمان گرسنه آورده‌ام. حضرت زهرا علیها السلام ایثار گرانه

فرمود: حدیث ۶۱ فقالت: ما عندنا الا قوت الصبیة و لکنا نوتر به ضیفنا (در خانه ما غذایی نیست، مگر به اندازه خوراک دختر بچه اما امشب ایثار می‌نماییم و گرسنگی را تحمل می‌کنیم و همین مقدار غذا را به مهمان می‌بخشیم). [۱۰۰].

از خود گذشتگی و ایثار فاطمه

عرب تازه مسلمانی در مسجد مدینه از مردم کمک خواست، پیامبر صلی الله علیه و آله [صفحه ۹۹] باصحاب خود نگریست. سلمان فارسی برخاست تا نیاز آن بیچاره را بر طرف سازد هر جا رفت با دست خالی برگشت. با ناامیدی به طرف مسجد می‌آمد که چشمش به منزل حضرت زهرا علیها السلام افتاد، با خود گفت: فاطمه علیها السلام سر چشمه‌ی نیکوکاری است درب خانه را کوبید و داستان عرب مستمند را شرح داد. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: حدیث ۶۲ قالت: یا سلمان و الذی بعث محمدا بالحق نبیا ان لنا ثلاثا ما طعمنا و ان الحسن و الحسین قد اضطربا علی من شدة الجوع، ثم رقدا کانهما فرخان متوفان و لکن لا ارد الخیر اذا نزل الخیر ببابی. (ای سلمان! سوگند به خداوندی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله را به پیامبری برگزید، سه روز است که غذا نخورده‌ایم، و فرزندانم حسن و حسین علیهما السلام از شدت گرسنگی بی‌قراری می‌کردند و خسته و مانده به خواب رفته‌اند. اما من، نیکی و نیکوکاری را که در خانه‌ی مرا کوبیده است، رد نمی‌کنم) آن گاه پیراهن خود را به سلمان داد تا در مغازه‌ی شمعون یهودی گرو گذاشته، مقداری خرما و جو، قرض بگیرد. سلمان فارسی می‌گوید: پس از دریافت جو و خرما به طرف منزل فاطمه علیها السلام آمده و گفتم: دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله! مقداری از این غذاها را برای فرزندان گرسنه‌ات بردار پاسخ داد: حدیث ۶۳ قالت: یا سلمان هذا شیء امضیناه لله عز و جل لسننا ناخذ منه شیئا [صفحه ۱۰۰] (ای سلمان! این کار را فقط برای خدای بزرگ انجام دادیم و هرگز از آن چیزی بر نمی‌داریم). [۱۰۱].

خوشروئی

ر- روابط اجتماعی، حدیث ۸۴ [صفحه ۱۰۱]

د

اشاره

دعوت مردم به قیام دفاع و مبارزه دعا و نیایش دنیا و دنیازدگی [صفحه ۱۰۳]

دعوت مردم به قیام

م- مبارزات سیاسی و- وصیت‌های سیاسی و د- دفاع

دفاع و مبارزه حضرت فاطمه

دفاع در برابر هجوم گستاخانه به منزل امیرالمؤمنین

پس از ماجرای سقیفه، و سرپیچی عده‌ای از بیعت با ابوبکر، برای آن که به خیال خودشان مرکز تجمع مخالفان را مورد تهدید قرار دهند، به خانه امام یورش آوردند، عمر و قنفذ، و طرفداران آنها تهدید کردند، اگر امام علی علیه السلام برای بیعت به مسجد بیرون نیاید، خانه را آتش می‌زنیم!! حضرت زهرا علیها السلام در دفاع از امام، در برابر مهاجمان فرمود: حدیث ۶۴ قالت: ایها الضالون

المکذوبون ماذا تقولون؟ و ای شیء تریدون؟ یا عمر اما تتقی الله؟ تدخل علی بیته؟ ابجزبک الشیطان تخوفنی؟ و کان حزب الشیطان ضعیفا و یحک! ما هذه الجراة علی الله و علی رسوله؟ ترید ان تقطع نسله من الدنیا و تفتیه و تطفیء نور الله؟ «و الله متم نوره» [۱۰۲] و انتهاره لها طغیانک یا عمر اخرجنی، و الزمک الحجة و کل ضال غوی اما و الله یابن الخطاب لو لا انی اکره ان یصیب البلاء من لا ذنب له لعلمت [صفحه ۱۰۴] انی ساقسم علی الله ثم اجدہ سریع الاجابة یا ابتاه یا رسول الله هكذا کان یفعل بحبیبتک و ابنتک؟ آه یا فضة الیک فخذینی فقد و الله قتل ما فی احشائی من حمل (شما ای گمراهان و دروغگویان! چه می گوئید و چه می خواهید؟ ای عمر! آیا از خدا پروا نداری؟ این گونه می خواهی وارد خانه من شوی؟ آیا با حزبت که حزب شیطان است، مرا می ترسانی در حالی که حزب شیطان ناتوان است! وای بر تو! این چه جرات و جسارتی است که بر خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله او داری؟ آیا می خواهی دودمان پیامبر را نابود کنی؟ و نور خدا را خاموش؟ آگاه باش که خداوند نور خود را فروزان و جاودانه نگه می دارد. از شرکت و حضور در میان نامحرمان پرهیز داشتیم، اما تهاجم و طغیان تو مرا از خانه بیرون کشید و حجت را بر تو و بر دیگر گمراهان تمام کرد. سوگند بخدا، چون کراحت دارم که بی گناهان دچار بلا و گرفتاری شوند، دست از نفرین بر می دارم. اگر چنین نبود، می دانستی که سوگند و نفرین من به سرعت تحقق می یافت و عذاب خدا فرو می بارید.) پس از کوبیده شدن بین در و دیوار و به شهادت رسیدن حضرت محسن علیه السلام فرمود: (ای پدر! رسول خدا! بنگر که با دختر مورد علاقه‌ی تو چنین رفتار می شود: آه: ای فضه بیا و مرا دریاب. سوگند به خدا، فرزندی که در شکم داشتیم، کشته شد.) [۱۰۳].

دفاع و افشاکری در برابر مهاجمان به منزل امام علی

افشاکری توطئه‌ها

در آن هنگام که عمر با گروهی به منزل امام علی علیه السلام یورش آوردند، و با تهدیدهای بیپای نتوانستند در خانه را بگشایند، به دستور عمر هیزم آورده [صفحه ۱۰۵] و درب منزل را به آتش کشیدند، حضرت زهرا علیها السلام برای دفاع از ولایت و حرمت حریم امامت، در برابر ستونی از دود و شعله‌های آتش به پیش رفت و فرمود: حدیث ۶۵ قالت: یابن الخطاب اتراک محرقا علی بابی؟ اجئت لتحرق دارنا؟ اتحرق علیا و ولدی؟ (ای پسر خطاب! آیا تو را می بینم که خانه‌ام را آتش می زنی؟ آیا آمده‌ای که خانه ما را بسوزانی؟ آیا تو علی علیه السلام و فرزندان مرا به آتش می کشی؟) پاسخ شنید: (و الله لنخرجکم الی البیعة او لنحرقکم) سوگند به خدا یا شما را برای بیعت با ابوبکر بیرون می آورم و یا همه‌ی شما را با خانه به آتش می کشم! حضرت زهرا علیها السلام فرمود: یا عمر اما تتقی الله تدخل علی بیته؟ (ای عمر! آیا از خدا نمی ترسی؟ که (بی اجازه) وارد خانه‌ام می شوی؟)

شکوه‌ها با پدر

اینجا بود که حضرت زهرا علیها السلام نگاه به قبر پدر کرد و فرمود: حدیث ۶۶ یا ابتاه یا رسول الله ماذا لقینا بعدک من ابن الخطاب و ابن ابی قحافة! یا ابابکر ما اسرع ما اغترم علی اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله؟ و الله لا اکلم عمر حتی القی الله: (وای ای پدر ای پیامبر خدا! چه مصیبت‌هایی که از دست پسر خطاب و پسر ابی قحافة کشیدیم! ای ابوبکر، چه زود کینه‌توزیهای خود را بر اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله ظاهر کردید!! سوگند [صفحه ۱۰۶] به خدا از این لحظه، تا روزی که خدا را ملاقات می کنم، هرگز با عمر صحبت نخواهم نمود!) [۱۰۴].

محکوم نمودن مهاجمان

امام صادق علیه‌السلام نقل می‌فرماید که: وقتی مهاجمان به خانه امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام یورش آوردند که در خانه را بشکنند یا بسوزانند و وارد منزل شوند، حضرت زهرا علیها‌السلام پشت درب منزل رفته، خطاب به عمر که در پیشاپیش مهاجمان بود فرمود: حدیث ۶۷ قالت: و يحكك يا عمر ما هذه الجراء على الله و على رسوله؟ تريد ان تقطع نسله من الدنيا و تفنيه؟ و تطفئ نور الله؟ و الله متم نوره (وای بر تو ای عمر! این چه جرات و جسارتی است که نسبت به خدا و رسول خدا کرده‌ای، آیا می‌خواهی نسل رسول خدا را نابود کنی؟ و از میان برداری؟ آیا می‌خواهی نور خدا را خاموش کنی؟ خداوند نور خود را حفظ می‌کند و تداوم می‌بخشد). [۱۰۵].

دفاع از امیرالمؤمنین

دفاع و یادآوری فضائل اهل بیت

در آن هنگامه غم آلود که علی علیه‌السلام را با زور به طرف مسجد می‌بردند، فاطمه علیها‌السلام میان جمعیت آمد و بین امام و آنها قرار گرفت، و فرمود: حدیث ۶۸ قالت: و الله لا ادعکم تجرون ابن عمی ظلما و یلکم ما اسرع ما ختمت الله و رسوله فینا اهل البيت و قد اوصاکم رسول [صفحه ۱۰۷] الله صلی الله علیه و آله باتباعنا و مودتنا و التمسک بنا فقال الله تعالی «قل لا اسئلكم علیه اجرا الا المودة فی القربی» [۱۰۶]. (سوگند به خدا، نمی‌گذارم پسر عموی مرا ظالمانه به سوی مسجد بکشانید. وای بر شما چه زود به خدا و رسولش خیانت کردید و به خانواده‌ی او ستم نمودید، با این که رسول خدا پیروی از ما و دوستی با ما را به شما سفارش کرده و فرمود که (در امور زندگی) از اهل بیت علیهم‌السلام اطاعت نمایید، که خداوند فرمود: به مردم بگو از شما پاداش رسالت نمی‌خواهم، جز آن که با اهل بیت من دوستی نمائید). [۱۰۷].

تهدید به نفرین کردن

امام صادق علیه‌السلام نقل می‌فرماید در آن لحظه که امام علی علیه‌السلام را به سوی مسجد می‌کشیدند، و هیچ کس در آن غربت و تنهایی دفاع نمی‌کرد، حضرت زهرا علیها‌السلام خود را به امام رساند، و خطاب به عمر فرمود: حدیث ۶۹ قالت: اما و الله یابن الخطاب: لو لا انی اکره ان یصیب البلاء من لا ذنب له لعلمت انی ساقسم علی الله ثم اجده سریع الاجابة (ای پسر خطاب! سوگند به خدا اگر کراهت نداشتم که بیگناهان (مدینه) گرفتار بلای الهی شوند، نفرین می‌کردم و آنگاه می‌فهمیدی که نفرین من خیلی زود تحقق می‌پذیرد). [۱۰۸].

دفاع از امام در مسجد

آنگاه که امام را مظلومانه و با ستم به مسجد بردند، حضرت زهرا علیها‌السلام وارد مسجد شد و فرمود: [صفحه ۱۰۸] حدیث ۷۰ فقالت: خلوا عن ابن عمی فوالذی بعث محمدا بالحق لئن لم تخلوا عنه لانشرن شعری و لاضعن قمیص رسول الله علی راسی و لا صرخن الی الله تبارک و تعالی فما ناقه صالح باکر م علی الله منی و لا الفصیل باکر م علی الله من ولدی (رها کنید پسر عموی مرا؛ قسم به آن خدایی که محمد صلی الله علیه و آله را به حق برانگیخت. اگر از علی دست برندارید، گیسوان خود را پریشان کرده و پیراهن رسول خدا صلی الله علیه و آله را بر سر افکنده و در برابر خدا فریاد خواهم زد، یقین بدانید که ناقه صالح، در نزد خدا از من گرامی‌تر و بچه‌ی آن ناقه نیز از فرزندان من قدر و قیمتش زیاده‌تر نبود). [۱۰۹].

دفاع از جان امام

پس از بردن امام به مسجد، در آن ازدحام جمعیت، عمر با شمشیر برهنه تهدید کرد که: اگر با ابوبکر بیعت نکنی گردنت را می‌زنم. در این هنگام حضرت زهرا علیها السلام خطاب به ابوبکر فرمود: حدیث ۷۱ قالت: یا ابابکر اترید ان ترملنی من زوجی؟ و الله لئن لم تکف عنه لانشرن شعری و لاشقن جیبی و لایتین قبر ابی (ای ابوبکر! آیا می‌خواهی شوهرم را از دستم بگیری؟) (و مرا بیوه سازی؟) سوگند به خدا اگر دست از او برنداری، موی سرم را پریشان می‌کنم و گریبان چاک زده کنار قبر پدرم رسول خدا می‌روم) [۱۱۰]. سپس دست امام حسن و حسین علیهما السلام را گرفت تا در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله با [صفحه ۱۰۹] نفرین و ناله تهدید خود را تحقق بخشد امام علی علیه السلام به سلمان فرمود: «سلمان فاطمه را دریاب، گوئی دو طرف مدینه را می‌نگرم که به لرزه درآمد، سوگند به خدا اگر فاطمه علیها السلام موی خود را پریشان کند و گریبان چاک نماید و در کنار قبر پیامبر صلی الله علیه و آله سر دهد، دیگر مهلتی برای مردم مدینه باقی نمی‌ماند، و زمین همه‌ی آنها را در کام مرگبار خود فرو می‌برد» سلمان شتابان خدمت زهرا علیها السلام رسید و گفت: (ای دختر محمد صلی الله علیه و آله! خداوند پدرت را مایه‌ی رحمت جهانیان قرار داده است، خواهش می‌کنم به خانه برگرد و نفرین در حق مردم نادان مکن. حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد: حدیث ۷۲ قالت: یا سلمان! یریدون قتل علی و ما علی علی صبر فدعنی حتی آتی قبر ابی فانشرن شعری، و اشق جیبی و اصیح الی ربی (ای سلمان! آنها قصد جان علی علیه السلام را دارند، و من در شهادت علی علیه السلام نمی‌توانم صبر کنم، صبرم تمام شده، مرا به حال خود بگذار تا کنار قبر پدرم بروم، موهام را پریشان نمایم، گریبان چاک دهم، و به درگاه خدا ناله سر دهم.) [۱۱۱]. سلمان فارسی که فاطمه علیها السلام را برای ناله و نفرین مصمم یافت، گفت: امام علی علیه السلام مرا فرستاد و فرمود که به شما بگویم: (فاطمه بخانه بازگردید و از ناله و نفرین خودداری کنید) وقتی حضرت زهرا علیها السلام پیام امام را شنید فرمود: حدیث ۷۳ قالت: اذا ارجع و اصبر و اسمع له و اطیع [صفحه ۱۱۰] (حال که شوهرم و امام من، فرمان داده که به خانه بازگردم، می‌روم و صبر می‌کنم و سخن آن بزرگوار را می‌پذیرم و از او اطاعت می‌کنم.) [۱۱۲].

دفاع ناهایی و سلامت امام

آنگاه که سلمان فارسی از یگانه دخت پیامبر خواست تا دست از نفرین و ناله بردارد، و بخانه بازگردد، فرمود: حدیث ۷۴ قالت: ویلهم یا سلمان! یریدون ان یوتموا ولدی الحسنین فوالله یا سلمان! لا اخلی عن باب المسجد حتی اری ابن عمی سالما بعینی (وای بر آنان ای سلمان! آنها می‌خواهند دو فرزند من حسن و حسین علیهما السلام را یتیم و بی‌سرپرست نمایند، ای سلمان! سوگند به خدا از درب مسجد مدینه پا بیرون نمی‌گذارم تا آن که پسر عموی خود را با چشمان خودم، (رها شده) و سالم مشاهده نمایم.) [۱۱۳]. و پس از لحظاتی چند که در میان سکوت و اندوه و شگفتی حاضران، مهاجمین دست از امام کشیدند و امام علی علیه السلام تنها و مظلوم از مسجد مدینه بیرون آمده راه خانه را در پیش گرفت، حضرت زهرا علیها السلام به شوهر معصوم خود نگریسته و فرمود: حدیث ۷۵ قالت: روحی لروحک الفداء، و نفسی لنفسک الوقاء یا ابالحسن! ان کنت فی خیر کنت معک و ان کنت فی شر کنت معک (علی جان، جانم فدای جان تو، و جان و روح من سپر بلاهای جان تو، یا ابالحسن! همواره با تو خواهم بود، اگر تو در خیر و نیکی بسر می‌بری با تو خواهم زیست و یا اگر در [صفحه ۱۱۱] سختی و بلاها گرفتار شدی، باز هم با تو خواهم بود.) [۱۱۴].

دفاع از اموال خویش

دعاهای حضرت زهرا

اشاره

برای آگاهی از دعاهای حضرت فاطمه علیهاالسلام به کتاب دعاهای روزانه‌ی حضرت زهراء مراجعه شود، که در این فصل تنها به ارزش دعا و هدفداری دعا از دیدگاه حضرت زهرا علیهاالسلام اشاره می‌گردد.

دعا برای گناهکاران امت

اسماء، همسر جعفر طیار نقل می‌کند که: در لحظه‌های پایانی زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام متوجه آن بزرگ زنان عالم بودم ابتدا غسل کرد و لباسها را تغییر داد و در خانه مشغول راز و نیاز با خدا شد. جلو رفتم، فاطمه علیهاالسلام را دیدم که رو به قبله نشسته، و دستها را به سوی آسمان بر آورده، چنین دعا می‌کند: حدیث ۷۶ قالت: الهی و سیدی اسئلک بالذین اصطفیتهم و بیکاء ولدی فی مفارقتی، ان تغفر لعصاه شیعتی و شیعه ذریتی (پروردگارا! بزرگا! به حق پیامبرانی که آنها را برگزیدی و به گریه‌های حسن و حسین در فراق من، از تو می‌خواهم از گناهکاران شیعیان من و شیعیان فرزندان من در گذری) [۱۱۵]. [صفحه ۱۱۲]

دعا برای همسایگان

امام حسن مجتبی علیه‌السلام مادر را دید که همواره برای همسایگان، برادران اسلامی، و مردم مسلمان، دعا می‌کند، خطاب به مادر گفت: مادر جان چرا برای خودت دعا نمی‌کنی؟ حضرت زهرا علیهاالسلام پاسخ داد: حدیث ۷۷ قالت: الجار ثم الدار (پسرم! اول همسایه، سپس خانه‌ی خود) [۱۱۶].

توجه به دعا حتی در هنگامه غم از دست دادن پدر

پس از وفات دردآلود رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، زنان بنی هاشم در منزل آن حضرت اجتماع و نوحه و زاری می‌کردند. حضرت زهرا علیهاالسلام همگان را به دعا سفارش فرمود: حدیث ۷۸ قالت: اترکن التعداد و علیکن بالدعا (دست از شمارش افتخارات بردارید و به دعا و عبادت بپردازید) [۱۱۷].

تقاضای دعا برای شفای امام حسن

امام حسن علیه‌السلام مریض شد و درد و بی‌تابی آن بزرگوار بالا گرفت، حضرت زهرا علیهاالسلام فرزند عزیزش را خدمت رسول خدا برده فرمود: [صفحه ۱۱۳] حدیث ۷۹ قالت: یا رسول الله ادع الله لابنک ان یشفیة (ای رسول خدا! پروردگارت را بخوان تا فرزندت را شفا دهد) [۱۱۸].

ارزش و اهمیت دعا

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود، دخترم: آیا دوست داری دعایی را به تو بیاموزم که هیچ کس آن را نمی‌خواند مگر آنکه خواسته‌های او تحقق پذیرد؟ در پاسخ پدر فرمود: حدیث ۸۰ قالت: یا ابة لهذا احب الی من الدنيا و ما فیها (پدر جان، چنین دعایی از دنیا و آنچه در آن است، نزد من محبوب تر است) [۱۱۹].

دعای معروف حضرت زهرا

سلمان فارسی نقل می‌کند: حضرت زهرا علیهاالسلام پس از ملاقات با حوریان بهشتی، از خرمای خوش بویی که به آن حضرت تقدیم داشتند، مقداری به من عطا فرمود، که در شهر مدینه با هر یک از اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله ملاقات کردم. می‌گفت: چه عطر دلنشینی؟ آیا مشک ناب با خود داری؟ این ماجرای شگفتی آور را برای حضرت فاطمه علیهاالسلام بازگو نمودم، در حالی که متبسم و خوشحال بود فرمود: این خرمای معطر بهشتی از درختی است که برای یکی از دعاهای من آفریده شد و من آن را از رسول خدا صلی الله علیه و آله آموختم و آن دعا این است: [صفحه ۱۱۴] حدیث ۸۱ بسم الله النور بسم الله الذی یقول للشیء کن فیکون بسم الله الذی یعلم خائنة الاعین و ما تخفی الصدور بسم الله الذی خلق النور من النور بسم الله الذی هو بالمعروف مذکور بسم الله الذی انزل النور علی الطور بقدر مقدور، فی کتاب مسطور، علی نبی مجبور [۱۲۰]. (بنام خدای نور بنام خدایی که به هر چیز می‌گوید: باش، پس می‌باشد بنام خدایی که چشمها و نگاههای پنهان و راز سینه‌ها را می‌داند بنام خدایی که نور را از نور آفرید بنام خدایی که به نیکی یاد می‌شود بنام آن که نور را بر کوه طور نازل کرد به اندازه‌ای معین در نوشته‌ای بر پیامبری عظیم).

دعای بعد از ظهر روز جمعه

حضرت زهرا علیهاالسلام نسبت به دعای روز جمعه از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله نقل فرمود که: حدیث ۸۲ قالت: ان فی الجمعة لساعة لا یوافقها رجل مسلم ینال الله عز و جل فیها خیرا الا اعطاه اياه [صفحه ۱۱۵] فقلت یا رسول الله ای ساعة هی؟ قال اذا تولى نصف عین الشمس للغروب (در روز جمعه ساعتی است که هر خواسته‌ی خیر و نیکوئی در آن ساعت به اجابت می‌رسد. پرسیدم یا رسول الله! کدام ساعت است. فرمود: آنگاه که نصف قرص خورشید در افق پنهان شود) از آن پس حضرت زهرا علیهاالسلام در این ساعت از غروب جمعه، در دعا و خیر خواهی مسلمانان همت می‌نمود، و فردی را می‌گماشت تا غروب خورشید را به او اطلاع دهد [۱۲۱].

دنیا و دنیازدگی

ترک دنیا پرستی

حضرت زهرا علیهاالسلام نسبت به دنیای دنیا پرستان فرمود: حدیث ۸۳ قالت: انی لا احب الدنیا (من دنیای «دنیا پرستان» را دوست ندارم) [۱۲۲]. حدیث ۱/۵۸

والا تر از دنیا

حدیث ۸۰ «ارزش دعا» حدیث ۸۸ [صفحه ۱۱۷]

ذ، ر

اشاره

ذکر د- دعا ذلت و خواری مسلمین ح ۵۷ ذلت جاهلی و بعثت پیامبر صلی الله علیه و آله ح ۵۷ روابط اجتماعی روزه و روزه داری]

صفحه ۱۱۹

روابط اجتماعی

کیفیت رابطه با مردم و خانواده

معیار و میزان سنجش ارزشمندی انسان از دیدگاه حضرت زهرا علیهاالسلام، روابط شایسته با مردم، و خانواده است که فرمود. حدیث ۸۴ قالت: خيارکم الینکم منا کبۃ و اکرمهم لئنائهم (بهترین شما کسانی است که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌تر است و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با همسرانشان مهربان و بخشنده‌اند) [۱۲۳].

زن و زندگی اجتماعی

ز- زن و زندگی اجتماعی، حدیث ۸۷ ز- زن و آرایش، حدیث ۹۶ و ۹۷

روابط سیاسی اجتماعی

خ- خطبه‌های حضرت زهرا علیهاالسلام د- دفاع الف- اخلاق اجتماعی [صفحه ۱۲۰]

روزه

شرائط روزه‌داری

حضرت زهرا علیهاالسلام درباره‌ی شرایط روزه‌داری فرمود: حدیث ۸۵ قالت: ما یصنع الصائم بصیامه اذا لم یصن لسانه و سمعه و بصره و جوارحه (اگر روزه، زبان و گوش و چشم و دست و پای روزه‌دار را از ارتکاب اعمال ناپسند دور نکند، روزه را می‌خواهد چه کند (و به چه دردش می‌خورد؟) [۱۲۴].

روزه‌ی نذری (روزه‌ی شکرگزاری)

وقتی امام حسن و امام حسین علیهماالسلام مریض شدند، حضرت زهرا علیهاالسلام آن دو بزرگوار را در آغوش گرفت و نزد پیامبر صلی الله علیه و آله برد و فرمود: حدیث ۸۶ قالت: ان بریء ولدای مما بهما صمت لله ثلاثه ایام شکرا (اگر فرزندانم شفا یابند، سه روز برای خدا جهت شکرگزاری روزه خواهم گرفت) [۱۲۵]. [صفحه ۱۲۱]

ز

اشاره

زن و زندگی آئین زندگی زن و کار زن و زینت و آرایش [صفحه ۱۲۳]

زن و زندگی اجتماعی

اشاره

ح- حجاب

آن چه برای زنان نیکو است

امام علی علیه السلام می‌فرماید: خدمت پیامبر گرامی اسلام بودیم، آن حضرت پرسید: چه چیزی برای زنان نیکو و رواست؟ حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد: حدیث ۸۷ قالت: خیر للنساء ان لا یرین الرجال و لا یراهن الرجال (آن چه برای زنان نیکو است، اینکه، «بدون ضرورت» مردان نامحرم را نبینند و نامحرمان نیز او را ننگرند) [۱۲۶].

ساده زیستی و کار روزانه فاطمه

روزی پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله وارد منزل فاطمه علیها السلام شد، دخترش را دید که روی زمین نشسته، با یک دست فرزندش را در آغوش گرفته شیر می‌دهد، و با دست دیگر با آسیاب دستی گندمها را آرد می‌کند، اشکک در چشمان رسول خدا صلی الله علیه و آله حلقه زد و فرمود: «یا بنتاه تعجلی مرارة الدنيا بحلاوة الاخرة» (دخترم! تلخی‌ها و مشکلات دنیا را به یاد شیرینی و سعادت بهشت بر خود گوارا ساز) حضرت فاطمه علیها السلام در جواب پدر فرمود: [صفحه ۱۲۴]. حدیث ۸۸ قالت: یا رسول الله، الحمد لله علی نعمائه و الشکر لله علی آلائه (ای رسول خدا! حمد و شکر و سپاس سزاوار خداست، در برابر نعمتهای بیکرانهای او) [۱۲۷].

ساده پوشی

سادگی در لباس

سلمان فارسی می‌گوید: روزی حضرت فاطمه علیها السلام را دیدم که چادری وصله‌دار و ساده بر سر داشت. در شگفتی ماندم و گفتم عجب! دختران پادشاهان ایران و قیصر روم بر کرسیهای طلایی می‌نشینند و پارچه‌های زربفت به تن می‌کنند، وه که این دختر رسول خداست! نه چادرهای گران قیمت بر سر دارد و نه لباسهای زیبا!! فاطمه علیها السلام پاسخ داد: حدیث ۸۹ قالت: یا سلمان! ان الله ذخر لنا الثياب و الكراسی لیوم آخر (ای سلمان! خداوند بزرگ، لباسهای زینتی و تختهای طلائی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است) [۱۲۸].

سادگی زندگی

حضرت زهرا علیها السلام سپس به خدمت پدر رفت و شگفتی سلمان را مطرح فرمود: حدیث ۹۰ قالت: یا رسول الله! ان سلمان تعجب من لباسی [صفحه ۱۲۵] فوالذی بعثک بالحق مالی و لعلی منذ خمس سنین الا مسک کبش نعلف علیها بالنهار بعیرنا و اذا کان اللیل افترشناه و ان مرفقتنا لمن ادم حشوها لیف (ای رسول خدا! سلمان از سادگی لباس من تعجب نمود، سوگند به خدائی که تو را مبعوث فرمود، مدت پنج سال است فرش خانه‌ی ما پوست گوسفندی است که روزها بر روی آن شترمان علف می‌خورد و شب‌ها بر روی آن می‌خوابیم و بالش ما چرمی است که از لیف خرما پر شده است). [۱۲۹].

لحظه‌ای که زن به خدا نزدیک‌تر است

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله از یاران خود پرسید: در کدام لحظه، زن به خدا نزدیکتر است؟ پاسخ مناسبی مطرح نشد، تا

اینکه حضرت زهرا علیها السلام سؤال پدر را شنید و پاسخ داد: حدیث ۹۱ قالت فاطمه علیها السلام: ادنی ما تكون من ربها ان تلزم قعر بیتها (آن لحظه‌ای که زن در خانه‌ی خود می‌ماند «و به امور زندگی و تربیت فرزند می‌پردازد» به خدا نزدیکتر است). [۱۳۰].

زن و آیین زندگی

آ- آیین همسر داری ز- زن و زندگی اجتماعی م- مشکلات اقتصادی م- مبارزه ح- حجاب و پوشش ز- زن و کار الف- اخلاق د- دفاع و مبارزه [صفحه ۱۲۶]

زن و کار

زن و کار روزانه

ام سلمه از امام علی علیه السلام نقل می‌کند: روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد منزل ما شد و از اوضاع و احوال زندگی خانوادگی ما پرسید: حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد: حدیث ۹۲ قالت: یا رسول الله لقد مجلت یدای من الریح اطحن مره و اعجن مره (ای رسول خدا! دستان من با کار کردن با آسیاب سنگی تاول زده و زخم شده است، زیرا گاهی گندم آرد می‌کنم و زمانی آرد را خمیر می‌سازم). [۱۳۱].

هماهنگی زن و شوهر در کار منزل

حضرت زهرا علیها السلام چون دیگر زنان جامعه کار می‌کرد، گندم را با آسیاب دستی آرد می‌نمود، نان می‌پخت، کار روزانه را انجام می‌داد، به بچه‌داری و تربیت کودک توجه کامل داشت، تا آنکه هر دو دست آن یگانه‌ی روزگار زخم شد. ناچار خدمت پدر رفت و فرمود: حدیث ۹۳ فقالت: قد مجلت یدای من الریح، لیلتی جمیعاً اذیر الریح حتی اصبح، و ابوالحسن یحمل حسنا و حسینا (یا رسول الله صلی الله علیه و آله! هر دو دستم به علت آرد کردن گندم با آسیاب دستی ورم کرده و زخم شده است، دیشب را تا به صبح به آرد کردن گندم مشغول بودم و ابوالحسن، فرزندانم، حسن و حسین علیهما السلام را نگهداری می‌کرد). [۱۳۲]. [صفحه ۱۲۷]

تقسیم کار در خانواده

فاطمه علیها السلام در زندگی پر بار خویش، به کار و انجام وظایف خانوادگی و تربیتی توجه کامل داشت، نه تنها کار می‌کرد، و نیازمندیهای خانواده را بر طرف می‌ساخت، بلکه به تقسیم کار در خانواده و تحقق عدالت در محیط کوچک خانه و خانواده نیز اهمیت می‌داد. کارهای خانه و خانواده را بین خود و امیرالمؤمنین علی علیه السلام، و کار روزانه‌ی داخل منزل را نیز بین خود و خدمتکارش فضه، بگونه‌ای مساوی تقسیم می‌کرد. سلمان فارسی می‌گوید: فاطمه‌ی زهرا علیها السلام را دیدم که با دستان مبارک و با آسیاب دستی گندم را آرد می‌کند، جلو رفته پس از سلام، گفتم: ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله! خود را به زحمت مینداز، در کنار شما خدمتکار منزلتان فضه ایستاده است کار منزل را به ایشان واگذار!! حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد: حدیث ۹۴ قالت: اوصانی رسول الهل ان تكون الخدمه لها یوما ولی یوما فکان امس یوم خدمتها و الیوم یوم خدمتی (رسول خدا صلی الله علیه و آله به من سفارش فرمود که کارهای خانه را با فضه تقسیم کنم، یک روز او کار کند و روز دیگر من، دیروز نوبت او بود و امروز نوبت من است). [۱۳۳].

تقسیم کار با همسر

یکی از عوامل شادابی و تکامل خانواده‌ها، تعیین حدود مسئولیت افراد در خانواده است. با تقسیم کار، عدالت اجتماعی در محیط کوچک خانواده سعادت [صفحه ۱۲۸] می‌آفریند، و زن را از دخالت در اموری که سزاوار نیست باز می‌دارد امام باقر علیه‌السلام فرمود: حضرت فاطمه علیها‌السلام کارهای منزل را با حضرت علی علیه‌السلام اینگونه تقسیم کرد که: خمیر کردن آرد، و نان پختن، و تمیز کردن و جارو زدن خانه، به عهده‌ی فاطمه باشد و کارهای بیرون منزل از قبیل، جمع آوری هیزم، و تهیه مواد اولیه‌ی غذایی را بر عهده‌ی علی علیه‌السلام باشد. امام صادق علیه‌السلام فرمود: این تقسیم کار، با رهنمود رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام گرفت. آنگاه که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کارهای داخل منزل را فاطمه علیها‌السلام، و کارهای بیرون منزل را علی علیه‌السلام، انجام دهد، حضرت زهرا علیها‌السلام با خوشحالی فرمود: حدیث ۹۵ قالت: فلا یعلم ما داخلنی من السرور الا الله باکفائی رسول الله تحمل رقاب الرجال (جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم، زیرا رسول خدا مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است، بازداشت). [۱۳۴].

زن و زینت و آرایش

عطر و زینت در نماز

در اسلام، به آرایش و عطر زدن، و استفاده از بوهای خوش، برای شوهر و محارم، یا در منزل، و یا در حالت عبادت و نیایش، سفارش شده و نوعی عبادت است. آنچه نهی شده و سفارش به احتیاط کرده‌اند، استفاده از عطر و [صفحه ۱۲۹] آرایش برای نامحرمان یا در روابط اجتماعی است، که عامل فساد می‌شود و حرام است. در این باره توجه به سفارش حضرت زهرا علیها‌السلام در لحظه‌های واپسین زندگی ضروری است که پس از وضوء گرفتن به «اسماء بنت عمیس» فرمود: حدیث ۹۶ قالت: هاتی طیبی الذی اتطیب به و هاتی ثیابی الی الی فیها، اجلسی عند راسی فاذا جاء وقت الصلوة فاقیمینی فان قمت و الا فارسلی الی علی علیه‌السلام (ای اسماء! عطر مرا، همان عطری که همیشه می‌زنم، و پیراهنی را که همیشه با آن نماز می‌گزارم بیاور و بر بالینم بنشین، هرگاه وقت نماز شد مرا از خواب بیدار کن، اگر بیدار شدم که نماز می‌گزارم و اگر بیدار نشدم، کسی را به دنبال علی علیه‌السلام بفرست تا بیاید). [۱۳۵].

استفاده‌ی دائمی از بوی خوش

ام سلمه می‌گوید: از حضرت زهرا علیها‌السلام پرسیدم که آیا عطر و بوی خوش ذخیره کرده‌ای؟ فرمود: آری. رفت و شیشه‌ی عطری آورد، و مقداری در کف دست من ریخت، بوی خوشی داشت که هرگز نبویده بودم. گفتم: این عطر خوشبو را از کجا تهیه کرده‌ای؟ فرمود: حدیث ۹۷ قالت: هو عنبر یسقط من اجنحة جبرئیل (این عطر، مشکی است که از بال و پر جبرئیل فرو ریخته است). [۱۳۶]. [صفحه ۱۳۰]

تهیه‌ی عطر برای شب عروسی فاطمه

آرایش و عطر زدن برای زنان آنچنان ارزشمند است که هم عبادت به حساب می‌آید و هم مایه‌ی گرمی و شادابی زندگی زناشویی است. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله به اینگونه ظرافت‌های زندگی کاملاً توجه داشت که به عمار یاسر ماموریت داد برای شب عروسی حضرت زهرا علیها‌السلام عطرهای خوشبو تهیه نماید. عمار یاسر می‌گوید: عطر خوبی تهیه کرده به منزل فاطمه علیها‌السلام

بردم، فرمود: حدیث ۹۸ قالت: یا ابا الیقظان ما هذا الطیب؟ (ای عمار یاسر! این عطر چیست؟) گفتم: پدرت رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا امر کرد، تا فراهم نمایم [۱۳۷].

بزرگ زن جهانیان

ف- فضائل فاطمه علیها السلام، حدیث ۱۶۱ و ش- شادی و خشنودی فاطمه علیها السلام، حدیث ۹۹

بزرگ زن بهشتی

ف- فضائل فاطمه علیها السلام، حدیث ۱۶۲ [صفحه ۱۳۱]

س، ش

اشاره

ساده زیستی ح ۸۸ ساده پوش ح ۸۹ و ۹۰ سخن رانیهای فاطمه علیها السلام خ خطبه‌ها سرور و شادی فاطمه علیها السلام ح ۱۶۱ و ۹۹ سکوت سیاسی ح ۱۵۱ سلام فرشتگان ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۶ سلام بر جبرئیل ح ۱۲۲ سلام فاطمه علیها السلام بر فرزندان ح ۲۰۷ سیاست و مبارزات سیاسی م- مبارزات سیاسی د- دفاع ش- شکوه‌ها و- وصیت‌نامه سیاسی شادی فاطمه علیها السلام شادی فرشتگان شعرهای فاطمه علیها السلام شکوه‌ها شفاعت فاطمه شیعیان فاطمه شهادت و شاهد [صفحه ۱۳۳]

شادی و خشنودی

شادی فاطمه از خبر شهادت

نزدیکان پیامبر صلی الله علیه و آله دیده بودند که در هنگامه‌ی وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله صحبت‌های خصوصی و سری بین آن حضرت و فاطمه علیها السلام صورت پذیرفت که در ابتدا، زهرا علیها السلام گریست و در پایان صحبت آن حضرت، شاد و خندان، دانه‌های اشک را پاک می‌کرد. جای سؤال بود که علت گریه، و سبب خنده و شادی چه بود؟ پس از وفات پیامبر صلی الله علیه و آله از حضرت زهرا علیها السلام پرسیدند، جواب داد: علت گریه‌ی نخستین این بود که: حدیث ۹۹ قالت: اخبرنی ان جبرئیل کان یعارضه القران فی کل سنه مره و انه عارضه الان مرتین و انی لاری الاجل قد اقترب فاتقی الله و اصبری. فبکیت و: قال صلی الله علیه و آله یا بنیه انه لیس احد من نساء المسلمین اعظم رزیه منک فلا-تکونی من ادنی امراه صبرا فاخبرنی انی اول اهله لحوقا به فضحکک لذلک (در ابتدا رسول خدا صلی الله علیه و آله به من اطلاع داد که جبرئیل هر سال یک بار قرآن را بمن عرضه می‌فرمود ولی امسال و هم اکنون دو بار عرضه کرد. من مرگ و وفات خود را نزدیک می‌بینم. دخترم با تقوا باش و صبر پیشه کن. من با شنیدن این خبر گریستم. سپس در ادامه‌ی سخن فرمود: دخترم هیچ زنی در مقام و منزلت مانند تو نیست پس در صبر و بردباری مانند کمترین زنان نباش و این را بدان که تو نخستین کسی هستی که به من ملحق خواهی شد. با شنیدن این خبر خوشحال شدم و خندیدم.) [۱۳۸]. [صفحه ۱۳۴]

شادی ملائکه در پیروزی مؤمن

دو نفر از زنان مدینه در یک مساله دینی و عقیدتی اختلاف پیدا کردند، یکی از آنها از دوستان فاطمه علیها السلام و زنی مؤمن، و

دیگری از دشمنان اهل بیت علیهم‌السلام و فاسد بود، نزاع و خصومت را خدمت حضرت زهرا علیها‌السلام کشاندند. آن حضرت پس از شنیدن ادعا و استدلال هر یک، با دلیل و برهان قانع کننده نظر زن مؤمنه را اثبات کرد و ادعای دیگر را باطل دانست، بگونه ای که هر دو نفر پذیرفتند، پس از پایان یافتن اختلاف و نزاع، زن مؤمنه اظهار خوشحالی کرد که حق پیروز شد و باطل محکوم گردید، حضرت زهرا علیها‌السلام فرمود: حدیث ۱۰۰ قالت: ان فرح الملائكة باستظهارك عليها اشد من فرحك و ان حزن الشيطان و مردته بحزنها عنك اشد من حزنها: (همانا شادی فرشتگان در غلبه‌ی تو بر آن زن فاسد بیش از شادی توست و اندوه و نگرانی شیطان و دوستان شیطان در این شکست بیشتر و شدیدتر از آن زن شکست خورده است.) [۱۳۹].

شعرهای فاطمه

شب ازدواج و ستودن شوهر

حضرت زهرا علیها‌السلام در لحظه‌های آغازین زندگی، لب به ستایش شوهر نمونه‌اش گشود و به شناساندن آن بزرگمرد پرداخت و فرمود: [صفحه ۱۳۵] حدیث ۱۰۱ اضحی الفخار لنا و عز شامخ و لقد سمونا فی بنی عدنان ۲ نلت العلا و علوت فی کل الوری و تقاصرت عن مجدک الثقلان ۳ اعنی علیا خیر من وطا الثری ذالمجد و الاءفضال و الاءحسان ۴ فله المکارم و المعالی و الحبا ماناحت الاطیار فی الاغصان (۱). افتخار و عزت والا، از آن ما شد و ما در میان فرزندان «عدنان» سربلند شدیم ۲. تو به بزرگی و برتری رسیدی و از همه‌ی آفریده‌ها والاتر شدی و جن و انس از عظمت تو عقب ماندند ۳. منظوم «علی» است، بهترین کسی که گام بر خاک نهاده است، بزرگوار و دارای احسان و نیکی ۴. والایبهای اخلاقی و بزرگی‌ها از آن اوست، تا آنگاه که مرغان بر شاخه‌ها به ترنم مشغولند.)

استفاده از جاذبه‌ی شعر در تربیت کودک

حضرت زهرا علیها‌السلام آنگاه که کودکان خود را به بازی می‌گرفت، و به تربیت روحی و پرورش جسمی عزیزان خود می‌پرداخت، در قالب زیبای اشعار ادیبانه می‌فرمود: حدیث ۱۰۲ اشبه اباک یا حسن و اخلع عن الحق الرسن ۲ و اعبد الها ذالمنن و لا توال ذالاحن (۱). حسن جان! مانند پدرت علی علیه‌السلام باش و ریسمان را از گردن حق بردار [صفحه ۱۳۶] ۲. خدای احسان کننده را پرستش کن و با افراد دشمن و کینه توز دوستی مکن.) و آنگاه که امام حسین علیه‌السلام را بر روی دست نوازش می‌کرد، می‌فرمود: انت شبیه بابی لست شبیها بعلی (حسین جان تو به پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله شباهت داری و به پدرت علی علیه‌السلام شبیه نیستی.) امام علی علیه‌السلام سخنان فاطمه علیها‌السلام را می‌شنید و لبخند می‌زد. [۱۴۰].

بیان مشکلات اقتصادی

سخاوت و ایثارگری

خبر از شهادت حسین

روزی گرسنه‌ای درب منزل امام علی علیه‌السلام را کوبید و تقاضای کمک کرد. امام علی علیه‌السلام در قالب شعری زیبا، نیازمندی آن گرسنه‌ی بینوا را به حضرت زهرا علیها‌السلام بازگو فرمود و تذکر داد، اگر امکان دارد، کمک مناسبی شود، حضرت زهرا علیها‌السلام با شعر، چنین پاسخ داد: حدیث ۱۰۳ امرک سمع یابن عم و طاعة مابی من لوم و لا وضاعة ۲ اطعمه و لا ابالی الساعة

ارجو اذا اشبعت من مجاعة [۱۴۱]. ۱. فرمان تو را ای پسر عمو بیدرنک اطاعت خواهم کرد، از طرف من تو را این پیشنهاد نه سرزنش و نه ملامتی خواهد بود ۲. هم اکنون این گرسنه را طعام می‌دهم و به یاد آینده خویش نخواهم افتاد و آرزو دارم با شکم گرسنه در راه خدا ایثار کنم پس از آنکه امام بار دیگر تاکید در اطعام گرسنه فرمود، پاسخ داد: [صفحه ۱۳۷] ۱ فسوف اعطيه و لا ابالي و اؤثر الله على عيالي ۲ امسوا جيعا و هم اشبالي اصغرم يقتل في القتال ۳ بکربلاء يقتل باغتيال لقاتليه الويل مع و بال ۴ يهوى به النار الى سفال كبوله زادت على الاكبال ۱. بزودی به این گرسنه طعام خواهم بخشید و از گرسنگی خودم باکی ندارم. برای خدا او را بر فرزندان (گرسنه‌ام) مقدم می‌دارم. ۲. فرزندانم دیشب را گرسنه به روز آوردند، فرزندانی که کوچکترین آنان «حسین» در میدان جنگ کشته خواهد شد. ۳. در کربلا فرزندانم را با حيله و تزوير شهيد می‌کنند وای بر قاتلان او که عذاب دردناک و پستی و خواری بر آنان باد. ۴. آنها که با این جنایت به درجات پست آتش جهنم راه می‌یابند، هر لحظه بر سقوط و خواری آنها افزوده می‌شود. امام در برابر ایثارگری حضرت زهرا علیهاالسلام او را ستود و تشکر کرد، پاسخ شنید: حدیث ۱۰۵ لم یبق مما کان غیر صاع قد دبرت کفی مع الذراع ۲ شبلاى و الله هما جیاع یا رب لا تترکهما ضیاع ۳ ابوهما للخیر ذواصطناع عبل الذراعین طویل الباع ۴ و ما علی راسی من قناع الا عبا نسجتها بصاع ۱. از آنچه در خانه ذخیره کرده بودم، جز به مقدار یک پیمانانه باقی نمانده است. در حالی که دست من «با آرد کردن گندم و گرداندن آسیاب دستی» مجروح گردیده است ۲. به خدا سوگند، فرزندانم هم اکنون گرسنه‌اند. خدایا! آنها را به حال خود وانگذار، که از دست بروند. [صفحه ۱۳۸] ۳. پدرشان علی علیه‌السلام در سخاوت و خوبیها بی‌نظیر است، و آن چه دارد و به دست می‌آورد با دستان بخشنده‌اش به دیگران می‌بخشد. ۴. همه‌ی غذای موجود خانه را در حالی که گرسنه می‌دهم که مقنعه و چادر مناسبی بر سر ندارم مگر عبای ((چادر) کهنه‌ای) که خودم بافته‌ام و (از فراوانی وصله)، اکنون در حال از بین رفتن است [۱۴۲].

در فراق خویش

آنگاه که بیاد پرواز ملکوتی خویش افتاد، خطاب به علی علیه‌السلام فرمود: حدیث ۱۰۶ ابکنی ان بکیت یا خیر هاد و اسبل الدمع فهو یوم الفراق ۲ یا قرین البتول اوصیک بالنسل فقد اصبحا حلیفا اشتیاق ۳ ابکنی و ابکی للیتامی و لا تنسی قتیل العدا بطف العراق ۴ فارقوا اصبحوا یتامی حیاری احلفوا لله فهو یوم الفراق [۱۴۳]. ۱. ای همسر وفا دارم اگر خواستی گریه کنی بر من گریه کن، ای بهترین راهنما و اشکها را سرازیر کن که امروز روز جدایی است. ۲. ای همدم بتول! وصیت می‌کنم تو را به فرزندانم، که همدم شوق و محبت شده‌اند. ۳. بر من و یتیمان (من) گریه کن فراموش نکن کشته‌ی دشمنی‌ها را در سرزمین عراق. در حالیکه بخدا سوگند می‌خورند آن روز، روز جدایی است. ۴. آن جامانندگان در حالی صبح می‌کنند که یتیمان سرگردان (آن بیابانند)، [۱۴۴]. خدای را بر می‌گزینند. آن روز، روز فراق و جدایی است. [صفحه ۱۳۹]

اشعار در غم از دست دادن پیامبر

جهان پس از رحلت پیامبر

پس از دفن جنازه‌ی پاک پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت زهرا علیهاالسلام جهان را پس از غروب آفتاب نبوت این گونه معرفی می‌فرماید: حدیث ۱۰۷ اغبر آفاق السماء و کورت شمس النهار و اظلم العصران ۲ و الارض من بعد النبی کثیبه اسفا علیه کثیره الرجفان ۳ فلیبکه شرق البلاد و غربها و لیبکه مضر و کل یمان ۴ و لیبکه الطور المعظم جوه و البیت ذوالاستار و الارکان ۵ یا خاتم الرسل المبارک ضوؤه صلی علیک منزل القران ۱. افق‌های آسمانها غبار آلود شد و خورشید گرفت و صبح و عصر ما هر دو تاریک

گشت. ۲. و زمین پس از رحلت پیامبر صلی الله علیه و آله اسفناک و اندوهناک او است و سخت بر خود می‌لرزد. ۳. در غم رحلت پیامبر اسلام باید شرق و غرب عالم بگریند و قبیله‌ی مضر و یمان سزاوار است، که اشک ریزد. ۴. و سزاوار است که آسمان کوه عظیم طور و خانه خدا که دارای پرده‌ی کعبه و رکن‌ها است، (بر رسول خدا) بگریند. ۵. ای خاتم پیامبران! که روشنائی تو مبارک است! درود خدای فرستنده‌ی قرآن بر تو باد! [۱۴۵].

دردهای سوزناک

حدیث ۱۰۸ قالت: ۱. قد کان بعدک انباء و هنبه لو کنت شاهدھا لم یکبر الخطب ۲. انا فقد ناک فقد الارض و ابلھا و اختل قومک فاشهدھم فقد نکبوا [صفحه ۱۴۰] ۳ و کل اهل له قربی و منزله عند الاله علی الادین مقترب ۴ ابدت رجال لنا نجوی صدورھم لما مضیت و حالت دونک الترب ۵ تجهمتنا رجال و استخف بنا لما فقدت و کل الارض مغتصب ۶ و کنت بدرا و نورا یستضاء به علیک تنزل من ذی العزۃ الکتب ۷ و کان جبریل بالایات یؤنسنا فقد فقدت فکل الخیر محتجب ۸ فلیت قبلک کان الموت صادفنا لما مضیت و حالت دونک الحجب ۹ انا رزنا بما لم یرز ذو شجن من البریة لا عجم و لا عرب ۱۰ سیعلم المتولی الظلم حامتنا یوم القیمۃ انی سوف ینقلب ۱۱ فسوف نبکیک ما عشنا و ما بقیت منا العیون بتھمال لها سکب ۱۲ و قد زرنا به محضا خلیفته صافی الضرائب و الاعراق و النسب ۱۳ فانت خیر عباد الله کلھم و اصدق الناس حین الصدق و الکذب ۱۴ و کان جبریل روح القدس زائرنا فغاب عنا فکل الخیر محتجب ۱۵ ضاقت علی بلاد بعد ما رحبت و سیم سبطاک خسفا فیہ لی نصب ۱. بعد از تو خبرها و مسائل مختلف و بلاهای در هم پیچیده‌ای پیش آمد که اگر تو می‌بودی آن چنان بزرگ جلوه نمی‌کرد. ۲. ما تو را از دست دادیم، مانند سرزمینی که از باران محروم شود، و قوم تو مختل ماند بیا بین آنها را که (چگونه) از راه منحرف شدند. ۳. هر خاندانی که برای او نزد خدا قرب و منزلتی بود، نزد بیگانگان هم محترم بود (غیر از ما که حرمت ما را در هم شکستند). ۴. مردانی چند از امت تو همین که رفتی و پرده خاک میان ما و تو فاصله انداخت اسرار سینه‌ها را آشکار کردند. ۵. همین که تو رفتی، مردانی دیگر به ما روترش کردند و ما را کوچک شمردند و زمینهای ما غصب شد. ۶. پدر! تو ماه شب چهارده ما و چراغ روشن زندگانی (ما) بودی و از جانب پروردگار بر تو فرامینی نازل می‌شد. [صفحه ۱۴۱] ۷. جبرئیل با آیات قرآنی، مونس ما بود، ولی وقتی تو رفتی، همه‌ی خیرها پوشیده گردید. ۸. ای کاش که پیش از تو مرده بودیم. آنگاه که از میان ما رفتی و خاک ترا در زیر خود پنهان کرد (و پرده و حجابها بین ما فاصله انداخت) ۹. به راستی ما بلادیدگان به مصیبتی گرفتار شدیم که هیچ بلا دیده‌ای نه در عجم و نه در عرب آن چنان مبتلا نگشته است. ۱۰. آن کس که به ستم کردن بر قبیله ما دست زده باشد روز قیامت خواهد دانست که به کجا خواهد رفت! ۱۱. تا زنده‌ایم و چشم داریم، بر تو اشک می‌ریزیم و مثل ابر بهار بر تو می‌گرییم. ۱۲. ما به رفتن کسی مصیبت زده‌ایم که خلقت او بی‌آلایش، اخلاق او بی‌غل و غش، ریشه‌ی تبار او، والا- و نسب او سرآمد انساب است. ۱۳. پس تو (ای پدر) بهترین همه‌ی بندگان و در هنگام سخن گفتن راستگوترین مردم بودی. ۱۴. جبرئیل امین، تا زنده بودی زیارت ما را ترک نمی‌کرد و چون رفتی سایه از ما برگرفت و هر خیری از ما رو پوشانده است. ۱۵. بعد از تو دنیا بر من تنگ شد، پس از آن که گشاده بود و به دو نوهات ستمی روا داشته شد که برای من درد و رنج فراوان دارد. [۱۴۶].

در سوگ پدر، در غروب خورشید نبوت

حدیث ۱۰۹ قالت: ۱. ماذا علی من شم تربة احمد ان لا یشم مدی الزمان غوالیا ۲ صبت علی مصائب لو انها صبت علی الایام صرن لیالیا ۳ نفسی علی زفراتها محبوسۃ یا لیتھا خرجت مع الزفرات ۴ لا- خیر بعدک فی الحیاة و انما ابکی مخافة ان تطول حیاتی ۵ اذا

اشد شوقی زرت قبرک باکی انوح و اشکو لا اراک مجاوبی [صفحه ۱۴۲] ۶ فیا صاحب الصحراء علمتنی البکاء و ذکرک انسانی جمیع المصائب ۷ فان کنت عنی فی التراب مغیبا فما کنت عن قلب الحزین بغائب [۱۴۷]. ۱. آن که بوی خوش تربت (خاک قبر) پیامبر صلی الله علیه و آله را بوییده است، چه می‌شود، اگر در زمان طولانی بوی خوش دیگری نبوید. ۲. باران غم و اندوهی بر جانم ریخته که اگر بر روزهای روشن می‌ریخت، آن روزها مانند (شب تیره و تار) می‌گردید بجانم ریخته چندان غم و درد مصیبتها که گر بر روزها ریزند، گردد تیره چون شبها ۳. (پدر جان!) جانم با آن همه انده و غصه در سینهام حبس شده است، ای کاش با همان اندوهها از بدنم خارج می‌شد. ۴. (پدر جان!) بعد از تو هیچ خیر و نیکی در زندگی نیست، گریه می‌کنم از بیم آن که مبادا بعد از تو زیاد زنده بمانم. ۵. هر وقت اشتیاقم به دیدار تو زیاد می‌شود گریان کنار قبر تو می‌آیم، ناله و زاری می‌کنم و شکوه می‌نمایم، ولی جواب مرا نمی‌دهی. ۶. ای کسی که در دامن خاک آرمیده‌ای! گریه را تو به من آموختی و یاد تو همه مصائب را از یاد من می‌برد. ۷. گر چه در دل خاک از من پنهان شده‌ای، ولی از قلب پر اندوه (من) پنهان نیستی. [۱۴۸].

شکوه‌ها از غروب آفتاب و غربت اسلام

فاطمه علیها السلام در سوگ آفتاب می‌نالد و غربت اسلام را نیز با تلخی نظاره گر است، و خطاب به پدر می‌فرماید: [صفحه ۱۴۳] حدیث ۱۱۰ قالت: ۱ قل صبری و بان عنی غزائی بعد فقدی لخاتم الانبیاء ۲ عین یا عین اسکبی الدمع سحا و یک لا تنجلی بفیض الدماء ۳ یا رسول الاله یا خیره الله و کھف الایتام و الضعفاء ۴ قد بکتک الجبال و الوحش جمعا و الطیر و الارض بعد بکی السماء ۵ و بکاک الحجون و الرکن و المشعر یا سیدی مع البطحاء ۶ و بکاک المحراب و المدرس للقرء آن فی الصبح معلنا و المساء ۷ و بکاک الاسلام اذ صار فی الناس غریبا من سائر الغرباء ۸ لو تری المنبر الذی کنت تلوه علاه الظ لام بعد الضیاء ۹ یا الهی عجل وفاتی سریرا لقد تنغصت الحیاء یا مولائی ۱. صبر و تحمل من کوتاه و عزا و مصیبت من آشکار است، چون خاتم پیامبران را از دست داده‌ام. ۲. دیده! ای اشک بیار، وای بر تو اگر سیل اشک را جاری نسازی! ۳. ای رسول خدا! ای برگزیده‌ی حضرت حق! ای پناه یتیمان و مستضعفان! ۴. کوهها و حیوانات و پرندگان بر تو می‌گریند. زمین هم پس از گریه‌ی آسمان گریست. ۵. آقای من! شهر مکه و رکن و مشعر و سرزمین بطحاء اشکها می‌بارند. ۶. آسمان و محراب و محل درس قرآن بهنگام صبح و (شام) از فراق تو گریه دارند. ۷. و اسلامی که در میان امت تو غریب و تنها مانده است، بر تو می‌گرید. ۸. (پدر جان) اگر منبر(ت) را بنگری، خواهی دید که پس از نور و روشنائی، ظلمت و تاریکی بر آن بالا می‌رود. ۹. خدایا! مرگ مرا زود مقرر فرما. زیرا زندگی دنیا بر من تیره و تاریک شده است. [۱۴۹]. [صفحه ۱۴۴]

پیامبر جاودانه است

حدیث ۱۱۱ ۱ اذا مات یوما میت قل ذکره و ذکر ابی مذمات و الله ازید ۲ تأمل اذا الاحزان فیک تکاثر اعاش رسول الله ام ضمه القبر؟ ۱. هر کس که بمیرد یادش کم می‌گردد، بجز پدرم رسول الله که هر روز یاد او فزونی می‌گیرد ۲. بیندیش، هنگامی که غم و اندوه در جانت فراوان می‌گردد آیا رسول خدا زنده است یا خاک قبر، او را از یادها برده است. [۱۵۰].

شکوه از مصیبت و تنهائی

حدیث ۱۱۲ ۱ قل للمغیب تحت اطباق الثری ان کنت تسمع صرختی و ندائیا ۲ صبت علی مصائب لو انها صبت علی الایام صرن لیالیا ۳ قد کنت ذات حمی بظل محمد لا اخشی من ضیم و کان جمالیا ۴ فالیوم اخشع للذلیل و اتقی ضیمی و ادفع ظالمی بردائیا ۵ فاذا

بکت قمریه فی لیلها شجنا علی غصن بکیت صباحیا ۶ فلا جعلن الحزن بعدک مونسی و لا جعلن الدمع فیک و شاحیا ۷ ماذا علی من شم تربۀ احمد ان لا یشم مدی الزمان غوالیا ۱. بگو به آن که در زیر طبقات زمین پنهان است، آیا صدای ناله و فریاد مرا می شنوی. ۲. مصیبت‌هایی بر من باریدن گرفته که اگر بر روزها می بارید، (روزها) شب می شد. ۳. من در سایه‌ی محمد در حمایت و حفاظت بسر می بردم و از هیچ دشمنی و کینه‌ای نمی ترسیدم و او جمال (و جلوه‌ی) من بود. ۴. امروز در برابر فرومایگان خاضع و باک دارم به من تعدی شود که ظالم را با چادرم دفع می کنم. ۵. اگر قمری، شب هنگام بر شاخه‌ای بگرید، من صبحگاهان می گریم. ۶. بعد از تو حزن و اندوه را مونس خود خواهم ساخت و اشک را اسلحه خود قرار خواهم داد. [صفحه ۱۴۵] ۷. چه باکی است بر کسی که خاک قبر احمد را بوییده در تمام زندگی هیچ عطری را نبوید. [۱۵۱].

اندوه پایدار

حدیث ۱۱۳ ۱ فراقک اعظم الاشیاء عندی و فقدک فاطم ادهی النکول ۲ سابکی حسرة و انوح شجوا علی خل مضی اسناسیلی ۳ الا یا عین جودی و اسعدینی فحزنی دائم ابکی خلیلی ۱. (جدایات پیش من سنگین‌ترین چیزهاست و از دست دادنت، سنگین‌ترین بند است. ۲. از روی حسرت و اندوه، گریه و نوحه خواهم کرد، بر آن محبوبی که رفت و راهم را روشن ساخت. ۳. الا! ای دیده! یاریم کن (تا بگریم)، چرا که اندوهم پیوسته است و بر دوستم می گریم). [۱۵۲].

اشک‌های بی‌قرار

پس از دفن پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله، یگانه دخت رسول خدا صلی الله علیه و آله در کنار قبر پدر از اندوه جانکاه، پایدار سخن گفت و فرمود: حدیث ۱۱۴ ۱ امسی بخدی للدموع رسوم اسفا علیک و فی الفؤاد کلوم ۲ و الصبر یحسن فی المواطن کلها الا علیک فانه معدوم ۳ لا عتب فی حزنی علیک لو انه کان البكاء لمقلتی یدوم ۱. (در اندوه سوگ تو، بخاطر اشک فراوان بر چه‌رام نشانه و بر قلبم جراحت است. ای وای از مرگ تو! ۲. شکیبایی در هر جا شایسته است، مگر بر تو که صبری نیست ۳. بر اندوه من در سوگ تو ملامتی نیست، اگر گریه بر مردمک چشمم تداوم می‌یافت) [۱۵۳]. [صفحه ۱۴۶]

غم بی‌پایان

ورقه بن عبدالله ازدی از حضرت فضا نقل می کند که فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام روزی بر سر قبر پدر اندوهگین نشست، و اینگونه نوحه سر داد: حدیث ۱۱۵ ۱ ان حزنی علیک حزن جدید و فؤادی و الله صب عتید ۲ کل یوم یزید فیه شجونی و اکتبابی علیک لیس یبید ۳ جل خطبی فبان عنی عزائی فبکائی فی کل وقت جدید ۴ ان قلبا علیک یالف صبرا او عزاء فانه لجلید ۱. اندوه من (پیوسته) بر تو تازه است، و قلب من به خدا سوگند عاشقی سرسخت است ۲. هر روز حزن و اندوه من (بر پدرم) تازه می شود و نیاز من برای تو هرگز از بین نمی رود ۳. فاجعه‌ی از دست دادنت بسی بزرگ است و سوگواری‌ام آشکار گشته (و تسلی و بردباری از من دور شده) پس گریه‌ام هر دم تازه است ۴. دلی که در عزا و مصیبت تو صبور باشد، یا تسلیت پذیرد، همانا بسیار شکیبیا و پر طاقت است) [۱۵۴].

شکوه‌های دردآلود و افشاگرانه

شکوه از غضب امامت

از حضرت امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که فرمود: حضرت فاطمه علیها‌السلام از امت ساکت و بی تفاوت، و از ابوبکر و عمر، در پیش پروردگار خود، شکوه‌ها مطرح می‌کرد، و در حالی که اشکهای او جاری بود، می‌فرمود: [صفحه ۱۴۷] حدیث ۱۱۶ قالت: اللهم اليك نشكو فقد نبیک و رسولک و صفيك و ارتداد امته علينا، و منعهم ايانا حقنا الذي جعلته لنا في كتابك المنزل على نبیک المرسل (پروردگارا! بسوی تو شکایت می‌کنم، اندوه از دست دادن پیامبر و فرستاده و برگزیده‌ات را. و به تو شکایت می‌کنم از ارتداد امت پیامبر صلی الله علیه و آله و این که حق را از ما بازداشتند، همان حق «ولایت و رهبری» را که در قرآن کریم، خود بر پیامبر اسلام نازل فرمودی) [۱۵۵].

شکوه از خیانت منافقان کینه توز

ام سلمه می‌گوید: خدمت حضرت زهرا علیها‌السلام رسیدم و پرسیدم: ای دختر رسول خدا! شب را چگونه صبح کردی؟ حالت چگونه است؟ فرمود: حدیث ۱۱۷ قالت: اصبحت بين كمد و كرب، فقد النبى و ظلم الوصى، هتك و الله حجابہ من اصبحت امامته مقتصه على غير ما شرع الله فى التنزيل، و سنهال النبى فى التاويل، و لكنها احقاد بدرية و ترات احديه كانت عليها قلوب النفاق محتملة لامكان الوشاء فلما استهدف الامر ارسلت علينا شآيب الاثار من مخيلة الشقاق، فيقطع وتر الايمان من قسى صدورها، و لبئس على ما وعد الله من حفظ الرسالة و كفالة المؤمنين احرزوا عائدتهم غرور الدنيا بعد انتصار ممن فتك بأبائهم فى مواطن الكروب و منازل الشهادات (صبح کردم در میان حزن شدید و اندوه عظیم، در حالی که پیامبر از دست رفته، و وصی او مظلوم واقع شده است. سوگند بخدا، حشمت و عظمت آن کس دریده و نابود شد که بر خلاف [صفحه ۱۴۸] حکم خدا در قرآن، و سنت و سفارش پیامبر اسلام در تاویل و تفسیر قرآن، حق امام او را غصب کردند و به دیگران سپردند. این گونه برخوردهای خصمانه، از کینه توزیهای جنگ بدر و خونخواهی کشتگان در جنگ احد است که در درون قلب نفاق آمیز و اندیشه فتنه‌انگیزشان پنهان بوده است و تاکنون جرأت اظهار آن را نداشتند تا در آن هنگام که حکومت الهی بازیچه‌ی دست قدرت طلبان گردید و امام بحق، منزوی شد، آتش کینه‌های دیرینه‌شان زبانه کشید و باران مصیبتها و مشکلات را بر ما فرو ریختند، و رشته‌های ایمان را دریدند و نسبت به وعده‌های الهی در حفظ و پاسداری از رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و دفاع از پرهیزگاران و مؤمنان چه زشت، عمل کردند. اما افسوس که در جهت انتقام گرفتن از پدران (مشرک و منافق) خود که در جنگهای اسلامی علیه اسلام جنگیدند، کشته شدند به دنیا روی آوردند، (و فریب دنیا را خوردند) [۱۵۶].

شکوه‌ها و آرزوی مرگ

درباره‌ی شکوه‌ها و غمهای جانکاه حضرت زهرا علیها‌السلام پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله به اصحاب خویش خبر داد و فرمود: دخترم آنچنان در امواج بلاها و مصیبتها، غمناک و نگران می‌شود که دست به دعا برداشته، از خدا آرزوی مرگ و شهادت می‌کند، و می‌گوید: حدیث ۱۱۸ یا رب انى قد سئمت الحياء و تبرمت باهل الدنيا فالحقنى بابى الهى عجل وفاتى سرىعا (پروردگارا! از زندگی خسته و روی گردان شده‌ام و از بندگان دنیا، بلاها و مصیبتهاى ناگوار دیدم، خدایا! مرا به پدرم (رسول خدا) متصل گردان و مرگ مرا زود برسان) [۱۵۷]. [صفحه ۱۴۹]

شکوه‌ها

ف- فدک، حدیث شماره‌ی ۱۵۳ و ۱۵۹ و ۱۶۰ م- مبارزات سیاسی ح- حوریان بهشتی، حدیث ۵۴ شکوه از سلمان فارسی

شفاعت فاطمه

حضرت زهرا علیها السلام درباره‌ی شفاعت از گنهکاران امت فرمود: حدیث ۱۱۹ قالت: اذا حشرت يوم القيامة اشفع عصاة امه النبي صلى الله عليه و آله (آنگاه که روز قیامت برانگیخته شوم، از گنهکاران امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله شفاعت خواهم کرد) [۱۵۸]. ی- یاری و کمک به شیعیان، حدیث ۲۱۱

صفات شیعیان و پیروان اهل بیت

یکی از پیروان اهل بیت علیهم السلام در شهر مدینه همسرش را خدمت حضرت زهرا علیها السلام فرستاد، تا پرسد: آیا شوهرم از شیعیان شما می‌باشد یا نه؟ حضرت زهرا علیها السلام پاسخ کلی داد و فرمود: حدیث ۱۲۰ قالت: ان كنت تعمل بما امرناك و تنتهي عما زجرناك عنه فانت من شيعتنا و الا فلا (اگر به آن چه به شما امر می‌کنیم، عمل می‌کنی و از آن چه شما را بر حذر می‌داریم، دوری می‌کنی از شیعیان مایی و الا هرگز!!) آن شخص پس از شنیدن پاسخی کلی، مضطرب شد و با توجه به ضعفها و [صفحه ۱۵۰] سستی‌های خود گفت: وای بر من که همیشه در آتش جهنم خواهم بود، همسرش نگرانی و زاری او را با سخنان مطرح شده، خدمت حضرت زهرا علیها السلام بازگو نمود. حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد. حدیث ۱۲۱ قالت: قولي له: ليس هكذا شيعتنا من خيار اهل الجنة، و كل محبينا و موالی اوليائنا و معادی اعدائنا، و المسلم بقلبه و لسانه لنا ليسوا من شيعتنا اذا خالفوا او امرنا و نواهينا في سائر الموبقات، و هم مع ذلك في الجنة ولكن بعد ما يطهرون من ذنوبهم بالبلايا و الرزايا او في عرصات القيامة بانواع شدائدها او في الطبقات الاعلی من جهنم بعداها الى ان نستنقذهم بحبنا و نقلهم اءلى حضرتنا ((از من) به همسرت بگو چنین نیست (که او قضاوت کرده است). شیعیان ما از بهترین افراد اهل بهشتند و همه‌ی دوستان ما و دوستان دوستان ما و دشمنان دشمنان ما همه در بهشت خواهند بود. آری کسی که با قلب و زبان تسلیم ما اهل بیت شده، اما از اوامر ما سرپیچی کند و نواهی و موارد پرهیز را محترم نشمرد از شیعیان واقعی ما نخواهد بود گرچه این گروه نیز پس از پاک شدن از گناهان، و تحمل مشکلات روز قیامت و قرار گرفتن اندک زمانی در طبقات بالای جهنم و چشیدن عذاب، اهل بهشت خواهند بود و ما به خاطر دوستی‌شان با ما نجاتشان داده و آنان را به پیشگاه خودمان انتقال خواهیم داد) [۱۵۹]. [صفحه ۱۵۱]

شهادت و شاهد

۱- اولین شهادت باطل در اسلام ف. فدک حدیث ۱۵۴ ۲- آگاهی از شهادت خویش ع. آگاهی از شهادت خویش، حدیث ۱۳۵ و ۱۳۶ و ۱۳۷ ۳- آگاهی از شهادت حسین علیه السلام ع. آگاهی از شهادت خویش، حدیث ۱۳۹ ۴- پرسش از پیامبر صلی الله علیه و آله پیرامون شهادت حسین علیه السلام پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله حوادث تلخ آینده را برای حضرت زهرا علیها السلام توضیح داد، و در تداوم مباحث آینده‌نگری، به شهادت حضرت اباعبدالله علیه السلام اشاره کرد، حضرت فاطمه علیها السلام پرسید: حدیث ۱۲۲ قالت: يا ابته من يقتل ولدي و قره عيني و ثمره فؤادي؟ قال صلى الله عليه و آله شر امه من امتي قالت: يا اباه اقرا جبرئيل عنی السلام و قل له فی ای موضع یقتل؟ قال صلى الله عليه و آله فی موضع یقال له کربلا!! (ای پدر! چه کسی فرزندم و نور چشم و میوه‌ی دلم حسین علیه السلام را شهید می‌کند؟) فرمود: بدترین افراد امت من. بار دیگر پرسید: (ای پدر! سلام مرا به حضرت جبرئیل برسان و از او پرس که در کجا حسین علیه السلام مرا شهید می‌کنند؟) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در سرزمینی که به آن «کربلا» می‌گویند. و در روایت دیگری فرمود: حدیث ۱۲۳ قالت: يا ابه سلمت و رضيت و توكلت على الله [صفحه ۱۵۲] (ای پدر! در برابر خواسته‌های خدا تسلیم و راضی‌ام و بخدا توکل کرده‌ام) [۱۶۰]. ۵- صحبت از شهادت کودکی که متولد نشده بود در

یکی از روزهای بارداری حضرت زهرا علیهاالسلام، پیامبر صلی الله علیه و آله به دخترش اطلاع داد که: حضرت جبرئیل خبرهایی از فرزند تو بما رسانده است که در کربلا به شهادت می‌رسد. فاطمه علیهاالسلام در حالی که در هاله‌ای از غم و اندوه قرار گرفته بود، فرمود: حدیث ۱۲۴ قالت: لیس لی فیه حاجهٔ یا ابهٔ (ای پدر! به چنین کودکی نیاز ندارم) رسول خدا صلی الله علیه و آله ادامه داد که: دخترم این فرزند تو حسین علیه‌السلام است و نه امام معصوم از او پدید می‌آیند که عامل تداوم و بقاء دین خدا می‌باشند حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: قالت: یا رسول الله قد رضیت عن الله عز و جل (ای رسول خدا! از خداوند عزیز و بزرگ راضی و سپاسگزارم) [۱۶۱]. ۶- شاهد شهادت فرزند بودن! هنگام هجوم ناکثان و منافقان به منزل امام علی علیه‌السلام، و دفاع بی نظیر و افشاگرانه‌ی حضرت زهرا علیهاالسلام، که با جوابهای دندان شکن، ادعاهای آنان را باطل و با بیان زلال حقیقت رسوایشان نمود، و چون شیر در برابر صفهای [صفحه ۱۵۳] کینه توزان امروز و فراریان جنگهای دیروز، ایستاد. و یک تنه از حریم حرمت ولایت دفاع کرد، چاره‌ای جز خیانت و رسوایی خود ندیدند که در منزل را به آتش کشند و یگانه دخت پیامبر صلی الله علیه و آله را بین در و دیوار بکوبند. تاریخ ورق خورد، و برگ سیاه ننگ آوری بر پرونده‌ی کودتاگران سقیفه افزوده شد، آری شهادت کودکی که متولد نشده بود، و اسم «محسن» را جلوترها پیامبر گرامی اسلام برای او انتخاب کرده بود، و شاید رمز این انتخاب را در این واقعیت بتوان یافت که: حضرت محسن علیه‌السلام اول شهید خط مقدم دفاع از ولایت است و همه شنیدند که فاطمه علیهاالسلام خطاب به فضا فریاد زد: حدیث ۱۲۵ قالت: یا فضاة الیک فخذینی فوالله لقد قتل ما فی احشائی من حمل (آه ای فضا! مرا دریاب، سوگند به خدا، فرزندی که در شکم داشتم به شهادت رسید). [۱۶۲]. ۷- اشتیاق شهادت ش - شادی فاطمه علیهاالسلام، حدیث ۹۹ [صفحه ۱۵۵]

ص

اشاره

صحیفه‌ی فاطمه علیهاالسلام صدقات (راه‌های مصرف) ح ۱۴۲ صله‌ی رحم ح ۵۷ صبر و بردباری فاطمه علیهاالسلام ح ۱۶۲ [صفحه ۱۵۷]

صحیفه‌ی و کتاب حضرت زهرا

شب نزول صحیفه‌ی زهرا

م - معجزات حدیث ۱۹۸

صحیفه‌ی حضرت زهرا

جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: وارد منزل امام علی علیه‌السلام شدم، صحیفه‌ای «کتابی» در دستان فاطمه علیهاالسلام دیدم، که رنگ سبز زیبای آن مرا به یاد زمرد انداخت، و در آن کتابی قرار داشت به سفیدی و روشنی نور خورشید، گفتم: پدر و مادرم فدای شما، ای دختر رسول خدا! آن چیست که در دستان شما قرار دارد؟ پاسخ داد: حدیث ۱۲۶ قالت: هذا لوح اهداه الله الی ابی رسول الله صلی الله علیه و آله فیه اسم ابی و اسم بعلی و اسم ابنی و اسماء الاوصیاء من ولدی فاعطانیه لیشرنی بذلک (این کتابی است که خداوند آن را به پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله اهداء فرمود، در این کتاب نام پدرم، و نام شوهرم «امام علی علیه‌السلام» و نام دو فرزندم و امامانی که از فرزندانم می‌باشند، نوشته شده است، این کتاب به من هدیه شده است، تا بشارت فرح

بخشی برای من باشد) جابر پرسید: آیا اجازه می‌دهید این کتاب را مشاهده و مطالعه کنم؟ فرمود: نه ممکن نیست، مطالب موجود در این کتاب را فقط پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و امام علی علیه السلام و امامان معصوم علیهم السلام می‌توانند مطالعه نمایند. [۱۶۳]. [صفحه ۱۵۸]

مطالب صحیفه فاطمه از اسرار است

آن چه از روایات اسلامی و توضیحات حضرت زهرا علیها السلام معلوم می‌شود این است که مطالب و مباحث صحیفه فاطمه علیها السلام جزو اسرار الهی است که فقط در اختیار رهبران معصوم علیهم السلام قرار می‌گیرد. جابر بن عبدالله انصاری می‌گوید: خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم، کتاب صحیفه را با رنگی سفید و روشن در دستان مبارک آن حضرت مشاهده کردم، پرسیدم: این کتاب زیبا چیست؟ آیا اجازه می‌دهید آن را مطالعه کنم؟ پاسخ داد: حدیث ۱۲۷ قالت: فیها اسماء الائمه من ولدی یا جابر لو لا النهی لکننت افعول، لکنه قد نهی ان یمسها الا النبی او وصی نبی او اهل بیت نبی [۱۶۴]. (در این صحیفه اسامی امامانی ثبت شده است که همه از فرزندان من می‌باشند. ای جابر! اگر نهی نشده بود که غیر از ما آن را ننگرند، اجازه می‌دادم که مطالعه نمایی، هیچ کس حق ندارد، این صحیفه را مطالعه کند، مگر رسول خدا یا وصی پیامبر صلی الله علیه و آله یا اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

آگاهی جابر از برخی مطالب صحیفه

مطالب و مباحث صحیفه حضرت زهرا علیها السلام جزو اسرار الهی بوده و فقط در اختیار اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشت، اما برخی از اصحاب رسول خدا مانند جابر بن عبدالله انصاری با اجازه حضرت زهرا علیها السلام فقط از مباحث کلی آن تا حدودی اطلاع پیدا کرده و یا برخی از صفحات آن را دیده‌اند. جابر نقل می‌کند: خدمت حضرت زهرا علیها السلام رسیدم، صحیفه نورانی را دیدم. پرسیدم چه کتابی است؟ فرمود: [صفحه ۱۵۹] حدیث ۱۲۸ قالت: هذا لوح اهداه الله الی رسول الله صلی الله علیه و آله فیها اسم ابی و اسم بعلی و اسم ابنی و اسماء الاوصیاء من ولدی فاعطانیه لیسرنی قال جابر، فیه اثنا عشر اسماء قلت اسماء من هولاء؟ قالت: هذه اسماء الاوصیاء اولهم ابن عمی و احد عشر من ولدی آخرهم القائم علیه السلام قال جابر: فرایت فیها محمدا فی ثلاثه مواضع و علیا فی اربعه مواضع. (این کتابی است که خدا آن را به پیامبر صلی الله علیه و آله اهدا فرمود: در این کتاب نام پدرم و شوهرم و اسم دو فرزندم و امامانی که همه از فرزندان من می‌باشند وجود دارد، رسول خدا آن را به من عطا فرمود، تا خوشحالم کند. جابر گفت: دوازده نامی که در این کتاب است چه کسانی می‌باشند؟ فرمود: (این نام‌های جانشینان پیامبر، اول آنها علی علیه السلام و یازده نفر دیگر که همه از نسل من می‌باشند و آخرین آنها حضرت قائم علیه السلام است) [۱۶۵]. جابر می‌گوید: درست که نگاه کردم دیدم نام محمد در ۳ جا و نام علی در ۴ مورد ثبت شده است. راه مصرف صدقات، حدیث ۱۴۲ صلهی رحم، حدیث ۵۷ صبر و بردباری فاطمه علیها السلام، حدیث ۱۶۲ [صفحه ۱۶۱]

ط، ظ، ع

اشاره

طعام بهشتی ح ۱۹۵ و ۱۹۳ طعام (منزل بی طعام) ح ۱۷۹ طهارت کودک ح ۴ ظلم به امام علی علیه السلام ح ۱۷۸ ظلم به فاطمه علیها السلام ح ۱۷۸ ظلم به اهل بیت علیهم السلام ح ۱۷۱ و ۱۷۲ و ۱۷۳ و ۱۷۵ و ۱۷۶ و ۱۷۷ ظلم مهاجرین

و انصار ح ۱۷۴ و ۵۷ و ۱۷۸ عبادت فاطمه علیها السلام عرفان فاطمه علیها السلام علم و ارزش عالم اسلامی علم و آگاهی فاطمه علیها السلام علم بی نهایت [صفحه ۱۶۳]

عبادت فاطمه

ع- عرفان فاطمه علیها السلام از زبان علی علیه السلام، حدیث ۱۳۰ الف - اخلاص در عبادت، حدیث ۶ الف - شب ازدواج، حدیث ۱۲ و ۱۳۰

عرفان فاطمه

۱- خداشناسی فاطمه علیها السلام خ- خداشناسی ۲- ترک دنیا پرستی د- دنیا و دنیازدگی ۳- نزول ملائکه و سلام فاطمه م- معجزات و کرامات، ح ۱۹۷ و ۱۹۸ و ۱۹۶ ۴- شکر در مشکلات و سختیها ز- ساده زیستی و کار روزانه، حدیث ۵۸۸- خداگرائی قبل از تولد در آن روزهای سخت و مصیبت بار آغاز بعثت رسول اکرم صلی الله علیه و آله که از هر طرف، فشارهای اقتصادی و اجتماعی و روانی به خانواده‌ی پیامبر صلی الله علیه و آله تحمیل می‌شد، و دروغگویان بی پروا و بت پرستان بی ایمان، دعوت الهی رسول خدا را تکذیب می نمودند، حضرت خدیجه نگران آینده و تنهایی پیامبر صلی الله علیه و آله، و نیز نگران مصیبت‌ها و چگونگی مقابله با انواع تهاجمات قریش بود. او، دلتنگ و مضطرب نشسته بود که صدای دلنوازی او را آرامش بخشید، فاطمه‌ی زهرا علیها السلام در شکم مادر، به دلداری مادر پرداخت و فرمود: [صفحه ۱۶۴] حدیث ۱۲۹ قالت: یا اماه لا تحزنی و لا ترهیبی فان الله مع ابی (مادر جان! اندوهگین و مضطرب نباش زیرا پروردگار جهانیان یار و یاور پدرم (رسول الله صلی الله علیه و آله) می باشد) [۱۶۶] . ۶- خداگرائی فاطمه علیها السلام در سنین کودکی روزی که حضرت خدیجه علیها السلام از دنیا رفت، حضرت زهرا علیها السلام به دور پدر می چرخید و می پرسید: حدیث ۱۳۰ قالت: یا ابة این امی (پدر جان، مادرم کجاست؟) جبرئیل علیه السلام فرمود: یا رسول الله! سلام ما را به فاطمه برسان، و به او اطلاع بده که مادرش خدیجه در خانه‌های بهشتی با آسیه و مریم زندگی می کند. وقتی این بشارت را حضرت زهرا علیها السلام شنید، فرمود: قالت: ان الله هو السلام و منه السلام و الیه السلام (بدرستی که خدا حقیقت سلام است و از اوست سلام و سلام به سوی اوست) [۱۶۷] . ۷- عرفان فاطمه از زبان علی علیه السلام پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله پس از ازدواج حضرت علی علیه السلام و فاطمه علیها السلام، و سپری شدن مراسم عروسی، ابتدا از علی علیه السلام پرسید: همسرت فاطمه علیها السلام را چگونه یافتی؟ امام پاسخ داد: [صفحه ۱۶۵] نعم العون علی طاعة الله (خوب یار و یآوری است در اطاعت کردن از خدا) سپس از دخترش پرسید: شوهرت را چگونه یافتی؟ فرمود: حدیث ۱۳۱ قالت: خیر بعل (بهترین شوهر است) [۱۶۸] .

ارزش علم و عالم اسلامی

ارزش پرسش و پاسخ

امام علی علیه السلام نقل کرد که روزی یکی از زنان مدینه خدمت زهرا علیها السلام رسید و گفت: مادر پیری دارم که در مسائل نماز سئوالاتی دارد، و مرا فرستاده تا مسائل شرعی نماز را از شما بیروم حضرت زهرا علیها السلام فرمود: بپرس. و آنگاه مسائل فراوانی مطرح کرد و پاسخ شنید در ادامه‌ی پرسشها، آن زن خجالت کشید و گفت: ای دختر رسول خدا صلی الله علیه و آله! بیش از این نباید شما را به زحمت اندازم حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: حدیث ۱۳۲ قالت: هاتی و سلی عما بدا لک، ارایت من

اکتری یوما یصعد الی سطح بحمل ثقیل و کراه مائة ألف دینار یتقل علیه؟ قالت: لا. [صفحه ۱۶۶] فقالت: اکثریت انا بکل مسألة باکثر من ملء ما بین الثری الی العرش لؤلؤا فاحری ان لا یتقل علی (باز هم بیا و آن چه سؤال داری بپرس. آیا اگر کسی را روزی اجیر نمایند که بار سنگینی را به بام ببرد و در مقابل صد هزار دینار طلا مزد بگیرد، چنین کاری برای او دشوار است؟ گفت: خیر، حضرت ادامه داد: من هر مساله‌ای را که پاسخ می‌دهم، بیش از فاصله‌ی بین زمین و عرش گوهر و لؤلؤ پاداش می‌گیرم، پس سزاوارتر است که بر من سنگین نیاید) [۱۶۹].

ارزشمندی یک حدیث

شخصی از مؤمنین مدینه روایتی را از حضرت زهرا علیهاالسلام درخواست نمود، حضرت به فضا فرمود، آن روایت را که بر کاغذی نوشته شده است بیاور، پس از جستجوی فراوان اطلاع داد که روایت مورد نظر گم شده است حضرت زهرا علیهاالسلام ناراحت شده فرمود: حدیث ۱۳۳ و یحکک اظلیبها فانها تعدل عندی حسنا و حسینا (وای بر تو، بگرد و پیدا کن، زیرا ارزش معنوی این حدیث نزد من برابر با ارزش حسن و حسین علیهماالسلام است) [۱۷۰]. با توجه به این رهنمود ارزشمند، نکات ظریفی نسبت به ارزش علم و تحقیقات اسلامی برای ما روشن می‌شود، مانند: ۱- حضرت زهرا علیهاالسلام تمام روایات و احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله را می‌نوشت. ۲- احادیث نوشته شده را طوری نگهداری می‌فرمود که زود متوجه می‌شد، فلان روایت در جای خود قرار دارد یا نه؟ (سیستم بایگانی روایات داشت). [صفحه ۱۶۷] ۳- آیا در جهان علم می‌توان کسی را سراغ داشت که ارزش یک روایت را با ارزش فرزندانش، همانند امام حسن و امام حسین علیهماالسلام برابر بدانند؟

علم و آگاهی حضرت زهرا

آگاهی از زمان شهادت

روایت اسماء

اسماء بنت عمیس، همسر جعفر طیار می‌گوید: هنگام شهادت حضرت زهرا علیهاالسلام در کنار او بودم. به من فرمود: حدیث ۱۳۴ ان جبرئیل اتی النبی لما حضرته الوفاة بکافور من الجنة، فسمه اثلاثا، ثلثا لنفسه، و ثلثا لعلی و ثلثا لی و کان اربعین درهما فقالت یا اسماء ایتنی ببقیة حنوط والدی فضعیه عند راسی و انتظرنی هنیئة ثم ادعینی فان اجبتک و الا فاعلمی انی قد قدمت علی ابی [۱۷۱]. (هنگام وفات پیامبر صلی الله علیه و آله، حضرت جبرئیل، مقداری از کافور بهشتی برای رسول خدا آورد پیامبر صلی الله علیه و آله آن را سه قسمت کرد. یک قسمت آن را برای خود برداشت، و قسمت دیگر آن را به علی علیه‌السلام و قسمت آخر را برای من گذاشت که (وزن) آن چهل درهم بود. ای اسماء آن مقدار کافور را بیاور و کنار سرم بگذار، اندکی صبر کن و در انتظار من باش سپس مرا صدا بزن، اگر جواب تو را ندادم، بدان که به پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله ملحق شده‌ام) اسماء می‌گوید: اندکی صبر کردم و آنگاه فاطمه علیهاالسلام را صدا زدم، جوابی نشنیدم، دانستم که به ملکوت اعلی پیوسته است.

روایت سلمی

«سلمی ام بنی رافع» نقل می‌کند که: [صفحه ۱۶۸] در لحظه‌های واپسین زندگانی حضرت زهرا علیهاالسلام در خدمتش بودم، آبی برای غسل و شستشوی بدن خواست. فوراً آماده کردم. سپس فرمود: لباسهای تازه‌ی مرا بیاورید. لباسهای آن حضرت را آوردم،

آنها را پوشید و وارد اطاق خود شد، و در بستر استراحت رو به قبله قرار گرفت، آنگاه خطاب به من فرمود: حدیث ۱۳۵ قالت: یا امه، انی مقبوضه الان، انی قد فرغت من نفسی و انی قد اغتسلت فلا یکشفنی احد (ای مادر! من در همین لحظه، قبض روح می‌شوم و به سوی پروردگارم خواهم رفت، بدرستی که از جانم فارغ شدم. من غسل کرده‌ام (و با لباسهای پاکیزه آرمیدم)، پس هیچکس لباس از تن من برنگیرد) [۱۷۲]. پس از آن دست راست خود را زیر سر نهاد، و روی به قبله آرمید و جان به جان آفرین تسلیم فرمود.

آگاهی از لحظه شهادت

روایت ابن عباس

ابن عباس نقل می‌کند: حضرت زهرا علیهاالسلام در لحظه‌های واپسین شهادت، دست حسن و حسین علیهماالسلام را گرفت و به طرف قبر رسول خدا شتافت، سپس بین قبر و منبر پیامبر صلی الله علیه و آله دو رکعت نماز خواند، پس از نماز، حسن و حسین علیهماالسلام را در آغوش خود فشرد و با آنها وداع نمود و فرمود: پدرتان علی علیه‌السلام در حال نماز خواندن است، پیش پدر بمانید. آنگاه خود به سوی منزل حرکت کرد، همسر جعفر طیار «اسماء» را صدا زد و فرمود: [صفحه ۱۶۹] حدیث ۱۳۶ قالت: لا تفاقدینی فانی فی هذا البیت واضعه جنبی ساعه، فاذا مضت ساعه و لم اخرج فنادینی، فان اجبتک فادخلی و الا فاعلمی انی الحقت برسول الله صلی الله علیه و آله (ای اسماء! جایی نمی‌روم، در این اطاق ساعتی استراحت می‌کنم. پس از گذشت یکساعت، اگر از اطاق بیرون نیامدم، مرا صدا کن. اگر جوابت دادم وارد شو، اما اگر پاسخی نشنیدی بدان که به رسول خدا صلی الله علیه و آله پیوسته‌ام (و از این دنیا بار سفر بستم)) [۱۷۳].

راز گوئی با همسر

حضرت زهرا علیهاالسلام در ساعات آخر زندگانی خویش با امام علی علیه‌السلام رازی را افشا کرد، و از لحظه‌های وفات خویش خبر داد: حدیث ۱۳۷ قالت: یا اباالحسن، رقدت الساعه فرایت حبیبی رسول الله صلی الله علیه و آله فی قصر من الدر الابيض، فلما رآنی قال صلی الله علیه و آله: «هل می الی یا بنیه فانی الیک مشتاق» فقلت و الله انی لاشد شوقا منک الی لقائک، فقال: «انت اللیلة عندی» و هو الصادق لما وعد و الموفی لما عاهد (ای اباالحسن! در همین ساعت به خواب رفته بودم، محبوبم، رسول خدا را در قصری از مروارید سفید دیدم، چون مرا دید، فرمود: دخترم! به نزد من بشتاب که سخت مشتاق توام، پاسخ دادم: سوگند به خدا، اشتیاق من برای زیارت شما شدیدتر است، در این هنگام پدرم فرمود: تو امشب در پیش ما خواهی بود، رسول خدا آن چه وعده دهد، راست است و به آن چه عهد و پیمان بنده وفا می‌کند.) [۱۷۴].

آگاهی از شهادت حسین در کربلا

در زمزمه‌های شاعرانه، از مشکلات اقتصادی، و سپس به شهادت [صفحه ۱۷۰] حضرت ابا عبدالله علیه‌السلام در کربلا، اشاره می‌فرماید: حدیث ۱۳۸ امسوا جیاعا و هم اشبالی اصغرهم یقتل فی القتال ۲ بکربلا یقتل باغتيال لقاتیه الویل مع و بال ۱- فرزندانم دیشب را گرسنه به روز آوردند، کوچکترین آنان («حسین») در میدان جنگ کشته می‌شود. ۲- در کربلا فرزندانم را با حيله و تزویر شهید می‌کنند، نکبت و عذاب بر قاتلان باد [۱۷۵].

علم بی نهایت

عمار یاسر نقل می‌کند: روزی حضرت فاطمه علیها السلام خطاب به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حدیث ۱۳۹ ادن لاحدثک بما کان و بما هو کائن و بما لم یکن الی یوم القیامه حین تقوم الساعه ((علی جان!) نزدیک بیا تا اطلاع دهم، شما را از آن چه در گذشته اتفاق افتاد و آن چه در حال به وقوع پیوستن است و آن چه در آینده رخ خواهد داد. [۱۷۶].

آگاهی از حوادث تلخ آینده

هنگام وفات غمبار رسول خدا صلی الله علیه و آله، تا سخنان پدر را شنید که فرمود: برای فرزندانم گریه می‌کنم «ابکی لذریتی» حضرت زهرا علیها السلام بشدت گریست. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دخترم گریه مکن، آرام باش! حضرت فاطمه علیها السلام پاسخ داد: [صفحه ۱۷۱] حدیث ۱۴۰ لست ابکی لما یصنع بی من بعدک ولکنی ابکی لفراقک یا رسول الله ((پدرم) برای آن چه بعد از تو بر ما روا می‌دارند، گریه نمی‌کنم، بلکه گریه‌ی من از فراق و دوری تو است ای رسول خدا!!) [۱۷۷].

اطلاع از شهادت

بعضی در مبارزه و دفاع، از آینده‌ی خویش بی‌خبرند، و گروهی نمی‌دانند که سرنوشت آنها در جهاد و مبارزه به کجا می‌انجامد؟ اما یگانه دخت پیامبر صلی الله علیه و آله از آینده‌ی دفاع و مبارزه‌ی خویش با خبر بود، و از شهادت خود خبر می‌داد؟ روزی به امام علی علیه السلام فرمود: حدیث ۱۴۱ قالت: یا ابالحسن ان رسول الله صلی الله علیه و آله عهد الی و حدثنی انی اول اهلہ لحوقا به و لابد منه فاصبر لامر الله تعالی و ارض بقضائه (ای ابالحسن! همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله با من پیمان بسته و خبر داده است که من اول کسی خواهم بود که به آن حضرت می‌پیوندم و گریزی از آن نیست، در برابر او امر و فرمان و خواست خداوند بزرگ بردبار و به حکم او راضی باش.) [۱۷۸]. [صفحه ۱۷۳]

علم بی نهایت

حدیث ۱۳۹

غ، ف**اشاره**

غدیر خم ح ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ غذا خوردن (آداب) ح ۳۰ غذای بهشتی ح ۱۹۵ و ۱۹۳ غم و اندوه عزای پیامبر صلی الله علیه و آله ح ۳۶ تا ۴۳ غصب خلافت ح ۱۱۶ و ۱۰۸ و ۱۵۹ و ۱۱۷ غصب حق اهل بیت علیهم السلام ح ۱۷۸ غنائم جنگی (راه مصرف) ح ۱۴۷ فدک و دفاعیات سیاسی فدک و پیامبر صلی الله علیه و آله فدک و غصب غاصبان فدک و یاری خواستن از مسلمانان فضائل فاطمه علیها السلام [صفحه ۱۷۵]

ماجرای سیاسی فدک**فدک، حق الهی فاطمه**

پس از استقرار حکومت کودتائی سقیفه، ابوبکر، بر اساس مشورت با صاحب نظران خود، فدک را که رسول خدا صلی الله علیه و آله در دوران زندگانی خود به امر الهی به فاطمه علیها السلام بخشیده بود، غصب و کارگران آن حضرت را بیرون کرده و آن مزرعه را در اختیار خود گرفت. حضرت زهرا علیها السلام برای اثبات حقانیت خویش چنین فرمود: حدیث ۱۴۲ قالت: اما فدک فان الله عزوجل انزل علی نبیه قرآنا یامر فیه باتیان حقى قال الله تعالى «فآت ذاللقربی حقه» فکنت انا و ولدی اقرب الخلائق الی رسول الله صلی الله علیه و آله فنحلنی و ولدی فدکا فلما تلا علیه جبرئیل علیه السلام «و المسکین و ابن السبیل». فقال رسول الله صلی الله علیه و آله: الیتامی: الذین یاتمون بالله و برسوله و بذی القربی و المساکین: الذین اسکنوا معهم فی الدنیا و الاخره و ابن السبیل: الذی یسلک مسلکهم قال عمر: فاذا الخمس و الفیء کله لکم و لموالیکم؟ فقالت: اما فدک، فواجبها الله لی و لولدی دون موالینا و شیعتنا و اما الخمس فقسمة الله لنا و لموالینا و اشیاعنا کما یقرا فی کتاب الله. قال: فما لسائر المهاجرین و الانصار و التابعین؟ [صفحه ۱۷۶] قالت: ان کانوا موالینا و من اشیاعنا فلهم الصدقات الی قسمها الله و اوجبها فی کتابه فان عز و جل رضی بذلك و رسوله رضی به قسم علی الموالاة و المتابعة لا علی المعاداة و المخالفة، و من عادانا فقد عادى الله و من خالفنا فقد خالف الله و من خالف الله فقد استوجب من الله العذاب الالیم و العقاب الشدید فی الدنیا و الاخره قال: هاتی بینة یا بنت محمد علی ما تدعین. قالت: قد صدقتم جابر بن عبدالله و جریر بن عبدالله، لم تسالوهما البینه، و بیتتی فی کتاب الله (اما درباره فدک، همانا خداوند بزرگ قرآن را بر پیامبرش نازل فرمود، و در آن امر کرد که حق من داده شود. «آت ذالقربی حقه». چون من و فرزندانم نزدیکترین مردم به پیامبر صلی الله علیه و آله بودیم. رسول خدا فدک را به من و فرزندانم اعطا فرمود و آن گاه که حضرت جبرئیل آیهی «درماندگان و مسافران» [۱۷۹] را بر پیامبر اسلام تلاوت کرد، پدرم فرمود: «یتیمان و مساکین» کسانی هستند که در سایه سار بارگاه الهی دست بر دامان پیامبر خدا و خاندانش دارند و با فاطمه و فرزندان او زندگی می کنند در دنیا و آخرت، و «ابن السبیل» آنهایند که را اهل بیت علیهم السلام را می روند) عمر (با حالت اعتراض) گفت: پس خمس و غنائم جنگی و اموال عمومی کشور همه مال شما و پیروان شماست؟! پاسخ داد: (اما باغهای فدک، خداوند در قرآن (بخشیدن) آن را به من و فرزندانم واجب کرده است، غیر از پیروان و شیعیان ما. اما خمس را خداوند برای ما و عموم پیروان و شیعیان ما تقسیم فرموده است، همان گونه که در قرآن خوانده می شود) [صفحه ۱۷۷] (عمر) دیگر بار پرسید: پس سهم دیگر مهاجرین و انصار و تابعین چیست؟ فاطمه علیها السلام توضیح داد: (آنها اگر پیروان و شیعیان ما باشند، از صدقات مشخص شده در کتاب خدا بهره مند می باشند. خداوند بزرگ و پیامبرش به این گونه تقسیم اموال عمومی رضایت داده اند که میزان بهره بردن از اموال عمومی، دوستی و اطاعت از خدا و اهل بیت علیهم السلام است نه دشمنی و مخالفت، و (آگاه باشید) هر کس با ما دشمنی کند با خدا دشمنی کرده است. هر کس با ما مخالفت کند با خدا مخالفت کرده است و آن کس که با خدا دشمنی و مخالفت کند، عذاب دردناک و مجازات شدید از ناحیهی خداوند در دنیا و آخرت بر او واجب می گردد.) عمر (خود را به بیراهه زده، پس از شنیدن اینهمه آیات و استدلالهای روشن قرآنی) گفت: ای دختر محمد! برای ادعای خود دلیل و مدرک بیاور! حضرت فاطمه علیها السلام جواب داد: (شما جابر بن عبدالله و جریر بن عبدالله را قبول دارید و سخن آنان را تصدیق می کنید و از آنها دلیل و مدرک نمی خواهید «هر چه خواستند و گفتند و پذیرفتید و به آنها دادید» (چه شده است که از من دلیل و بینه می طلبید؟) مدرک من در قرآن است.) [۱۸۰].

مطالبه ی حق از ابوبکر

حضرت زهرا علیها السلام در مطالبه ی حق خود نسبت به فدک، خطاب به ابوبکر فرمود: حدیث ۱۴۳ قالت: ان رسول الله صلی الله علیه و آله جعل لی فدک فاعطنی ایاها (پیامبر اسلام فدک را برای من قرار داده است فدک را بمن برگردانید.) [۱۸۱]. و در سخنان ارزشمند دیگری فرمود: [صفحه ۱۷۸] حدیث ۱۴۴ قالت: یا ابابکر لم تمنعنی میراثی من ابی رسول الله و اخرجت و کیلی من

فدک و قد جعلها لی رسول الله صلی الله علیه و آله بامر الله تعالی (ای ابوبکر! چرا مانع رسیدن من به میراث پدرم می‌شوی؟ و کارگزاران مرا از فدک بیرون کردی؟ در صورتی که رسول خدا به امر پروردگار فدک را به من بخشیده است.) [۱۸۲].

کیفیت اعطای فدک به فاطمه

وقتی آیهی «و آت ذالقربی حقه» نازل شد، جبرئیل به رسول خدا عرض کرد: «اعط فاطمه فدکا» ((یا رسول الله) فدک را به فاطمه علیها السلام عطا کن) پیامبر اسلام، نزول آیه و امر الهی را به فاطمه‌ی زهرا علیها السلام ابلاغ فرمود و ادامه داد: فیمنعوک ایاه من بعدی (دخترم! فدک مال تو است، در آن تصرف نما، گرچه می‌دانم، پس از من آن را غصب می‌کنند و از دست تو می‌گیرند) حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: حدیث ۱۴۵ قالت: لست احدث فیها حدثا و انت حی انت اولی بی من نفسی و مالی لک... انفذ فیها امرک ((ای رسول خدا) تا زنده‌ای من هرگز در (باغات) فدک تصرفی نخواهم کرد. تو بر من سزاوارتری و اموال من، مال تو است، اما برای اثبات حق من در فدک، مدرک و سند آن را محکم و استوار فرما) [صفحه ۱۷۹] آنگاه رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله مردم را در منزل خویش جمع کرد و حکم الهی را به همگان ارائه فرمود. [۱۸۳].

سند فدک را پیامبر نوشت

امام باقر علیه السلام نقل فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول آیهی «ذی القربی» فاطمه‌ی زهرا را طلبید و سند فدک را به اسم آن حضرت نوشت. که پس از غصب فدک، آن را به ابوبکر نشان داد و فرمود: حدیث ۱۴۶ قالت: هذا کتاب رسول الله صلی الله علیه و آله لی و لابنی [۱۸۴]. (این نامه را رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من و فرزندانم نوشته است)

بشارت اعطای فدک به فاطمه و فرزندان فاطمه

انس بن مالک نقل می‌کند: حضرت زهرا علیها السلام پس از غصب باغهای فدک خطاب به ابوبکر فرمود: حدیث ۱۴۷ قالت: لقد علمت الذی ظلمتنا عنه اهل البیت من الصدقات و ما افاء الله علینا من الغنائم فی القرآن من سهم ذوی القربی «و اعلموا انما غنمتم من شیء فان لله خمس و للرسول و لذی القربی» [۱۸۵]. قال ابوبکر: یسلم الیکم کاملا؟ قالت: افلک هو؟ و لا قربانک؟ [صفحه ۱۸۰] قال ابوبکر: اصرف فی مصالح المسلمین قالت: لیس هذا حکم الله تعالی ان رسول الله صلی الله علیه و آله لم یعهد الی فی ذلک بشیء الا انی سمعته یقول لما انزلت هذه الآیة «و اعلموا انما غنمتم...» ابشروا آل محمد فقد جاءکم الغنی قال ابوبکر: لم یبلغ علمی من هذه الآیة ان اسلم الیکم هذا السهم کله کاملا. ((ای ابوبکر!) تو می‌شناسی و می‌دانی که حق ما اهل بیت غصب شده است. حقی که از صدقات و غنائم داریم که خداوند در آیه مربوط به غنائم و مصرف خمس آن را توضیح داده است «اگر بخدا و آنچه بر بنده‌ی خود در روز فرقان که دو گروه بهم رسیدند، نازل کردیم، ایمان آورده‌اید، بدانید هرگاه چیزی را به غنیمت گرفتید، خمس آن برای خداوند و پیامبر و خویشاوندان و یتیمان و مسکینان و در راه ماندگان است» ابوبکر گفت: آیا فدک را بطور کامل باید تسلیم شما کنم و (مال شماست؟) حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد: (آیا فدک مال تو است؟ و یا به نزدیکان تو اختصاص دارد؟) ابوبکر گفت: من آن را در رابطه با مصالح مسلمین خرج می‌کنم. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: (این حکم الهی نیست (که اموال مشخص مردم را تصاحب کنی) و پدرم رسول خدا چنین دستوری بمانند داده است. در صورتی که از پدرم رسول خدا صلی الله علیه و آله پس از نزول آیه ۴۱ انفال شنیدم که فرمود: بشارت باد ای فرزندان محمد صلی الله علیه و آله که مایه‌ی غنا و بی‌نیازی شما رسیده است.) ابوبکر که دیگر عذری نمی‌توانست بیاورد، به تفسیر شخصی خویش متوسل شد و گفت: علم من اجازه نمی‌دهد که طبق این آیه، فدک را تماما به شما تحویل دهم. [۱۸۶]. [صفحه ۱۸۱] جای بسی شگفتی است، رسول گرامی اسلام صلی الله علیه

و آله پس از نزول همین آیه، فدک را به فاطمه علیهاالسلام می‌بخشد، اما علم ابوبکر برای قرآن و فرمان الهی و عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله، اجازه نمی‌دهد تا دست از غضب فدک بردارد؟!

فدک میراث پیامبر و اموال فاطمه است

مطالبه‌ی میراث پیامبر

جابر بن عبدالله انصاری نقل می‌کند که حضرت زهرا علیهاالسلام پس از غضب فدک به ابوبکر فرمود: حدیث ۱۴۸ قالت: اعطنی میراثی من ابی رسول الله صلی الله علیه و آله (میراث پدرم را به من بازگردان). ابوبکر گفت: پیامبر ارث نمی‌گذارد: «النسی لا یورث» فقالت: الم یرث سلیمان داود؟ (آیا سلیمان (پیغمبر) از داوود پیغمبر ارث نبرده است؟) [۱۸۷]. ابوبکر عصبانی شد و پاسخ داد: «پیامبر ارث نمی‌گذارد» فقالت: الم یقل زکریا فهب لی من لدنک ولیا یرثی و یرث من آل یعقوب؟ [۱۸۸]. (آیا زکریای پیامبر نفرمود که خدایا فرزندی به من عطا فرما تا از من و آل یعقوب ارث ببرد؟) ابوبکر تکرار کرد که «پیامبر ارث نمی‌گذارد» فقالت: الم یقل یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین؟ [۱۸۹]. حضرت زهرا علیهاالسلام ادامه داد که: [صفحه ۱۸۲] (ای ابوبکر! آیا قرآن کریم نفرموده است که خدا وصیت کرده در فرزندان شما، پسر دو برابر دختر ارث می‌برد؟) «پس ارث دختر از پدر غیر قابل انکار است» و ابوبکر همان سخن اول خود را که مخالف آیات قرآن بود تکرار کرد که «پیامبر ارث نمی‌گذارد». [۱۹۰].

اثبات ارث با آیات قرآن

حضرت زهرا علیهاالسلام وقتی غضب فدک را محکوم کرد، از ابوبکر پرسید: چرا ارث مرا از رسول خدا غضب کردید؟ ابوبکر پاسخ داد: پیامبر ارث نمی‌گذارد. حضرت فاطمه علیهاالسلام با آیات قرآن ادعای او را مردود شمرد و فرمود: حدیث ۱۴۹ قالت: اکفرت بالله؟ و کذبت بکتابه؟ قال الله: یوصیکم الله فی اولادکم للذکر مثل حظ الانثیین ((ابوبکر!) آیا به خدا کافر شده‌ای و کتاب خدا را تکذیب کرده‌ای؟ خداوند در قرآن کریم فرموده است: وصیت می‌کند خداوند شما را درباره‌ی فرزندانان که پسر دو برابر دختر ارث می‌برد). [۱۹۱].

اثبات ارث با مناظره و استدلال عقلی و شرعی

حضرت زهرا علیهاالسلام پس از غضب فدک در یک مناظره‌ی کوبنده از ابوبکر سؤال کرد: [صفحه ۱۸۳] حدیث ۱۵۰ قالت: یا ابابکر من یرثک اذا مت؟ (ای ابوبکر چه کسی از تو ارث می‌برد، هنگامی که مردی؟) ابوبکر پاسخ داد: (زن و فرزندانم) حضرت زهرا علیهاالسلام ادامه داد: فمالی لا ارث رسول الله صلی الله علیه و آله؟ (پس چه شده است که من (دختر رسول خدا) از پدرم ارث نمی‌برم؟) ابوبکر پاسخی نداشت. فقط ادعای خود را مطرح کرد که «پیامبر ارث نمی‌گذارد» حضرت زهرا علیهاالسلام در حالی که خشمی مقدس همه‌ی وجود او را گرفته بود، فرمود: حدیث ۱۵۱ قالت: و الله لادعون الله علیک و الله لا اکلمک بکلمة ما حییت (سوگند به خدا تو را نفرین می‌کنم، سوگند به خدا تا زنده‌ام کلمه‌ای با تو صحبت نخواهم کرد) [۱۹۲].

مناظره‌ی کوبنده و اولین شهادت باطل

امام صادق علیه‌السلام نقل فرمود: پس از غضب فدک با ادعای ساختگی ابوبکر که «پیامبر ارث نمی‌گذارد»، حضرت زهرا علیهاالسلام خطاب به ابوبکر فرمود: حدیث ۱۵۲ قالت: یا ابابکر ادعیت انک خلیفة ابی و جلست مجلسه و انک بعثت الی [صفحه

[۱۸۴] و کیلی فاخرجه من فدک و قد تعلم ان رسول الله صلی الله علیه و آله تصدق بها علی و ان بذلک شهودا قال ابوبکر: ان النبی لا یورث. قالت: زعمت ان النبی صلی الله علیه و آله لا یورث، «و ورث سلیمان داود» [۱۹۳]. و ورث یحیی زکریا و کیف لا ارث انا ابی؟ قال ابوبکر ان عائشه و عمر شهدا انهما سمعا رسول الله صلی الله علیه و آله یقول ان النبی لا یورث. (ای ابوبکر! ادعای خلافت و جانشینی پدرم را داری و بر جای او نشسته‌ای و آنگاه افرادی را به سوی و کیل من در فدک فرستادی و او را بیرون کردی! در حالی که خوب می‌دانی رسول خدا صلی الله علیه و آله فدک را به من بخشیده است و من بر این بخشش گواهی دارم.) ابوبکر گفت: پیامبر ارث نمی‌گذارد. حضرت زهرا علیها السلام برای اثبات ارث بردن پیامبران از یکدیگر از آیات قرآن استفاده کرد و فرمود: (و گمان داری که پیامبر ارث نمی‌گذارد. در صورتی که در قرآن آمده است: «حضرت سلیمان از داوود پیامبر ارث برد» و حضرت یحیی از زکریا ارث برده است، چگونه من از پدرم ارث نمی‌برم؟) ابوبکر که جوابی نداشت، گفت: (عائشه و عمر شهادت می‌دهند که رسول خدا فرمود: پیامبر ارث نمی‌گذارد «ناگهان از حدیث جعلی به شهادت آن دو تن تنزل کرد» حضرت زهرا علیها السلام جواب داد: [۱۹۴]. [صفحه ۱۸۵] حدیث ۱۵۳ قالت: فقالت: هذا اول شهادة زور شهدا بها فی الاسلام، فان فدکا انما هی تصدق بها علی رسول الله صلی الله علیه و آله ولی بذلک بینة (این اولین شهادت باطل است که آن دو تن در اسلام گواهی دادند. زیرا فدک به من بخشیده شده و رسول خدا آن را به من عطا فرمود و بر این بخشش دلیل و مدرک دارم.)

اثبات ارث با شهادت شاهدان

پس از آنکه ابوبکر در برابر استدلالهای روشن قرآنی حضرت زهرا علیها السلام جوابی برای غصب فدک نداشت، و برای اثبات حدیث جعلی به شهادت عائشه و عمر متوسل شد، لازم بود در برابر شهادت دروغین آنها از شهادت شاهدان صادق استفاده شود. از این رو، ام ایمن و اسماء بنت عمیس به نفع حضرت زهرا علیها السلام در اعطای فدک از طرف رسول خدا به دخترش گواهی دادند اما عمر و ابوبکر تسلیم نمی‌شدند. حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: حدیث ۱۵۴ فقالت: الم تسمعا من ابی رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: اسماء بنت عمیس و ام ایمن من اهل الجنة؟ قالوا بلی. فقالت: امراتان من الجنة تشهدان بباطل؟ ثم قالت: قد اخبرنی ابی بانی اول من یلحق به فوالله لاشکونهما (آیا مگر از پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله نشنیده‌اید که فرمود: اسماء و ام ایمن از اهل بهشتند؟) [۱۹۵]. ابوبکر و عمر گفتند: آری شنیدیم. [صفحه ۱۸۶] حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: ((پس چرا با گواهی آن دو نفر فدک را تحویل من نمی‌دهید؟) آیا دو زن بهشتی به باطل شهادت داده‌اند؟) و چون پاسخ مثبتی از آن دو نفر نشنید در حالی که درد آلود، رسول خدا را می‌خواند، فرمود: (پیامبر خدا مرا خبر داده است، من اول کسی هستم که به آن حضرت ملحق می‌گردم. پس سوگند به خدا که از ابوبکر و عمر در حضور پیامبر شکایت می‌کنم.) و در روایت دیگری آمده است که پس از گواهی عائشه و عمر در اثبات حدیث ادعایی ابوبکر، حضرت زهرا علیها السلام از امیرالمؤمنین علیه السلام و ام ایمن که گواهان صادق اعطای فدک از طرف رسول خدا صلی الله علیه و آله به دخترش بودند، درخواست گواهی نمود امام علی علیه السلام و ام ایمن شهادت دادند که «فدک را رسول خدا صلی الله علیه و آله به فاطمه بخشیده است» آن گاه حضرت زهرا علیها السلام به ابوبکر فرمود: دیگر چه می‌گوئید؟ حدیث ۱۵۵ فقالت: علی علیه السلام و ام ایمن یشهدان بذلک (علی علیه السلام و ام ایمن شهادت می‌دهند که فدک را رسول خدا صلی الله علیه و آله بمن بخشیده است) [۱۹۶]. اگر شهادت ملاک است، پس فدک را به من برگردانید. اما متأسفانه پاسخ شنید که: ای دختر رسول خدا! فدک را فقط با شهادت دو مرد یا یک مرد و دو زن می‌توانیم بشما برگردانیم. [۱۹۷]. و یادشان رفته بود که اسماء بنت عمیس و ام ایمن قبلا شهادت داده بودند [صفحه ۱۸۷] و ابابکر قول داده بود «اگر ام ایمن شهادت دهد، فدک را بر می‌گردانم» [۱۹۸]. اما پس از گواهی او بهانه‌ی دیگری مطرح کرد که (دو زن با یک مرد باید شهادت دهند)

غصب فدک

سران سقیفه ابتدا غضب فدک را با ادعای حدیث جعلی، و شهادت شهود می‌خواستند اسلامی جلوه دهند، اما استدلالهای قرآنی حضرت زهرا علیهاالسلام، و افشاگریهای کوثر قرآن، همه‌ی آن ترندها را نقش بر آب نمود و ناچار شدند با سرنیزه و سیلی زدن و فشار و قدرت، فدک را در دست خود نگهدارند. وقتی ابوبکر از حدیث دروغین دست کشید و به شهادت گواهان تکیه نمود، حضرت زهرا علیهاالسلام پس از گواهی امیرالمؤمنین علیه‌السلام و ام ایمن به ابوبکر فرمود: حدیث ۱۵۶ قالت: ان ابی اعطانی فدکا و علی علیه‌السلام و ام ایمن یشهدان (بدرستی که پدرم فدک را به من بخشید و علی علیه‌السلام و ام ایمن هم شهادت می‌دهند) ابوبکر به ظاهر تسلیم شد، دستور داد کاغذی آوردند که در آن نوشت: «فدک جزو اموال فاطمه علیهاالسلام است، به او بازگردانید». حضرت زهرا علیهاالسلام نامه‌ی خلیفه را گرفت و به طرف منزل می‌آمد که عمر در بین راه، توطئه غضب فدک را افشا کرد، و با حرکت خشن خود نشان داد که جعل حدیث و شهادت شاهدان، و طرح مباحث حقوقی در غضب فدک، همه بهانه‌ای بیش نبود. عمر با خشونت پرسید: از کجا می‌آیی فاطمه علیهاالسلام؟ حضرت زهرا علیهاالسلام پاسخ داد: [صفحه ۱۸۸] حدیث ۱۵۷ قالت: جئت من عند ابی بکر اخبرته ان رسول الله صلی الله علیه و آله اعطانی فدکا و ان علیا و ام ایمن یشهدان لی بذلک فاعطانیها و کتب لی بها [۱۹۹]. (از نزد ابوبکر می‌آیم، به او خبر دادم که رسول خدا فدک را به من اعطا فرمود و علی علیه‌السلام و ام ایمن بر حقانیت من گواهی می‌دهند. بنابراین ابوبکر تسلیم شد و نامه‌ای (جهت بازگرداندن فدک) برای من نوشت.) عمر قدم پیش گذاشت و گفت: نامه ابابکر را بده حضرت زهرا علیهاالسلام امتناع ورزید اما عمر با شدت نامه‌ی ابوبکر را گرفت و بر آن آب دهان انداخت و سیلی به صورت زهرا علیهاالسلام نواخت و نامه را پاره کرد. [۲۰۰].

کشاندن ماجرای فدک به اجتماعات مسلمین

اشاره

آن گاه که ادعاها دروغین از آب درآمد و ماسکهای بظاهر اسلامی فرو افتاد و جواب استدلالهای قرآنی و شهادت شاهدان صادق را نادیده گرفتند و نامه و حکم حکومتی خود را به هیچ انگاشتند و بر آن آب دهان انداختند و آن را و در تداوم حرکت نظامی، برهان و استدلال دختر پیامبر صلی الله علیه و آله را با سیلی و شلاق پاسخ دادند، چاره‌ای جز افشاگری و کشاندن ماجرای فدک به اجتماعات مسلمین وجود نداشت باید با مردم حرف می‌زد و مردم را بیدار می‌نمود. [صفحه ۱۸۹]

مناظره در اجتماع مسلمین

حضرت فاطمه علیهاالسلام، همراه با حضرت امیرالمؤمنین علیه‌السلام و فرزندانش حسن و حسین علیهماالسلام، به سوی خانه‌های مهاجرین و انصار رفت، و آنها را به یاری طلبید و روزی دیگر در جمع مسلمین ابوبکر و عمر را مخاطب قرار داد و فرمود: حدیث ۱۵۸ قالت: الیست فدک فی یدی؟ و فیها و کیلی و قد اکت غلتها و رسول الله صلی الله علیه و آله حی؟ قالوا بلی قالت: فلم تسالنی فی البینه علی ما فی یدی؟! قالوا: لانها فیء المسلمین قالت لهما و الناس حولهما یسمعون: افتریدان ان تردا ما صنع رسول الله صلی الله علیه و آله و تحکما فینا خاصة بما لم تحکما فی سائر المسلمین؟! ایها الناس اسمعوا ما رکبهاها. ارایتما ان ادعیت ما فی یدی المسلمین من اموالهم تسالونی البینه ام تسالونهم؟ قالوا: لا بل نسالك قالت: فان ادعی جمیع المسلمین ما فی یدی تسالونهم البینه ام تسالونی؟ فغضب عمرو قال: ان هذا فیء للمسلمین. قالت: حسبی انشدکم بالله ایها الناس اما سمعتم رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: ان ابنتی سیده نساء اهل الجنة؟ [۲۰۱]. قالوا: اللهم نعم. قالت: افسیده نساء اهل الجنة تدعی الباطل و تاخذ ما لیس لها؟! ارایتم

لو [صفحه ۱۹۰] ان اربعة شهدوا على بفاحشة او رجلين بسرقة اکتتم مصدقین علی؟ قال عمر: نعم و توقع علیک الحد فقالت: کذبت و لؤمت الا ان تقر انک لست علی دین محمد صلی الله علیه و آله ان الذی یجیز علی سیده نساء اهل الجنة شهادة او یقیم علیها حدا لملعون کافر بما انزل الله علی محمد صلی الله علیه و آله ان من اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهیرا لا تجوز علیهم شهادة لانهم معصومون من کل سوء مطهرون من کل فاحشة: (آیا باغات فدک در دست من نبود؟ و کلا- و کارگران من در آن کار نمی کردند؟ و من از میوه‌ها و سبزیجات آن نمی خوردم؟ آن هم در روزهایی که رسول خدا زنده بودند؟) عمر و ابوبکر گفتند: آری حضرت فاطمه علیها السلام ادامه داد: (پس آن چه که در دست من بود، برای گرفتن آن چرا از من سؤال نکردید؟ و از مدرک و سند آن نپرسیدید؟) عمر و ابوبکر گفتند: برای این که فدک جزو اموال مسلمین است. حضرت زهرا علیها السلام خطاب به آن دو نفر در حالی که جمعیت فراوانی اطرافشان گرد آمده بودند فرمود: (آیا شما اراده کردید آن چه را که رسول خدا صلی الله علیه و آله انجام داده است، دگرگون سازید؟ و درباره‌ی ما اهل بیت حکمی نمایید که درباره‌ی دیگران روا نمی‌دارید؟ ای مردم مدینه! بشنوید، این دو نفر چه می‌گویند و چه می‌کنند؟ از شما دو نفر می‌پرسم: آیا اگر من اموالی را که در دست مسلمانان است، ادعا نمایم از من دلیل و مدرک می‌خواهید، یا از دیگران و صاحبان اموال؟) گفتند: از تو که مدعی اموال دیگرانی. حضرت فاطمه علیها السلام دیگر بار پرسید: [صفحه ۱۹۱] (حال اگر مسلمانان اموالی را که در دست من است، ادعا نمایند، از آنها باید دلیل و مدرک بطلبید یا از من؟) عمر در حالی که سخت عصبانی شده بود جواب نداد و همان حرف قبلی را تکرار کرد که: فدک جزو اموال مسلمین است. حضرت زهرا علیها السلام خطاب به جمعیت حاضر فرمود: (کافی است، شما را بخدا سوگند می‌دهم ای مردم! آیا از پیامبر اسلام شنیدید که می‌فرمود: همانا دخترم فاطمه سید و بزرگ زنان اهل بهشت است؟) جمعیت همگی گفتند: آری از پیامبر صلی الله علیه و آله شنیدیم. پس از اعتراف عموم مردم حضرت ادامه داد: (ای مردم آیا سید و بزرگ زنان بهشتی ادعای باطل می‌کنند و اموالی را می‌گیرند که مال او نیست؟ ای مردم چگونه فکر می‌کنید؟ اگر چهار نفر علیه من به عمل زشتی شهادت دهند و یا دو نفر شهادت دهند که من دزدی کردم آیا آنها را تصدیق می‌کنید؟) در میان سکوت مسلمانان و ابوبکر، عمر گفت: آری و بر تو حد جاری می‌سازیم. حضرت زهرا علیها السلام فرمود: (دروغ گفتم و دشمنی و پستی خود را ظاهر ساختی، مگر آن که اقرار کنی که بر دین محمد صلی الله علیه و آله نیستی. آن کس که بخود اجازه می‌دهد تا بر سید زنان بهشتی شهادت دروغ روا دارد یا بر او حدی جایز شمارد، کافر و مورد لعن و نفرین الهی است. زیرا آیات الهی را که بر پیامبر اسلام نازل شده است، منکر شده خدائی که زشتی‌ها و پلیدی‌ها را از اهل بیت دور کرده و آنها را از هر گونه گناه و لغزشی پاک نموده، اجازه نمی‌دهد که کسی شهادت دروغ بر ضدشان مطرح نماید، به علت آن که اهل بیت علیهم السلام از هر بدی معصوم و از هر عمل زشتی پاک و مطهرند.) [۲۰۲]. [صفحه ۱۹۲]

به یاری طلبیدن مسلمانان

در تداوم افشاگریهای اجتماعی، حضرت زهرا علیه السلام به طرف خانه‌های مهاجرین و انصار می‌رفت و آنان را به یاری می‌طلبید تا غضب فدک را ساده شمارند. روزی خطاب به معاذ بن جبل فرمود: حدیث ۱۵۹ قالت: یا معاذ بن جبل انی قد جئتک مستنصره و قد بایعت رسول الله صلی الله علیه و آله علی ان تنصره و ذریته و تمنعه مما تمنع منه نفسک و ذریته و ان ابابکر قد غصبنی علی فدک و اخرج و کیلی منها. (ای معاذ بن جبل! همانا نزد تو آمده‌ام و از تو طلب یاری دارم. زیرا که با پیامبر خدا علیه السلام بیعت کردی تا پیامبر و فرزندان او را یاری و از آنان دفاع کنی همچنان که از خود و خاندان خود دفاع می‌کنی. بدرستی که ابوبکر حق مرا در فدک غضب کرده است و وکیل و کارگران مرا اخراج نموده است) [۲۰۳].

در همان لحظه‌های آغازین اعلام ولایت امیرالمؤمنین علیه‌السلام در غدیر خم، و تحقق بیعت عمومی برای ولایت، حضرت زهرا علیها‌السلام از پیمان شکنی، و دورویی مخالفان غدیر، آگاهی داشت آنگاه که حارث بن نعمان مخالفت کرد و گفت: خدایا اگر ولایت علی علیه‌السلام بحق از طرف تو اعلام شد سنگی بر من فرود آید و به زندگی من خاتمه دهد که فوراً عذاب الهی رسید، و سنگی از آسمان فرود آمد و او را کشت [صفحه ۱۹۳] حضرت زهرا علیها‌السلام نگاهی معنادار به امام علی علیه‌السلام نمود و فرمود: حدیث ۱۶۰ قالت: اتظن یا اباالحسن ان هذا الرجل وحده؟! و الله ما هو الا طلیعة قوم لا یلبثون ان یکشفوا عن وجوههم اقععتها عندما تلوح لهم الفرصة (ای ابوالحسن! آیا گمان می‌کنی در مخالفت با غدیر، این مرد تنهاست؟ سوگند به خدا او پیشگام قومی است که هنوز نقاب چهره‌اشان فرو نیافتاده است. و آنگاه که فرصت بدست آورند مخالفت خود را آشکار خواهند ساخت) [۲۰۴].

علی علیه‌السلام در پاسخ فرمود: من دستور خدا و پیامبر را انجام می‌دهم و بخدا توکل می‌کنم که بهترین یاری دهنده است.

سخنرانی افشاگرانه در مسجد

خ- خطبه‌ها، خطبه‌ی حضرت در مسجد حدیث ۵۷

فضائل فاطمه از کلام پیامبر

فاطمه بزرگ زن جهانیان

در آخرین لحظه‌های زندگانی پیامبر صلی الله علیه و آله، فاطمه علیها‌السلام بشدت گریست، رسول خدا صدای گریه‌ی دخترش را شنید، مطالبی را آهسته به او منتقل فرمود که فاطمه علیها‌السلام خندید، و علت آن را اینگونه توضیح داد که: حدیث ۱۶۱ قالت: فبکیت بکائی الذی رایت فلما رای حزنی سارنی الثانیة فقال صلی الله علیه و آله: یا فاطمه اما ترضین ان تکونی سیده نساء العالمین؟ فضحکت [صفحه ۱۹۴] (وقتی حال رسول خدا را آن چنان دیدم، گریستم گریه‌ای که شما دیدید. وقتی پدرم حزن و اندوه مرا مشاهده فرمود، دوباره با من نجوا کرد و فرمود: ای فاطمه! آیا راضی و خشنود نیستی که سید و بزرگ زنان جهانیان باشی؟ پس خندیدم (و شاد شدم)) [۲۰۵].

فاطمه بزرگ زن بانوان بهشتی

حضرت فاطمه علیها‌السلام فرمود: در لحظه‌های آخر زندگانی، وقتی پدر صدای گریه‌ی مرا شنید، فرمود: حدیث ۱۶۲ یا بنیة انه لیس احد من نساء المسلمین اعظم رزیة منك فلا تکونی من ادنی امرأة صبرا انک سیده نساء اهل الجنة (دخترم عزیزم! هیچ کدام از زنان مسلمانان ارزش و مقام تو را ندارند. پس در صبر و بردباری همانند کمترین زنان نباش، زیرا تو سید و بزرگ زنان بهشتی)

[۲۰۶]. [صفحه ۱۹۵]

ق

اشاره

قرآن قضاوت میان کودکان قیامت [صفحه ۱۹۷]

قرآن و تلاوت قرآن

فضیلت قرائت قرآن

حضرت فاطمه علیها السلام نسبت به تلاوت برخی از سوره‌های قرآن فرمود: حدیث ۱۶۳ قالت: قاریء الحدید، و اذا وقعت، و الرحمن، یدعی فی السموات و الارض، ساکن الفردوس (تلاوت کننده‌ی سوره‌ی «حدید و واقعه و الرحمن» در آسمانها و زمین اهل بهشت خوانده می‌شود). [۲۰۷].

اشتیاق تلاوت قرآن

و در رهنمود ارزشمند دیگری فرمود: حدیث ۱۶۴ قالت: حب الی من دنیا کم ثلاث: تلاوة کتاب الله و النظر فی وجه رسول الله و الاء نفاق فی سبیل الله (از دنیای شما سه چیز محبوب من است: ۱- تلاوت قرآن ۲- نگاه به چهره‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله [صفحه ۱۹۸] ۳- انفاق در راه خدا) [۲۰۸].

سفارش به خواندن قرآن بر روی قبر خویش

و- وصیت‌های شخصی

قضاوت

مشکل قضاوت میان کودکان ت- تربیت کودک حدیث ۴۵

معاد و قیامت

یاد قیامت

رسول گرامی اسلام روزی فاطمه علیها السلام را نگران و اندوهگین یافت و پرسید: حزن و اندوه تو برای چیست؟ پاسخ شنید: حدیث ۱۶۵ قالت: یا ابء ذکرت المحشر و وقوف الناس عراء یوم القیامء، واسو اتاه یومئذ من الله عز و جل (ای پدر! یاد آوردم روز محشر و توقف مردم را در آن روز، در حالی که برهنه‌اند. وای از زشتیها در پیشگاه خدای بزرگ در آن روز) [۲۰۹].

ترس از عذاب قیامت

ت- ترس حدیث ۴۶ [صفحه ۱۹۹]

ک، گ

اشاره

کار زن ح ۹۲ و ۹۵ و ۹۴ و ۲۰۸ کرامات و معجزات م- معجزات کربلا و یاد شهادت حسین ح ۱۰۴ و ۱۰۶ و ۱۲۲ و ۱۳۸ کافور بهشتی ح ۱۳۴ کم فروشی ح ۵۷ گرسنگی فراوان ح ۱۰۸ و ۱۷۹ و ۱۸۱ و ۱۸۸ و ۱۸۶ و ۱۸۹ و ۱۸۷ و ۱۸۲ و ۱۹۱ و ۱۹۳ و ۱۹۴ گنهکاران (شفاعت از آنها) ح ۱۱۹ و ۱۲۱ گوشت قربانی ح ۵ گریه‌های فاطمه ح ۲۲ و ۱۰۷ و ۱۱۰ و ۱۱۶ و ۱۴۰ و ۱۶۶ [صفحه

[۲۰۱]

گریه‌های مداوم فاطمه

پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله، و پیش آمدن مشکلات و مصیبت‌ها بر اهل بیت علیهم السلام، عزاداری و گریه‌های حضرت زهرا علیها السلام تداوم داشت، و طبیعی بود که سران حکومت کودتا، احساس خطر می‌کردند. افرادی را خدمت امیرالمؤمنین علیه السلام فرستادند، تا گریه‌ها و عزاداری حضرت فاطمه علیها السلام را کنترل نمایند. و امام علی علیه السلام به آن حضرت اطلاع داد که گروهی آمده‌اند و می‌گویند: فاطمه علیها السلام یا شب گریه کند و یا روز! حضرت فاطمه علیها السلام جواب داد: حدیث ۱۶۶ قالت: یا اباالحسن ما اقل مکثی بینهم و ما اقرب مغیبی من بین اظههم فوالله لا اسکت لیلا و لا نهارا او الحق بابی رسول الله صلی الله علیه و آله (ای اباالحسن، چقدر اندک است، ماندن من در میان مردم و چقدر نزدیک است، زمان پنهان شدن من از جمعشان! سوگند به خدا هرگز سکوت نمی‌کنم، نه در شب و نه در روز، (گریه‌های مداوم را تعطیل نمی‌نمایم) تا این که به پدرم رسول الله صلی الله علیه و آله ملحق گردم.) حضرت علی علیه السلام فرمود: هر طور دوست داری عمل کن! و آن گاه جایی را در بقیع بنام «بیت الاحزان» برای فاطمه علیها السلام درست کرد تا به عزاداری و گریه‌های خود ادامه دهد. [۲۱۰]. [صفحه ۲۰۳]

م

اشاره

مالکیت خصوصی مبارزات سیاسی مبارزه‌ی منفی (انواع مبارزه) مشکلات زندگی معجزات و کرامات فاطمه علیها السلام مقام مادر مهمان نوازی [صفحه ۲۰۵]

حق مالکیت خصوصی

حضرت زهرا علیها السلام نسبت به حق مالکیت خصوصی، و احترام به اموال دیگران فرمود: حدیث ۱۶۷ قالت: الرجل احق بصدر دابته و صدر فراشه و الصلاة فی منزله الا امام یجتمع الناس علیه (هر فردی سزاوارتر است به سواری از اسب خویش، و اداره‌ی خانه و خانواده خویش و نماز خواندن در منزل خویش. مگر فردی که مردم در خواست نماز جماعت از او داشته باشند) [۲۱۱]. و در کلام ارزشمند دیگری فرمود: حدیث ۱۶۸ قالت: صاحب الدابة احق بصدرها (صاحب مرکب سزاوارتر است به سواری از مرکب خویش) [۲۱۲]. [صفحه ۲۰۶]

انواع مبارزات سیاسی

یادآوری و هشدار

در برابر گروهی که می‌خواستند، عذر تقصیر بیاورند، و گذشته‌ها را بگونه‌ای فراموش نمایند، فرمود: حدیث ۱۶۹ قالت: تعلمون ان عمر جانی و حلف لی بالله ان عدتم لیحرقن علیکم البیت؟ (شما می‌دانید که عمر پشت درب خانه‌ی ما آمد و سوگند یاد کرد که اگر از بیعت سرپیچی کنم، خانه را بر سر ما آتش خواهد زد) [۲۱۳].

افشاگری و محکومیت

ابوبکر و عمر، پس از تقویت حکومت خویش و سرکوبی مخالفان، برای جلب افکار عمومی به فکر دلجوئی از حضرت زهرا علیهاالسلام و جبران اشتباهات گذشته افتادند، و با تلاش فراوان همراه با امام علی علیه‌السلام به خدمت آن یگانه دخت پیامبر رسیدند سلام کردند. عذر خواهی نمودند که: (گذشته‌ها گذشت و اشتباهاتی تحقق یافت، به هر حال شما دختر پیامبر رحمت، باید گذشته‌ها را نادیده انگارید و ما را عفو فرمائید). حضرت زهرا علیهاالسلام برای آن که واقعیت‌ها را به همه‌ی انسانها در طول تاریخ بشناساند، و به آنها نیز بفهماند که هر گذشته‌ای را نمی‌توان نادیده انگاشت و در برابر انحراف ملت و سیر ارتجاعی حکومت نمی‌شود بی تفاوت ماند، آنها را به سخنان رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله توجه داد و فرمود: [صفحه ۲۰۷] حدیث ۱۷۰ قالت: نشدتکما الله الم تسمعا رسول الله صلی الله علیه و آله یقول: فاطمه بضعة منی من آذاها فقد آذانی؟ رضا فاطمه من رضای و سخط فاطمه من سخطی؟ فمن احب فاطمه ابنتی فقد احبنی، و من ارضی فاطمه فقد ارضانی؟! قال نعم قالت: فانی اشهد الله و ملائکته انکما اسخطتمانی و ما ارضیتمانی و لئن لقیته النبی لا شکونکما الیه. (شما را بخدا سوگند می‌دهم آیا شنیده‌اید که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه پاره‌ی تن من است و من از اویم، هر که او را بیازارد مرا آزرده خشنودی فاطمه موجب خشنودی من است و خشم و غضب فاطمه خشم و غضب من، هر کس فاطمه را دوست بدارد مرا دوست داشته و هر کس فاطمه را خشنود سازد مرا خشنود ساخته است؟! ابوبکر و عمر پاسخ دادند: آری (این کلمات را از پیامبر شنیدیم). حضرت زهرا علیهاالسلام پس از اعتراف آن دو نفر فرمود: (خدا و ملائکه را بشهادت می‌طلبم که شما دو نفر مرا به خشم آوردید و آزردید و موجبات خشنودی مرا فراهم نکردید. اگر با پدرم رسول خدا ملاقات کنم، شکایت شما را نزد پدرم خواهم برد). [۲۱۴].

افشاگری و سرزنش مردم

پس از آنکه برای ابوبکر بیعت گرفتند، و مردم سکوت و انزوا را برگزیدند، حضرت زهرا علیهاالسلام فرمود: [صفحه ۲۰۸] حدیث ۱۷۱ قالت: ما رایت کالیوم قط حضروا اسوء محضرا، ترکوا نبیهم صلی الله علیه و آله جنازة بین اظهرا و استبدوا بالامر دوننا. (من هرگز روزی همانند امروز ندیدم که امت اسلامی زشت‌ترین صحنه‌ها را پدید آوردند، جنازه‌ی رسول خدا را در برابر ما واگذاشتند و خودسرانه و مستبدانه دیگران را به جای ما نشانند). [۲۱۵].

سرزنش و توبیخ پیمان شکنان

پس از خیانت دنیاپرستان، و سکوت و بی تفاوتی خودپرستان ترسو، و ایجاد انحراف و سیر ارتجاعی در امت اسلامی، حضرت زهرا علیهاالسلام به سرزنش خیانتکاران پرداخته و وجدانهای خفته‌ی آنان را با شلاق ملامت بیدار کرد، و خطاب به مردم فرمود: حدیث ۱۷۲ قالت: ویلکم ما اسرع ما ختم الله و رسوله فینا اهل البیت! و قد اوصاکم رسول الله صلی الله علیه و آله باتباعنا و مودتنا و التمسک بنا (وای بر شما! چه زود به خدا و پیامبرش درباره‌ی ما اهل بیت، خیانت کردید! در صورتی که رسول گرامی اسلام به شما سفارش نمود تا از ما پیروی کنید، ما را دوست داشته باشید و دست از ما نکشید). [۲۱۶].

افشای عوامل مصیبت‌ها

دختر طلحه، در یکی از روزهای غمبار پس از وفات رسول خدا صلی الله علیه و آله [صفحه ۲۰۹] خدمت حضرت فاطمه علیهاالسلام رسید، از گریه‌ها و ناله‌های جانکاه آنحضرت، سخت نگران شد و با شگفتی پرسید: فاطمه جان چه چیزی شما را این گونه به گریه و زاری واداشته است؟ پاسخ فرمود: حدیث ۱۷۳ فقالت: تسالینی عن هنة حلق بها الطائر، و حفی بها السائر، رفعت الی السماء اثرا، و رزت فی الارض خیرا، ان قحیف تیم، و احوول عدی، جاریا ابالحسن فی السباق حتی اذا تفریا بالجناق، اسرا له الشنان

و طویاه الاعلان فلما خبا نور الدین و قبض النبی الامین نطقا بفورهما، و نفثا بسورهما، و ادالا فدک، فیالها کم من ملک ملک انها عطیة رب الاعلیٰ للنجی الاوفی، و لقد نحلنیها للصبیة السواعب عن نجله و نسلی، و انها لبعلم الله و شهادة امینه، فان انتزعا منی البلغة و معانی اللمظة فاحتسبها یوم الحشر زلفه، و لیجدتها آکلوها ساغرة حمیم فی لظی حجیم (ای دختر طلحه، آیا از مصیبت و رویداد تلخی می‌پرسی که در همه جا انتشار یافته است؟ گویا بر پر مرغان نوشته و در جهان پراکنده شده، گویا پیکهای چابک سوار سرعت آن را به همه‌ی جهانیان ابلاغ کرده‌اند که گرد و غبار آن تا آسمان بالا رفت و تاریکی مصیبت آن زمین را فرا گرفت، (می‌دانی مصیبتها چگونه شکل گرفته‌اند؟) از پست‌ترین قبائل عرب، قبیله‌ی «تیم» ابوبکر بن ابی قحافه، و از حيله بازترین قبائل عرب قبیله‌ی «عدی» عمر بن بن الخطاب، بر علی علیه‌السلام ستم روا داشتند، پرچم مسابقه برافراشتند تا بر علی علیه‌السلام پیشی بگیرند. چون موفق نشدند بغض و کینه‌ی علی علیه‌السلام را در دل گرفتند اما پنهان داشتند. آن گاه که نور دین بخاموشی گرائید و پیامبر صلی الله علیه و آله رحلت کرد، آن بغضها و کینه‌ها را به زبان آوردند و بر مرکب آرزو سوار گشتند و ستمها روا داشتند، و «فدک» را غصب کردند، با شگفتی به «فدک» بنگرید، چه بسیار پادشاهانی که مالک سرزمین «فدک» شدند. و هم اکنون اثری از آنها وجود ندارد! [صفحه ۲۱۰] فدک، هدیه‌ی الهی بود که به پیامبرش بخشید و رسول گرامی اسلام آن را برای تامین زندگی فرزندانم بمن سپرد، و اگذاری فدک «بمن و فرزندانم» با حکم و علم خداوند بزرگ و شهادت و گواهی جبرئیل امین صورت گرفت. پس اگر (ابابکر و عمر) آن را با ستم غصب کردند و وسیله‌ی زندگی فرزندانم را قطع نمودند با یاد روز قیامت بر این مصیبت صبر می‌نمایم، و زود است که خورندگان اموال فدک، عذاب الهی را در دوزخ نظاره‌گر و در آن غوطه‌ور باشند. [۲۱۷].

یاری طلبیدن از مهاجرین و انصار

حضرت فاطمه علیهاالسلام در تداوم مبارزات سیاسی به آگاهی اجتماعی توجه کامل داشت، و وجدانهای خفته را بیدار می‌کرد. روزی خطاب به مهاجرین و انصار فرمود: حدیث ۱۷۴ قالت: یا معشر المهاجرین و الانصار انصروا الله فانی ابنه نبیکم و قد بايعتم رسول الله صلی الله علیه و آله یوم بايعتموه ان تمنعوه و ذریته مما تمنعون منه انفسکم و ذراریکم ففو لرسول الله صلی الله علیه و آله بیعتکم (ای جماعت مهاجرین و انصار! خدا را یاری کنید. بدرستی که من دختر پیامبر شما هستم، در صورتی که شما با رسول خدا بیعت کردید که از پیامبر و فرزندانش دفاع کنید، همان‌گونه که از خود و فرزندان خودتان دفاع می‌کنید. پس بر بیعت خود با رسول خدا استوار بمانید). [۲۱۸].

سخنرانیهای افشاگرانه

خ- خطبه‌ها. خطبه اول [صفحه ۲۱۱]

اعلان بیزاری و نفرین

مبارزه‌ی منفی ۱ «اعتصاب سخن با ابوبکر»

انواع مبارزه‌ی منفی

اعتصاب در سخن گفتن با ابوبکر

پس از ماجرای زشت تهاجم به خانه‌ی امام علی علیه‌السلام، و جسارت‌های فراوان درون مسجد، و غصب فدک، و بی‌اثر ماندن

گواهی شاهدان، و مباحث استدلالی حضرت زهرا علیها السلام، و تداوم سیاستهای کودتایی سران سقیفه، در مبارزه‌ی منفی با آنان خطاب به ابوبکر فرمود: حدیث ۱۷۵ قالت: و الله لا اکلمک ابداء، و الله لا دعون الله علیک فی کل صلوٰه (سوگند بخدا از این پس هرگز با تو سخن نخواهم گفت، سوگند بخدا شکایت تو را بخداوند خواهم نمود و در هر نماز تو را نفرین خواهم کرد). [۲۱۹].

اعتصاب در سخن گفتن با ابوبکر و عمر

پس از آن که آنها از آسیاب افتاد، و هر چه خواستند روا داشتند، در روزهای واپسین حیات دختر پیامبر صلی الله علیه و آله، برای جلب افکار عمومی، ابوبکر و عمر به فکر عیادت و دلجویی از حضرت زهرا علیها السلام افتادند و زبان به عذر خواهی گشودند، و فکر می‌کردند که حضرت زهراء علیها السلام با آنان دشمنی خصوصی دارد، ولی پاسخ قاطع را دریافت نمودند که فرمود: حدیث ۱۷۶ قالت: و الله لا- اکلمکما من راسی کلمه حتی القی ربی فاشکونکما الیه بما [صفحه ۲۱۲] صنعتما به وبی و ارتکبتما منی (سوگند بخدا بعد از این با شما دو نفر حتی یک کلمه نیز سخن نمی‌گویم، تا به ملاقات خدا بشتابم و شکایت شما دو نفر را به خدا می‌برم، و توضیح خواهم داد که شما با خدا (و دین او) و با من چه کردید و چه اعمالی را مرتکب شدید). [۲۲۰].

اعتصاب در حرف زدن با عمر

پس از تهاجم به منزل علی علیه السلام، و دفاع شایسته حضرت زهرا علیها السلام، و جرات و جسارت عمر در آتش زدن درب منزل، حضرت فاطمه علیها السلام فرمود: حدیث ۱۷۷ قالت: یا ابابکر ما اسرع ما اغرتم علی اهل بیت رسول الله صلی الله علیه و آله؟ و الله لا اکلم عمر حتی القی الله (ای ابوبکر! چه زود کینه‌های پنهانی خود را علیه اهل بیت رسول خدا صلی الله علیه و آله ظاهر کردید؟ سوگند به خدا تا زنده‌ام با عمر سخن نخواهم گفت). [۲۲۱].

فلسفه و وصیتنامه‌ی سیاسی حضرت زهرا

همه می‌پرسند: چرا قبر فاطمه علیها السلام مخفی است؟ چرا مراسم کفن و دفن آن یگانه دخت پیامبر صلی الله علیه و آله، بگونه‌ای مخفی و پنهان برگزار شده است؟ چرا مراسم تشییع جنازه و نماز بر پیکر کوثر قرآن، بدون اطلاع مردم مدینه، غریبانه برگزار گردید؟ و پاسخ می‌شنوند که: حضرت زهرا علیها السلام خود وصیت کرده بود. [صفحه ۲۱۳] می‌پرسیم چرا؟ فلسفه‌ی وصیتنامه‌ی آن بزرگوار چیست؟ برای روشن شدن حقایق تاریخی، و علل و عوامل وصیتنامه‌ی سیاسی، در تداوم خط مبارزه‌ی منفی حضرت زهرا علیها السلام، باید متن وصیتنامه را بدقت ارزیابی کرد. حضرت زهرا علیها السلام در کاغذی نوشت که: حدیث ۱۷۸ لا تصلی علی امه نقضت عهد الله و عهد ابی رسول الله صلی الله علیه و آله فی امیر المؤمنین علی علیه السلام و ظلموا لی حقی و اخذوا ارثی و حرقوا صحیفتی التي کتبها لی ابی بملک فدک و کذبوا شهودی، و هم و الله جبرئیل و میکائیل و امیر المؤمنین و ام ایمن، و طنت علیهم فی بیوتهم و امیر المؤمنین یحملنی و معی الحسن و الحسین لیلًا- و نهارًا الی منازلهم، و اذکرهم بالله و رسوله الا تظلمونا و لا تغصبونا حقنا الذی جعله الله لنا، فیجیبونا لیلًا- و یقعدون عن نصرتنا نهارًا فجمعوا الحطب الجزل علی بابنا و اتوا بالنار لیحرقوه و یحرقونا... فهذه امه تصلی علی؟! (امتی که عهد و پیمان خدا و پیامبرش را در ولایت و رهبری علی علیه السلام شکستند و نادیده گرفتند، حق ندارند بر پیکر من نماز بگذارند، آنها که نسبت به حق ما ظلم روا داشتند، و ارث مرا غاصبانه تصرف کردند، و مالکیت فدک را که پدرم برایم نوشته بود از دست من ربودند و به آتش کشیدند، آنها که گواهان و شاهدان مرا تکذیب نمودند، «سوگند بخدا که گواهان من حضرت جبرئیل و میکائیل و امیر المؤمنین علی علیه السلام و ام ایمن بودند» آنها که در روز یاری و حمایت از ما در خانه‌های خود خزیدند و دست از یاری ما کشیدند امام علی علیه السلام مرا همراه با حسن و حسین شب و روز برای

بیداری امت غفلت زده بخانه‌های [صفحه ۲۱۴] مهاجر و انصار می‌برد و من آنها را نسبت به خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله و حقوق الهی هشدار می‌دادم و می‌گفتم: به ما اهل بیت ظلم روا مدارید، و حق مسلمی را که خدا به ما بخشیده است، غصب نکنید. در تاریکی شب جواب مساعد می‌دادند که شما را یاری می‌کنیم، اما در روز روشن دست از یاری ما برمی‌داشتند! تا آن که به خانه ما هجوم آوردند، و با جمع آوری هیزم فراوان و آتش زدن آن خواستند، خانه را و ما را که در آن بودیم در آتش بسوزانند. آیا چنین امتی سزاوار است که بر من نماز بگزارد؟! [۲۲۲].

نفرین کردن به دشمن اعلان بیزاری و نفرین به ابوبکر

حدیث ۷۱

شکوه از ظالمان

ش - شکوه‌ها

مشکلات زندگی

اشاره

س - ساده زیستی م - معجزات - نزول غذای بهشتی

فاطمه و تحمل گرسنگی‌ها

شکوه از گرسنگی

پیامبر گرامی اسلام روزی وارد منزل فاطمه علیهاالسلام شد و فرمود: دخترم در چه حالی و چگونه زندگی می‌کنی؟ پاسخ شنید که: حدیث ۱۷۹ قالت: انی لوجعه و انه لیزیدنی انی مالی طعام آکله. (درد گرسنگی بی‌تابم کرده و هر لحظه رو به فزونی است و غذایی ندارم تا رفع گرسنگی کنم.) [صفحه ۲۱۵] رسول گرامی اسلام فرمود: «یا بنیة الا ترضین ان تکونی سیده نساء العالمین؟» (دخترم آیا راضی نیستی که بزرگ زنان جهانیان باشی؟) قالت: یا ابة فاین مریم بنت عمران؟ فاطمه علیهاالسلام پرسید: (پس حضرت مریم چه مقامی دارد؟) قال: تلک سیده نساء عالمها و انک سیده نساء العالمین و الله زوجتک سیدا فی الدنيا و الاخرة» فرمود: حضرت مریم بزرگ زن جهان خود بود، و تو بزرگ زنان جهانیان هستی، سوگند به خدا، تو را همسر کسی قرار داده‌ام که در دنیا و آخرت از بزرگ مردان جهان است. [۲۲۳].

گرسنگی طاقت فرسا

پیامبر اسلام، یک روز صبح وارد منزل دخترش فاطمه شد، سلام کرد و فرمود: دخترم چگونه صبح کردی؟ پاسخ شنید: حدیث ۱۸۰ فقالت: و الله اصیبت وجعه و قد اضربی الجوع (سوگند به خدا صبح کردم در حالت گرسنگی شدید، بگونه‌ای که گرسنگی به من زیان رسانده (و توان جسمی مرا کاسته است)) [۲۲۴].

شکوه از فقر و نداری با پدر

فاطمه علیها السلام مشکلات زندگی و فشار گرسنگیها را تحمل می‌کرد، و هرگز با همسایگان و دوستان راز زندگی خویش را مطرح نمی‌فرمود، اما هرگاه کاسه‌ی صبرش لبریز می‌شد، و درد و ضعف گرسنگی تاب و توان او را می‌ربود، خدمت پیامبر می‌رفت و سفره دل می‌گشود. [صفحه ۲۱۶] روزی بر پدر وارد شد و عرض کرد: حدیث ۱۸۱ قالت: السلام علیک یا رسول الله و الله ما اصبح یا نبی الله فی بیت علی طعام و لا دخل بین شفتی طعام منذ خمس و لا لنا ثاغیة و لا راغیة و لا اصبح فی بیته سفة (سلام بر تو ای رسول خدا! سوگند به خدا در خانه‌ی علی علیه‌السلام ۵ روز است که بدون غذا صبح کرده‌ام، و هرگز غذایی را در دهان نگذاشته‌ام، نه گوسفندی داریم و نه شتری، و نه غذایی و نه آبی) [۲۲۵].

تحمل فقر و نداری

روزی امام علی علیه‌السلام فرمود: فاطمه جان آیا غذایی موجود است که بیاوری؟ پاسخ شنید: حدیث ۱۸۲ قالت: و الذی عظم حنک ما کان عندنا منذ ثلاث الا شیء آثر تک به (سوگند به خداوندی که حق و قدر تو را بزرگ شمرد، سه روز است که غذای کافی در منزل نداریم و همان مقدار ناچیز خوراکی را به شما بخشیدیم و خود گرسنگی را تحمل نمودم). امام علی علیه‌السلام فرمود: چرا اطلاع ندادی؟ پاسخ داد: حدیث ۱۸۳ قالت: کان رسول الله صلی الله علیه و آله نهانی ان اسالک شیئا فقال صلی الله علیه و آله لا تسالی ابن عمک شیئا ان جاءک بشیء عفوا و الا فلا تسالیه. (رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا نهی فرمود که چیزی از تو درخواست نمایم و به من سفارش فرمود: [صفحه ۲۱۷] چیزی از پسر عمویت درخواست مکن، اگر چیزی برای تو آورد بپذیر و الا تو درخواست چیزی نداشته باش) [۲۲۶]. پس از شنیدن سخنان و مشاهده‌ی ایثارگری فاطمه علیها السلام امام از منزل خارج شد، و با وام گرفتن از دوستان، مشکلات خانواده را برطرف نمود.

تحمل کمبودهای رفاهی

حضرت زهرا علیها السلام روزی در خدمت پدر از مشکلات زندگی، و کمبودهای رفاهی، سخن به میان آورد و فرمود: حدیث ۱۸۴ قالت: انی و ابن عمی ما لنا فراش الا جلد کبش نام علیه باللیل و نعلف علیه ناضحنا بالنهار (من و پسر عمویم چیزی از وسائل رفاهی نداریم، مگر پوست گوسفندی که شب‌ها بر روی آن می‌خوابیم و روزها بر روی آن شتر خود را علف می‌دهیم). رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمود: «یا بنیة اصبری فان موسی بن عمران اقام مع امرأته عشر سنین مالهما فراش الا عباءة قطوانیة». (دخترم عزیزم! صبر و تحمل داشته باش، زیرا موسی بن عمران ده سال با همسرش زندگی کرد و فرش‌ی جز یک قطعه عبای قطوانی نداشتند). [۲۲۷].

تحمل فشارهای سخت زندگی

وسائل ساده‌ی زندگی

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله روزی بر دخترش فاطمه علیها السلام وارد شد و از [صفحه ۲۱۸] نزدیک فشارهای سخت زندگی را بر خانواده‌ی عزیزانش مشاهده کرد در حالی که دخترش را نگران می‌دید، پرسید: فاطمه جان در چه حالی بسر می‌بری و چرا نگرانی؟ پاسخ شنید: حدیث ۱۸۵ قالت: حالنا کما تری فی کساء نصفه تحتنا و نصفه فوقنا (حال و وضع ما همین است که می‌نگرید. با عبائی زندگی می‌کنیم که نصف آن فرش زیر ماست و بر روی آن می‌نشینیم و (هم روانداز ما است که) نصف آن را

بر روی خود می‌کشیم)

شکوه از گرسنگی

و در روایت سلیمان بن بریده، نقل شده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسید: دخترم چرا نگران و ناراحتی؟ در جواب پدر گفت: [۲۲۸]. حدیث ۱۸۶ قالت: قلّة الطعم و کثرة الهم و شدة السقم ((فشار گرسنگی) و کمی طعام و غذا، و فراوانی اندوه و شدت بیماری و گرفتاری مرا نگران کرده است). [۲۲۹].

مشکلات اقتصادی و بچه داری

همدردی با شوهر

علی علیه‌السلام در یکی از روزهای گرم شهر مدینه وارد منزل شد و از فاطمه علیها‌السلام پرسید: غذایی در منزل موجود است تا رفع گرسنگی نمایم؟ [صفحه ۲۱۹] حضرت زهرا علیها‌السلام پاسخ داد: حدیث ۱۸۷ قالت: ما عندنا شیء و اننی منذ یومین اعلل الحسن و الحسین صلی الله علیه و آله (در خانه چیزی نداریم و من دو روز است که با بهانه‌های مختلف فرزندانم حسن و حسین علیهما‌السلام را بگونه‌ای سرگرم می‌کنم، تا بیتابی زیاد نکنند) [۲۳۰].

درددل با پدر

روزی دیگر فرزندان فاطمه علیها‌السلام جد بزرگوارشان را جلوی درب منزل مشاهده کردند. سوی پیامبر صلی الله علیه و آله، شتافتند و کمی بعد بر روی دوش رسول خدا جای گرفتند و زبان به شکوه گشودند که: یا رسول الله! گرسنه‌ایم، به مادر بگو قرص نانی به ما دهد، تا رفع گرسنگی نمایم. پیامبر صلی الله علیه و آله در همان حالت، به فاطمه علیها‌السلام فرمود: دخترم! به دو فرزندم طعام ده. پاسخ شنید: حدیث ۱۸۸ قالت: ما فی بیتی شیء الا برکة رسول الله صلی الله علیه و آله (در خانه‌ی ما چیزی به جز برکت وجود رسول خدا صلی الله علیه و آله وجود ندارد). [۲۳۱].

سپاس در تنگدستی

اسماء بنت عمیس می‌گوید: رسول خدا در خانه فاطمه را کوبید و فرمود: کجا هستید حسن و حسین من؟ [صفحه ۲۲۰] فاطمه زهرا علیها‌السلام فرمود: حدیث ۱۸۹ قالت: اصبحنا و لیس فی بیتنا شیء یدوقه ذائقتی و انا لثحمد الله تعالی (صبح کردیم در حالی که چیزی در خانه ما نیست تا رفع گرسنگی نمایم و ما در هر حال خدای بزرگ را سپاسگزاریم).

درخواست از شوهر

گاهی تهیدستی و گرسنگی آنچنان به فاطمه علیها‌السلام فشار می‌آورد که برای بچه‌داری و تربیت فرزند ناچار به امیرالمؤمنین می‌فرمود: حدیث ۱۹۰ قالت: یا علی اذهب الی ابی فاتنا منه شیئا. (علی جان! بخانه‌ی رسول خدا برو و چیزی جهت رفع گرسنگی از پدرم بطلب). [۲۳۲].

شکوه‌ها با پدر

حضرت زهرا علیها السلام مشکلات اقتصادی و سختیهای بچه‌داری را با صبر و بردباری تحمل می‌فرمود، و نزد کسی افشا نمی‌کرد، گاهی که رسول خدا صلی الله علیه و آله مصرانه می‌پرسید: چرا رنگ تو پریده است؟ چرا رنگ فرزندانم حسن و حسین دگرگون شده است؟ ناچار می‌شد وضعیت زندگی را با پدر در میان بگذارد و می‌فرمود: حدیث ۱۹۱ قالت: یا ابا ان لنا ثلاثا ما طعمنا و ان الحسن و الحسین اضطربا علی من شده الجوع ثم رقدا کانهما فرخان متوفان [صفحه ۲۲۱] (پدر جان! سه روز است که غذا نخورده‌ایم و فرزندانم حسن و حسین از شدت گرسنگی بی‌تاب شده‌اند، هم اکنون مانند جوجه‌های پراکنده از گرسنگی به خواب رفته اند.) [۲۳۳].

معجزات فاطمه

سخن گفتن در هنگام ولادت

حضرت زهرا علیها السلام هنگام ولادت، چون بر روی زمین قرار گرفت، لب به سخن باز کرد و به یگانگی خدای بزرگ و نبوت پدر و امامت شوهر و فرزندانش گواهی داد. حدیث ۱۹۲ قالت: و اشهد ان لا اله الا الله و ان ابی رسول الله سید الانبیاء و ان بعلی سید الاوصیاء و ولدی سادة الاسباط (شهادت می‌دهم که خدایی جز خداوند جهانیان نیست و همانا پدرم رسول خدا بزرگ پیامبران آسمانی است و شوهرم بزرگ امامان است و فرزندانم سادات و بزرگان امت اسلامی اند.) [۲۳۴].

درخواست نزول غذای بهشتی

در یکی از روزهای سخت زندگی که گرسنگی بر خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله فشار آورد، حضرت فاطمه علیها السلام وضو گرفت و پس از خواندن دو رکعت نماز دست به دعا برداشت و عرض کرد: [صفحه ۲۲۲] حدیث ۱۹۳ قالت: یا الهی و سیدی هذا محمد نبیک و هذا علی ابن عم نبیک الهی انزل علینا مائده من السماء کما انزلتها علی بنی اسرائیل اکلوا منها و کفرو بها، اللهم انزلها علینا فانا بها مؤمنون. (خدایا! سرور! این پیغمبر تو محمد صلی الله علیه و آله است و این علی علیه السلام پسر عموی پیغمبر توست. ای خدای من! مائده‌ای از آسمان برایشان بفرست، چنانکه بر بنی اسرائیل فرستادی و آنان از آن غذا خوردند و ناسپاسی کردند، ای پروردگار من! آن مائده را بر ما فرو فرست که ما در قبال آن مؤمنانیم.) ناگهان ظرفی از غذا و طعام بهشتی نازل شد که بوی عطر آن منزل علی علیه السلام را معطر ساخت، امام علی علیه السلام پرسید: انی لک هذا؟ این غذای عطر آگین از کجاست؟ قالت: هو من عندالله. فقال النبی صلی الله علیه و آله: الحمد لله الذی ارانی بنتا مثلها کمثل مریم «کلمه دخل علیها زکریا المحراب وجد عندها رزقا قال یا مریم انی لک هذا؟ قالت هو من عندالله. [۲۳۵]. فاطمه علیها السلام پاسخ داد: (از جانب پروردگار است) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: حمد و ستایش خداوندی را که دختری بمن عطا فرمود، مانند حضرت مریم که «هرگاه زکریای پیغمبر در محراب عبادت او حاضر می‌شد، پیش او خوردنی می‌یافت. می‌گفت: این‌ها از کجاست؟ مریم جواب می‌داد: از جانب پروردگار.» [۲۳۶]. در روزگار سخت جنگهای صدر اسلام و قحطی و گرسنگی، اکثر مردم مدینه با مشکلات فراوانی زندگی می‌کردند، و رسول گرامی اسلام سخت [صفحه ۲۲۳] گرسنه بود، و شب و روز برای مساکین و فقرا تلاش می‌کرد، و گاهی سنگ بر شکم مبارک می‌بست، تا درد گرسنگی قابل تحمل باشد. در آن روزهای سخت، روزی درب خانه‌ی فاطمه را کوبید و فرمود: دخترم آیا چیزی در منزل داری که رفع گرسنگی نمایم؟ حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد، نه پدرم: رسول خدا بازگشت، اما زهرای مطهر نتوانست تحمل کند و دست به دعا برداشت، غذایی معطر و پاکیزه از بهشت نازل شد تا چشمان فاطمه علیها السلام به غذای بهشتی

و الطاف کریمانه الهی افتاد فرمود: حدیث ۱۹۴ قالت: و الله لا و ثرن بها رسول الله علی نفسی و غیری: (سوگند به خدا ایثار کرده و پیامبر را بر خود و بر دیگران مقدم می‌دارم). آن گاه ظرف پر از غذا و گوشت بریان شده را برای رسول خدا فرستاد پیامبر صلی الله علیه و آله پرسید: من این لکک هذا؟ این غذا از کجا برای تو آمده است؟ پاسخ داد: حدیث ۱۹۵ قالت: هو من فضل الله ان الله یرزق من یشاء بغير حساب (این غذا از فضل و رحمت الهی است. بدرستی که خداوند هر کس را که بخواهد، بدون حساب روزی می‌دهد). [۲۳۷].

مشاهدات غیبی حضرت فاطمه

امام صادق علیه‌السلام مشاهدات غیبی و کرامات حضرت زهرا علیها‌السلام را در واپسین [صفحه ۲۲۴] لحظه‌های حیات چنین نقل فرمود: آن هنگام که فاطمه علیها‌السلام (بین مغرب و عشا) در حال احتضار بود نگاه تندی کرد و فرمود: حدیث ۱۹۶ قالت: السلام علی جبرئیل، السلام علی رسول الله، اللهم مع رسولک، اللهم فی رضوانک و جوارک و دارک دار السلام ثم قالت: اترون ما اری؟ «فقیل لها ما ترین؟» قالت: هذه مواكب اهل السموات و هذا جبرئیل و هذا رسول الله صلی الله علیه و آله و یقول یا نبیة اقدمی فما امامک خیر لک. (سلام بر جبرئیل، سلام بر رسول خدا صلی الله علیه و آله، خدایا با رسول خدا صلی الله علیه و آله هستم، خدایا در رضوان و جوار رحمت تو و در خانه تو، دارالسلام، هستم) بعد به حاضران فرمود: آیا آنچه می‌بینم شما هم می‌بینید؟ بعضی از حاضران گفتند: ای دختر رسول خدا! چه می‌بینی؟ فرمود: اینجا سواران آسمانی قرار دارند. آن جبرئیل و این رسول خدا صلی الله علیه و آله است که می‌فرمایند: ای دخترم! نزد ما بیا که آن چه (از نعمتها و رضوان الهی) در پیش داری، برای تو بهتر است. [۲۳۸].

مشاهده‌ی جبرئیل و عزرائیل

حضرت علی علیه‌السلام نقل فرمود: در لحظه‌های شهادت، حضرت زهرا علیها‌السلام نگاه به اطراف خود کرد و فرمود: [صفحه ۲۲۵] حدیث ۱۹۷ قالت: السلام علیکم. یابن عم قد اتانی جبرئیل مسلما و قال لی السلام یقرا علیک السلام یا حبیبه حبیب الله و ثمره فؤاده الیوم تلحقین بالرفیع الاعلی و جنه الماوی ثم انصرف عنی تقول «علیکم السلام» فقالت: یابن عم هذا و الله میکائیل و قال لی کقول صاحبه ثم تقول و «علیکم السلام» قالت: یابن عم هذا و الله الحق و هذا عزرائیل قد نشر جناحه بالشرق و المغرب و قد وصفه لی ابی و هذه صفته، السلام علیک یا قابض الارواح عجل بی و لا تعذبنی ثم سمعناها تقول: الیک ربی لا الی النار (سلام بر شما. «ای فرشتگان و جبرئیل امین» ای پسر عمو! جبرئیل در حالی که بر من سلام می‌کرد، نزد من آمد و فرمود: خداوند بر تو سلام می‌کند، ای محبوبه‌ی حبیب خدا!، و میوه‌ی قلب رسول الله! امروز تو در ملکوت الهی و بهشت موعود ملحق خواهی شد) بعد روی از ما گرداند و باز به گروهی دیگر از ملائکه سلام داد و فرمود: (ای پسر عمو! سوگند به خدا که این حضرت میکائیل است و همانند جبرئیل بر من سلام کرد و بشارت‌های او را داد). بار دیگر به گروه دیگر سلام کرد و گفت: (ای پسر عمو! سوگند به خدا که این حق است. این حضرت عزرائیل است که بال و پرش مشرق و مغرب عالم را فراگرفته. پدرم چنین اوصافی درباره او را به من اطلاع داده بود و حال این همان ویژگی است. سلام بر تو ای گیرنده‌ی روح آدمی! در قبض روح من عجله کن و مرا آزار نده) در پایان ما می‌شنیدیم که می‌فرمود: (خدایا بسوی تو می‌آیم، نه بسوی آتش) [۲۳۹]. [صفحه ۲۲۶]

نزول ملائکه و سلام فاطمه

ابو بصیر از امام باقر علیه‌السلام نقل می‌کند که: در یکی از شبهای جمعه هنگامه‌ی سحر، حضرت جبرئیل و اسرافیل و میکائیل بر

حضرت زهرا علیها السلام نازل شدند و دیدند که دختر پیامبر صلی الله علیه و آله مشغول نماز است، همه ایستادند، تا نماز تمام شد. آنگاه دسته جمعی به حضرت فاطمه علیها السلام سلام کردند و گفتند: (خداوند بزرگ به شما سلام می‌رساند) سپس کتاب صحیفه را در حجره‌ی آن بزرگ زنان بهشتی گذاشتند. حضرت زهرا علیها السلام پاسخ داد: حدیث ۱۹۸ قالت: لله السلام و منه السلام و الیه السلام و علیکم یا رسل الله السلام (سلام از آن خداست و از اوست سلام، و بسوی اوست سلام، و بر شما ای فرستادگان خدا! سلام و درود باد). [۲۴۰].

مقام مادر

به کودکان و فرزندان سفارش ارزنده‌ای نسبت به مقام والای مادر دارد، و یادآور حدیث معروف رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: «بهشت زیر پای مادران است» حضرت زهرا علیها السلام به یکی از فرزندان سفارش فرمود که: حدیث ۱۹۹ قالت: الزم رجلها فان الجنة تحت اقدامها (در خدمت مادر باش، زیرا بهشت زیر پای مادران است). [۲۴۱].

مهمان نوازی

خ- از خود گذشتگی و ایثار م- مشکلات اقتصادی [صفحه ۲۲۷]

ن، و

اشاره

ن نان پختن ح ۴۸ ناچه‌ی صالح ح ۷۰ نبوت (فلسفه) ح ۵۷ نظم اجتماعی ح ۵۷ نعمت‌ها ح ۸۸ نفاق پنهان ح ۱۷۳ و ۱۷۷ و ۱۷۸ نماز (فلسفه) ح ۵۷ و وصیت‌های اخلاقی و وصیت‌های سیاسی وصیت نامه نوشته شده [صفحه ۲۲۹]

وصیت‌های شخصی فاطمه

وصیت به یادآوری

حضرت زهراء علیها السلام در لحظه‌های واپسین زندگی به امیرالمؤمنین علی علیه السلام وصیت کرد: حدیث ۲۰۰ قالت: یا اباالحسن لم یبق لی الا- رفق من الحیاة و حان زمان الرحیل و الوداع فاستمع کلامی فانک لا تسمع بعد ذلک صوت فاطمه ابدا اوصیک یا اباالحسن ان لا تنسانی و تزورنی بعد مماتی (ای اباالحسن! بیشتر از لحظه‌ای از زندگانی‌ام نمانده است و زمان کوچ و خداحافظی فرا رسیده است. سخنان مرا بشنو، زیرا پس از این صدای فاطمه را هرگز نخواهی شنید. تو را وصیت می‌کنم، ای اباالحسن! که مرا فراموش نکنی و پس از وفاتم، همواره مرا زیارت نمایی). [۲۴۲].

وصیت به قرآن خواندن در شب اول مرگ

و در کلمات ارزشمند دیگری به امام علی علیه السلام وصیت کرد که: [صفحه ۲۳۰] حدیث ۲۰۱ قالت: اذا انامت فتول انت غسلی و جهزنی وصل علی و انزلنی قبری و الحدنی و سو التراب علی و اجلس عند راسی قبالة وجهی فاکثر من تلاوة القرآن و الدعاء فانها ساعة یتحتاج المیت فیها الی انس الاحیاء و انا استودعک الله یتعالی و اوصیک فی ولدی خیرا (وقتی من وفات کردم، تو غسل و کفن مرا به عهده گیر و بر من نماز بگزار و مرا درون قبر قرار ده، دهنم کن و سنگ قبر را بر روی قبرم گذار و خاک بر آن ریز و آن را

هماهنگ نما. آنگاه بالای سرم روبروی من بنشین، و زیاد قرآن بخوان و دعا کن، زیرا در چنین لحظه‌هایی، میت به انس گرفتن با زندگان محتاج است. من تو را به خدا می‌سپارم و درباره‌ی فرزندانم سفارش به نیکوکاری دارم. [۲۴۳].

وصیت به ازدواج با امامه

یکی از وصیتها، سفارش به ازدواج علی علیه‌السلام با دختر خواهرش جناب «امامه» بود که فرمود: حدیث ۲۰۲ قالت: جزاک الله عنی خیر الجزاء یابن عم رسول الله صلی الله علیه و آله اوصیک اولاً ان تتزوج بعدی باینه اختی امامه فانها تكون لولدی مثلی فان الرجل لا بدلهم من النساء (ای پسر عموی پیامبر صلی الله علیه و آله! خداوند تو را پاداش نیکو دهد. اولین وصیت من به تو این است که: چون مردان نیاز به زنان دارند، پس از من با دختر خواهرم «امامه» ازدواج کن، زیرا او همانند من با فرزندانم مهربان است.) [۲۴۴]. [صفحه ۲۳۱]

وصیت‌های سیاسی

وصیت به مخفی بودن مراسم تدفین

حضرت زهرا علیها‌السلام در تداوم مبارزات منفی علیه کودتاگران سقیفه، به امام علی علیه‌السلام وصیت کرد: حدیث ۲۰۳ قالت: انی اوصیک ان لا یلی غسلی و کفنی سواک و اذا انا مت فادفنی لیلاً و لا تؤذنی بی احدا و لا تؤذنی بی ابابکر و عمر و بحق محمد رسول الله صلی الله علیه و آله ان لا یصلی علی ابوبکر و لا عمر (همانا من تو را وصیت می‌کنم که: غسل و کفن کردن مرا کسی غیر از تو انجام ندهد و وقتی وفات کردم، مرا شب دفن کن و هیچ کس را خبر نکن و ابوبکر و عمر را نیز مطلع نساز و تو را سوگند می‌دهم بحق رسول خدا صلی الله علیه و آله که ابوبکر و عمر بر جنازه‌ی من نماز نخوانند.) [۲۴۵]. امام صادق علیه‌السلام نقل فرمود: حضرت زهرا علیها‌السلام در لحظه‌های آخر زندگی خطاب به علی علیه‌السلام فرمود: حدیث ۲۰۴ قالت: اذا توفیت لا تعلم احدا الا ام سلمه و ام ایمن و فضه و من الرجال ابی و العباس و سلمان و عمار و المقداد و ابذر و خذیفه و لا تدفنی الا لیلاً و لا تعلم قبری احدا (وقتی وفات کردم هیچ کس را اطلاع نده مگر ام سلمه و ام ایمن و فضه را از زنان، و از [صفحه ۲۳۲] مردان دو فرزندم حسن و حسین علیهما‌السلام و عباس و سلمان و عمار و مقداد و ابذر و خذیفه را خبر کن مرا دفن نکن مگر در شب و قبر مرا به هیچ کس اطلاع نده (تا مخفی بماند)) [۲۴۶]. حضرت زهرا علیها‌السلام به اسماء بنت عمیس فرمود: حدیث ۲۰۵ قالت: یا اسماء اذا اتامت فاعسلینی انت و علی بن ابی طالب علیه‌السلام و لا تدخلینی علی احدا (ای اسماء! وقتی من از دنیا رفتم تو و علی علیه‌السلام مرا غسل دهید و هیچکس را بر سر جنازه‌ی من راه ندهید.) [۲۴۷].

وصیت به عدم شرکت ظالمان در مراسم تدفین

حضرت زهرا علیها‌السلام خطاب به امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمود: حدیث ۲۰۶ قالت: اوصیک ان لا یشهد احد جنازتی من هؤلاء الذین ظلمونی و اخذوا حقی فانهم عدوی و عدو رسول الله و لا تترك ان یصلی علی احد منهم و لا من اتباعهم و ادفنی فی اللیل اذا اوهنت العیون و نامت الابصار (تو را وصیت می‌کنم که هیچ کس از آنان که به من ظلم کرده‌اند و حق مرا غصب نمودند، نباید در تشییع جنازه‌ی من شرکت کنند زیرا آنها دشمنان من و دشمنان رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌باشند و اجازه نده که فردی از آنها و پیروانشان بر من نماز بگزارد [صفحه ۲۳۳] مرا شب دفن کن، آن هنگام که چشم‌ها آرام گرفته و دیده‌ها به خواب فرو رفته باشند.) [۲۴۸].

وصیتنامه‌ی نوشته شده

پس از وفات فاطمه علیهاالسلام، حضرت امیرالمؤمنین وصیتنامه نوشته شده‌ی همسرش را درآورد و گشود و مطالعه فرمود. عبارات و مطالب ارزشمند آن چنین بود: حدیث ۲۰۷ بسم الله الرحمن الرحيم. هذا ما اوصت به فاطمه بنت رسول الله، اوصت و هی تشهد ان لا اله الا الله و ان محمدا عبده و رسوله و ان الجنة حق و النار حق و ان الساعة آتیة لا ریب فیها و ان الله یبعث من فی القبور یا علی انا فاطمه بنت محمد صلی الله علیه و آله زوجنی الله منک لا کون لک فی الدنیا و الاخرة، انت اولی بی من غیری، حنطنی و غسلنی و کفنی باللیل و صل علی و ادفنی باللیل و لا- تعلم احدا و استودعک الله و اقرء علی ولدی السلام الی یوم القیامة (بنام خداوند بخشاینده و مهربان، این وصیتنامه فاطمه، دختر رسول خداست، در حالی وصیت می‌کند که شهادت می‌دهد، خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد صلی الله علیه و آله بنده و پیامبر اوست و بهشت حق است و (آتش) جهنم حق است و روز قیامت فرا خواهد رسید و شکی در آن نیست و خداوند مردگان را زنده و وارد محشر می‌کند. ای علی علیه‌السلام، من فاطمه دختر محمد هستم، خدا مرا به ازدواج تو درآورد، تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو از دیگران بر من سزاوارتری، حنوط و غسل و کفن کردن مرا در شب به انجام رسان و شب بر من نماز بگذار و شب مرا دفن کن و هیچکس را اطلاع نده. تو را بخدا می‌سپارم و بر فرزندانم تا روز قیامت سلام و درود می‌فرستم.) [۲۴۹]. [صفحه ۲۳۴] وصیت می‌کند که شهادت می‌دهد، خدایی جز خدای یگانه نیست و محمد صلی الله علیه و آله بنده و پیامبر اوست و بهشت حق است و (آتش) جهنم حق است و روز قیامت فرا خواهد رسید و شکی در آن نیست و خداوند مردگان را زنده و وارد محشر می‌کند. ای علی علیه‌السلام، من فاطمه دختر محمد هستم، خدا مرا به ازدواج تو درآورد، تا در دنیا و آخرت برای تو باشم. تو از دیگران بر من سزاوارتری، حنوط و غسل و کفن کردن مرا در شب به انجام رسان و شب بر من نماز بگذار و شب مرا دفن کن و هیچکس را اطلاع نده. تو را بخدا می‌سپارم و بر فرزندانم تا روز قیامت سلام و درود می‌فرستم.) [۲۵۰]. [صفحه ۲۳۵]

ی،

اشاره

هجرت امام علی علیه‌السلام ح ۴۰ هدایت تشریحی ح ۱۶ هدیه‌ی خوب مؤمن ح ۳۱ همسایه (حقوق) ح ۷۷ همسررداری ح ۱ همسر نمونه ح ۸۴ و ۱۳۱ هنر خطاطی ح ۴۵ هیزم و آتش زدن‌ها ح ۱۷۸ یاد یاران ح ۲۰۰ یادآوری غدیر خم غ- غدیر یادآوری پیامبر صلی الله علیه و آله پ- پیامبر اسلام یاری کردن به امام علی علیه‌السلام یاری طلبیدن از مهاجرین و انصار ح ۵۷ و ۱۷۴ [صفحه ۲۳۷]

یاری و کمک کردن

ضرورت یاری کردن به کارگر منزل

تقسیم کار

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله پس از سال‌ها تحمل مشکلات، و سفارش به صبر و بردباری، کارگری برای حضرت زهرا علیهاالسلام انتخاب و سفارشات لازم را ارائه فرمود. روزی مشاهده کرد که کارگر منزل در حال استراحت و فاطمه‌ی زهرا علیهاالسلام مشغول کار کردن است، علت آن را پرسید؛ حضرت زهرا علیهاالسلام پاسخ داد: حدیث ۲۰۸ قالت: یا رسول الله. علی

یوم و علیها یوم (ای رسول خدا! (کار منزل را عادلانه تقسیم کردم)، روزی مال من و روزی دیگر بعهده‌ی او است) اشک در چشمان پیامبر صلی الله علیه و آله حلقه زد و فرمود: خدا آگاه‌تر است که رسالت را در کدام خانواده قرار دهد [۲۵۱].

کار فراوان

در تداوم کار فراوان منزل، و آرد کردن گندم‌ها با آسیاب سنگی فرمود: [صفحه ۲۳۸] حدیث ۲۰۹ قالت: و الله انی اشتکی یدی مما طحن بالرحی (سوگند بخدا که از دو دستان خود شکایت دارم، از بس که با آسیاب سنگی آرد کردند). [۲۵۲].

یاری کردن علی

مطرح کردن فضیلت‌ها

حضرت زهرا علیها السلام در یاری کردن امام علی علیه السلام فرمود: حدیث ۲۱۰ قالت: ان ابی صلی الله علیه و آله نظر الی علی و قال: هذا و شیعتہ فی الجنۃ (روزی پدرم رسول خدا «که درود خدا بر او و خاندان او باد» به علی علیه السلام نگاه کرد و (با اشاره با او) فرمود: این مرد و پیروان او در بهشتند) [۲۵۳]. و در گفتار ارزشمند دیگری به شیعیان علی علیه السلام بشارت بهشت جاویدان داد و فرمود: حدیث ۲۱۱ قالت: ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال لعلی یا ابالحسن اما انک و شیعتک فی الجنۃ (رسول گرامی اسلام «که درود خدا بر او و خاندان او باد» به علی علیه السلام فرمود: ای ابالحسن! همانا تو و پیروان تو در بهشت (موعود) خواهید بود) [۲۵۴]. [صفحه ۲۳۹]

طرح واقعیت‌ها

پس از غضب خلافت و پیدایش ماجراهای تلخ و مصیبت بار در مدینه، حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام همراه با فاطمه زهرا علیها السلام، برای بیداری مردم، و دفاع از حقوق مسلم خویش، شبانه به منازل مهاجر و انصار رفته اتمام حجت می‌کردند، خیلی‌ها عذر بدتر از گناه می‌آوردند که چرا شما زودتر از دیگران امامت خود را مطرح نکردید؟ و اجازه دادید دیگران بصحنه بیایند؟ حالا دیگر کاری از پیش نمی‌توان برد امام علی علیه السلام توضیحات لازم را می‌داد. و فاطمه زهرا علیها السلام در جواب عذر تراشیها، می‌فرمود: حدیث ۲۱۲ قالت: ما صنع ابوالحسن الا ما کان ینبغی له و لقد صنعوا ما الله حسیبهم و طالبهم (ابوالحسن علی علیه السلام کاری انجام نداد، بجز آن که سزاوار بود «مانند، انجام مراسم تدفین رسول خدا صلی الله علیه و آله و جمع آوری قرآن» تا انجام گیرد و اما امت پیمان شکن کارهای ناروایی انجام داده‌اند که تنها خدا آنها را محاسبه و رسیدگی خواهد کرد). [۲۵۵].

یاری کردن شیعیان

پس از آگاهی به مقدار درهم و دیناری که مهریه‌ی آنحضرت قرار گرفت، خطاب به پیامبر اسلام فرمود: حدیث ۲۱۳ قالت: یا رسول الله ان بنات الناس یتزوجن بالدارهم فما الفرق بینی و بینهن؟ [صفحه ۲۴۰] اسالک ان تردها و تدعوا الله ان يجعل مهری الشفاعة فی عصاة امتک (ای پیامبر خدا! همانا دختران مردم در ازدواج خود درهمها را مهریه‌ی خود قرار می‌دهند. پس فرق من با آنها چیست؟ ز تو می‌خواهم، درهم و دینار را مهریه‌ی من قرار ندهی، بلکه از خدا بخواهی تا مهریه‌ی من، شفاعت کردن از گنهکاران امت تو باشد). [۲۵۶].

پاورقی

- [۱] در سال ۷۶ سمینار نهج‌الحیاء و مسابقه حفظ روایات آن در کرمان از طرف آموزش و پرورش ناحیه ۲ در تالار شهر برگزار شد.
- [۲] تفسیر برهان ج ۱ ص ۲۸۲ و بحارالانوار ج ۳۷ ص ۱۰۳. [۳] بحارالانوار ج ۴۱ ص ۴۶ و کتاب امالی صدوق حدیث ۱۰ ص ۳۷۹. [۴] به فصل «انواع مبارزات، افشاگری‌ها» حدیث ۱۷۰ (افشاگری و محکومیت) مراجعه کنید. [۵] کنز العمال ج ۹ ص ۳۶۶.
- [۶] مسند احمد ج ۶ ص ۲۸۲ و کنز العمال ج ۵ ص ۲۳۵. [۷] بحارالانوار ج ۶۷ ص ۲۴۹ و ج ۷۰ ص ۲۴۹ و ج ۷۱ ص ۱۸۴. [۸] تفسیر امام حسن عسگری (ع) ص ۳۵۴. [۹] کتاب مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۴۴. [۱۰] بحار ج ۴۳ ص ۱۴۹. [۱۱] تفسیر علی بن ابراهیم و بحار ج ۴۳ ص ۹۹. [۱۲] ریاحین الشریعه ج ۱ ص ۱۰۱ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۳۳. [۱۳] ارشاد شیخ مفید ص ۲۳.
- [۱۴] ارشاد شیخ مفید ج ۱ ص ۲۷۰. [۱۵] شرح ابن ابی الحدید ج ۱۶ ص ۲۰۱. [۱۶] بخشی از خطبه حضرت زهرا علیهاالسلام در مسجد مدینه است به حدیث ۵۷، مراجعه فرمائید. [۱۷] تفسیر امام حسن عسگری (ع) ص ۳۳۰ و بحار ج ۲۳ ص ۲۵۹. [۱۸] کتاب بحار ج ۳۶ ص ۳۵۳ و احقاق الحق ج ۲۱ ص ۲۶. [۱۹] قصص آیه ۶۸. [۲۰] حج آیه ۴۶. [۲۱] الغدیر ج ۱ ص ۱۹۷. [۲۲] دلائل الامامه ص ۳۸ و خصال شیخ صدوق ج ۱ ص ۱۷۳. [۲۳] کتاب دلائل الامامه ص ۳۸ و احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۴۶. [۲۴] ریاحین الشریعه ج ۱ ص ۹۳: علامه محلاتی. [۲۵] مدارک حدیث ۲۱ با حدیث ۵۷ مشترک است مراجعه شود. [۲۶] کشف الغمه ج ۱ ص ۴۷۳ و بحار ج ۴۳ ص ۱۴۳ حدیث ۱۱. [۲۷] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۵۶ - و - مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۲۰۵. [۲۸] امالی شیخ صدوق ص ۷۹ و ثواب الاعمال ص ۱۱۶. [۲۹] مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۳۰ و کتاب عوامل ج ۱۱ ص ۱۲۸. [۳۰] ینابیع الموده ج ۱ ص ۳۷۶. [۳۱] امالی صدوق ص ۱۵۳ حدیث ۸ و ذخائر العقبی ص ۹۲. [۳۲] بحارالانوار ج ۲۴ ص ۲۳۰ و کنز الفوائد ص ۳۳۵. [۳۳] ۱- بحارالانوار ج ۲۴ ص ۲۳۰: علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری) ۲- کنز الفوائد ص ۳۳۵: علامه کراچکی شافعی (متوفای ۴۴۹ هجری). [۳۴] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۶۲۸ و سنن ابن ماجه ج ۲ باب ۲۲. [۳۵] نفائس اللباب ج ۳ ص ۱۲۴ (مخلوط) - و - کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۶۲۹. [۳۶] کنز العمال ج ۱۲ ص ۳۳۹ حدیث ۳۵۳۰۵. [۳۷] مسند احمد ج ۵ ص ۲۷۵ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۲۰. [۳۸] امالی صدوق حدیث ۶ و بحارالانوار ج ۲۲ ص ۵۰۸. [۳۹] ۶۳ نور. [۴۰] مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۳۲۰ و بحار ج ۴۳ ص ۳۲. [۴۱] ۱- مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۲۰: محمد بن علی شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ هجری) ۲- بحارالانوار ج ۴۳ ص ۳۲ و ۳۳: علامه مجلسی (متوفای ۱۱۱۰ هجری) ۳- کوكب الدرې ج ۱ ص ۱۵۰: حائری مازندرانی (متوفای قرن ۱۳ هجری) ۴- مناقب ابن مغزالی ص ۳۶۵: ابن مغزالی شافعی (متوفای ۴۸۳ هجری) ۵- حلیه الابرار ج ۱ ص ۱۹۰ حدیث ۹: هاشم بحرانی (متوفای ۱۱۰۷ هجری). [۴۲] بحارالانوار ج ۲۲ ص ۴۸۴ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۳۹۹. [۴۳] احقاق الحق ج ۱۰ ص ۴۳۵. [۴۴] احقاق الحق ج ۱۰ ص ۴۳۵ و مقتل الحسین ج ۱ ص ۸۰ فصل ۵. [۴۵] صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۵ و احقاق الحق ج ۱۰. [۴۶] روایت و مدارک حدیث ۳۸ با حدیث ۳۷ یکی است مراجعه فرمائید. [۴۷] صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۵ و سنن دارمی ج ۱ ص ۴۰. [۴۸] ریاحین الشریعه ج ۱ ص ۲۴۹ و احقاق الحق ج ۱۰ ص ۴۲۷ الی ۴۳۰. [۴۹] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۷۶ و عوالم ج ۱۱ ص ۴۸۶ باب ۱۲ [۵۰] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۷۶ باب ۷ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۴۸۷ باب ۲. [۵۱] اعیان الشیعه ص ۳۱۹ - ج ۱ و مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۶۲. [۵۲] کتاب الوافی ج ۷ ص ۵۷۱ حدیث ۶۶۱۳ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۵۷ حدیث ۷. [۵۳] بحارالانوار ج ۴۵ ص ۱۹۰ حدیث ۳۶. و ج ۴۳ ص ۳۰۹ و احقاق الحق ج ۱۰ ص ۶۵۴. [۵۴] الحجر آیه ۴۳ و ۴۴. [۵۵] بحارالانوار ج ۸ ص ۳۰۳ حدیث ۶۲ و ج ۴۳ ص ۸۸ حدیث ۹ و ریاحین الشریعه ج ۱ ص ۱۴۸. [۵۶] احقاق الحق ج ۴ ص ۱۵۰ و بحارالانوار ج ۳۸ ص ۱۹. [۵۷] بحارالانوار ج ۲۰ ص ۲۴۵ حدیث ۱۰ و احقاق الحق ج ۱۰ ص ۲۸۵. [۵۸] مدارک و اسناد آن با حدیث ۵۷ مشترک است مراجعه کنید. [۵۹] مناقب ص ۳۸۰ حدیث ۴۲۸ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۹۱. و ج ۱۰۱ ص ۳۸. [۶۰] مستدرک الوسائل ج ۱۴ ص ۲۸۲ و بحارالانوار ج ۲ ص ۳۷۹ و ج ۴۳ ص ۶۲ باب ۳. [۶۱] کشف الغمه ج ۲ ص ۶۷ و ذخائر العقبی ص ۵۳.

[۶۲] کشف الغمّه ج ۲ ص ۶۷ و ذخائر العقبی ص ۵۳. [۶۳] بحار الانوار ج ۲۲ ص ۳۵۲ و ج ۴۳ ص ۶۶. و ج ۹۱ ص ۲۲۶ و دلائل الامامه ص ۲۸. [۶۴] ریاحین الشریعه ج ۱ ص ۱۰۵. [۶۵] آیه ۱۰۲ آل عمران. [۶۶] آیه ۲۸ سوره فاطر. [۶۷] توبه آیه ۱۲۹. [۶۸] توبه آیه ۴۹. [۶۹] آل عمران آیه ۸۵. [۷۰] مائده آیه ۵۰. [۷۱] نمل آیه ۱۶. [۷۲] مریم آیه ۶. [۷۳] انفال آیه ۷۵. [۷۴] نساء آیه ۱۱. [۷۵] بقره ۱۸۰. [۷۶] انعام آیه ۶۷ [۷۷] آل عمران ۱۴۴. [۷۸] قیله مادر بزرگ اوس و خزرج بود. [۷۹] توبه آیه ۱۳. [۸۰] ابراهیم آیه ۸. [۸۱] الشعراء آیه ۲۲۷. [۸۲] مریم آیه ۶. [۸۳] نمل آیه ۱۶. [۸۴] یوسف ۱۸. [۸۵] غافر آیه ۷۸. [۸۶] کتاب معانی الاخبار ص ۳۵۴ و کشف الغمّه ج ۲ ص ۴۰ و بحار ج ۴۳ ص ۱۵۸. [۸۷] مائده ۸۰. [۸۸] اعراف ۹۶ [۸۹] زمر ۵۱. [۹۰] رعد ۵. [۹۱] کهف ۵۰. [۹۲] بقره آیه ۱۲ و ۱۰۴ کهف. [۹۳] یونس ۳۵. [۹۴] سوره یهود آیه ۲۸. [۹۵] کتاب معانی الاخبار و احتجاج ج ۱ ص ۱۰۸ و امالی ج ۱ ص ۳۸۴. [۹۶] الامامه و السیاسة ج ۱ ص ۱۲ و الاحتجاج ص ۵۱ / ۸۰ و بحار الانوار ج ۲۸ ص ۲۰۵. [۹۷] محمد - ۲۴. [۹۸] غافر - ۷۸. [۹۹] احتجاج طبرسی ۱۰۶ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۴۷۶. [۱۰۰] تفسیر برهان ج ۴ ص ۳۱۷ و امالی طوسی ج ۱ ص ۱۹۰ و بحار الانوار ج ۳۶ ص ۵۹. [۱۰۱] احقاق الحق ج ۱۰ ص ۳۲۱ و بحار الانوار ج ۴۳ ص ۷۳ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۱۶۸. [۱۰۲] صف - ۸. [۱۰۳] الوافی ج ۲ ص ۱۸۸ و اصول کافی ج ۱ ص ۴۶۰ و ارشاد دیلمی ص ۱۷۶. [۱۰۴] الغدیر ج ۷ ص ۷۸. و ج ۵ ص ۳۷۳ و ۳۶۹ ج ۷ ص ۷۷. و ج ۱۰ ص ۱۲۴ و بحار الانوار ج ۲۸ و ۳۲۲ و ج ۴۳ ص ۱۹۷. [۱۰۵] بحار الانوار ج ۵ ص ۱۸ (طبع قدیم) بحار ج ۲۸ ص ۳۳۹. [۱۰۶] شوری - ۲۳. [۱۰۷] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۴۱۴ و بحار الانوار ج ۸ ص ۲۳۳ (طبع قدیم). [۱۰۸] اصول کافی ج ۱ ص ۴۶۰ و الوافی ج ۲ ص ۱۸۸. [۱۰۹] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۲۱۱ و مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۱۱۸: ۳۴۰. [۱۱۰] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۲۱۱ و مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۱۸۸ و بحار الانوار ج ۴۳ ص ۴۷. [۱۱۱] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۴۰۶ و اختصاص شیخ مفید ص ۱۸۱. [۱۱۲] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۲۱۱ و مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۱۱۸ و بحار ج ۴۳ ص ۴۷. [۱۱۳] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۴۰۶ و اختصاص شیخ مفید ص ۱۸۱. [۱۱۴] کوكب الدرّی ج ۱ ص ۱۹۶: علامه حائری مازندرانی. [۱۱۵] ذخائر العقبی ص ۵۳. [۱۱۶] کشف الغمّه ج ۲ ص ۲۵ و بحار الانوار ج ۴۳ و ۸۲ و علل الشرایع ج ۱ ص ۱۸۳. [۱۱۷] بحار ج ۲ ص ۵۲۲ و وسائل ج ۲ ص ۸۹۲ و فروع کافی ج ۳ ص ۲۱۸ و خصال ج ۲ ص ۱۵۹. [۱۱۸] بحار الانوار ج ۵۹ ص ۱۰۴ و مستدرک الوسائل ج ۱ ص ۳۰۰. [۱۱۹] بحار الانوار ج ۹۲ ص ۴۰۴ و ۴۰۵ علامه مجلسی. [۱۲۰] مهج الدعوات ص ۷ و ۱۴۰ و بحار الانوار ج ۹۲ ص ۳۷ و دلائل الامامه ص ۲۸. [۱۲۱] وسائل الشیعه ج ۵ ص ۲۹ و معانی الاخبار ص ۳۹۹ و دلائل الامامه ص ۴. [۱۲۲] الغدیر ج ۲ ص ۳۱۸: علامه امینی. [۱۲۳] دلائل الامامه و کنز العمال ج ۷ ص ۲۲۵ و تاریخ بغداد ج ۱۲ ص ۵۰. [۱۲۴] مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۳۶۶ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۶۲۵ و دلائل الامامه ص ۷. [۱۲۵] بحار الانوار ج ۳۵ ص ۲۴۵ و کشف الغمّه ص ۴۹ و ینابیع الموده ص ۴۹۳. [۱۲۶] کشف الغمّه ج ۲ ص ۲۳ و مکارم الاخلاق ص ۲۶۷ ج ۱ و بحار الانوار ج ۱۰۱ ص ۳۶. [۱۲۷] بحار الانوار ج ۴۳ ص ۸۶ و مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۴۲. [۱۲۸] بحار ج ۸ ص ۳۰۳ حدیث ۶۱. [۱۲۹] بحار الانوار ج ۸ ص ۳۰۳ و کوكب الدرّی ج ۱ ص ۱۷۵ و تفسیر برهان ج ۲ ص ۳۴۶. [۱۳۰] بحار الانوار ج ۴۳ ص ۹۲ و نوادر راوندی ص ۱۴. [۱۳۱] احقاق الحق ج ۱۰ ص ۲۶۶ و ذخائر العقبی ص ۱۰۵ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۵۸۷. [۱۳۲] کنز العمال ج ۱۵ ص ۵۰۷ و بحار الانوار ج ۴۳ ص ۱۳۴ و ۸۴ و ۸۵. [۱۳۳] دلائل الامامه ص ۴۹ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۲۰۵. [۱۳۴] مستدرک الوسائل ج ۱۳ ص ۴۸ و بحار الانوار ج ۴۳ ص ۸۱ و ۳۱. [۱۳۵] کشف الغمّه ج ۲ ص ۶۲. [۱۳۶] بحار الانوار ج ۴۳ ص ۹۵ و ۱۱۴ و امالی ص ۴۲ مجلس ثانی. [۱۳۷] دلائل الامامه ص ۲۶ و چاپ جدید ص ۱۰۳ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۳۳۴ باب ۵. [۱۳۸] امالی صدوق ص ۵۹۵ و امالی طوسی ج ۱ ص ۱۹۱. [۱۳۹] احتجاج طبرسی ج ۱ ص ۱۸ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۶۲۷. [۱۴۰] مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۸۹ و مسند احمد ج ۶ ص ۲۸۳. [۱۴۱] مدارک اشعار ۱۰۳ تا ۱۰۵ مشترک است. [۱۴۲] کتاب امالی ص ۲۱۳ حدیث ۱۱ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۵۸۸ و بحار ج ۳۵ ص ۲۳۸ الی ۲۴۰. [۱۴۳] ورقه بن عبدالله الازدی عن فضة امه فاطمه علیها السلام. [۱۴۴]

بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۷۴ و ۱۷۸. [۱۴۵] سیره‌ی نبوی ج ۳ ص ۳۶۴ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۴۵۵. [۱۴۶] احقاق الحق ج ۱۰ ص ۴۳۳ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۹۶ و الغدير ج ۷ ص ۱۹۲ و ۷۹. [۱۴۷] اخرج حافظ ابن عساکر من طریق طاهر بن یحیی الحسینی عن ابيه عن جده عن جعفر بن محمد الصادق علیه السلام عن علی علیه السلام قال... [۱۴۸] مناقب ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۲۴۲ و اعلام النساء ج ۱ ص ۱۲۰۵. [۱۴۹] احقاق الحق ج ۱۹ ص ۱۶۰ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۴۸۷. [۱۵۰] ریاحین الشریعه ج ۱ ص ۲۴۷ و بحارالانوار ج ۳۶ ص ۳۵۳ باب ۴۱. [۱۵۱] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۴۵۴ و مناقب. ج ۱ ص ۲۴۲. [۱۵۲] عوالم ج ۱ ص ۴۹۱. [۱۵۳] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۵۹۷ و احقاق الحق ج ۱۰ ص ۴۸۳. [۱۵۴] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۷۶ و کوکب الدری جزء اول ص ۲۴۰. [۱۵۵] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۴۴۲ و بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۹ و ج ۴۳ ص ۱۵۶ و ۲۱۴. [۱۵۶] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۵۷ و مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۲۰۵ و ۴۹. [۱۵۷] احقاق الحق ج ۱۹ ص ۱۶۰ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۷۷. [۱۵۸] احقاق الحق ج ۱۹ ص ۱۲۹ و ج ۱۰ ص ۳۶۷ و وسیله النجاة ص ۲۱۷. [۱۵۹] بحارالانوار ج ۶۵ ص ۱۵۵ و تفسیر البرهان ج ۴ ص ۲۱. [۱۶۰] بحارالانوار ج ۴۴ ص ۲۶۴ و تفسیر فرات الکوفی ص ۵۵. [۱۶۱] علل الشرایع ص ۷۹ و کمال الدین ج ۲ ص ۸۷. [۱۶۲] کوکب الدری جزء اول ص ۱۳۵ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۹۸. [۱۶۳] بحارالانوار ج ۳۶ ص ۱۹۴ و کمال الدین ص ۱۷۸ و عیون الاخبار ص ۲۵. [۱۶۴] مدارک این حدیث با حدیث شماره ۱۲۶ یکی است، مراجعه شود. [۱۶۵] روایات و اسناد و مدارک این حدیث با حدیث ۱۲۶ یکی است، مراجعه شود. [۱۶۶] ۱- الجنة العاصمه ص ۱۹۰ ۲- روض الفائق ص ۲۵۵ و ۳۱۴: شیخ حزیفیش کازرونی (متوفای ۸۱۰ هجری). [۱۶۷] بحارالانوار ج ۱۶ ص ۱- و- ج ۴۳ ص ۲۷ و ۲۸ و المجالس ص ۱۱۰. [۱۶۸] مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۵۵ و ۳۵۶ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۳۳ و ۱۱۷. [۱۶۹] بحارالانوار ج ۲ ص ۳ و لئالی الاخبار ج ۲ ص ۲۵۴. [۱۷۰] دلایل الامامة ص ۱ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۶۲۰. [۱۷۱] کشف الغمة ج ۲ ص ۶۲ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۸۶. [۱۷۲] مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۶۴ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۸۳. [۱۷۳] کشف الغمة ج ۲ ص ۶۲ و وسائل الشیعة ج ۲ ص ۳۱. [۱۷۴] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۴۹۱ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۷۹ حدیث ۱۵. [۱۷۵] کتاب امالی ص ۲۵۸ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۵۸۸. [۱۷۶] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۸ و ریاحین الشریعة ج ۱ ص ۱۸۵. [۱۷۷] امالی ج ۱ ص ۱۹۱ و ریاحین الشریعة ج ۱ ص ۲۳۹. [۱۷۸] صحیح ترمذی ج ۱۳ ص ۲۴۹ و صحیح بخاری ج ۵ ص ۲۱ و ج ۶ ص ۱۰. [۱۷۹] آیه ۱۷۷ بقره [۱۸۰] بحارالانوار ج ۸ ص ۱۰۵ و مستدرک الوسائل ج ۷ ص ۲۹۱ و کشکول ص ۲۰۳. [۱۸۱] الغدير ج ۷ ص ۱۹۱ و کشف الغمة ج ۲ ص ۳۷ و بحار ج ۴۳ ص ۱۹۸ و ج ۲۸ ص ۳۰۲. [۱۸۲] تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۱۸۶ و تفسیر البرهان ج ۳ ص ۲۶۳ و احتجاج ص ۹۰. [۱۸۳] مناقب ابن شهر آشوب ج ۱ ص ۱۴۲: ابن شهر آشوب مازندرانی (متوفای ۵۸۸ هجری). [۱۸۴] بحارالانوار ج ۲۱ ص ۲۳ و اعلام الوری ص ۶۳ و ۱۰۹. [۱۸۵] انفال - ۴۱. [۱۸۶] شرح ابی الحدید ج ۱۶ ص ۲۳۰ و بحارالانوار ج ۸ ص ۱۳۹ و السقیفه و فدک ص ۹۸. [۱۸۷] النمل - ۱۶. [۱۸۸] مریم - ۶. [۱۸۹] نساء - ۱۱. [۱۹۰] کشف الغمة ج ۲ ص ۳۷ و الغدير ج ۷ ص ۱۹۱. [۱۹۱] وسائل الشیعة ج ۱۷ ص ۴۳۹ و تفسیر نور الثقلین ج ۴۵۰. [۱۹۲] کشف الغمة ج ۲ ص ۳۷ و بحارالانوار ج ۸ ص ۱۰۷ و مسند احمد ج ۱ ص ۱۰. [۱۹۳] نمل - ۱۶. [۱۹۴] اختصاص ص ۱۷۸ و بحارالانوار ج ۸ ص ۱۰۳ و کشف الغمة ج ۲ ص ۴۷۸. [۱۹۵] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۴۳۶ و تفسیر نور الثقلین ج ۴ ص ۱۸۶. [۱۹۶] بحارالانوار ج ۲۸ ص ۲۹۷ و ۳۰۲ و الاحتجاج ص ۵۸. [۱۹۷] الغدير ج ۷ ص ۱۹۱ و فتوح البلدان ص ۳۸. [۱۹۸] الطبقات الكبرى ج ۲ ص ۳۱۵ و کنز العمال ج ۵ ص ۶۲۲. [۱۹۹] اصول کافی ج ۴ و عیون الاخبار ص ۲۳۳ و اختصاص ص ۱۷۸ و الغدير ج ۷ ص ۱۹۴. [۲۰۰] حضرت زهرا صلی الله علیه و آله فرمود: بقرت کتابی بقر الله بطنک (نامه‌ام را پاره کردی، خدا شکمت را پاره کند) اختصاص شیخ مفید - و - الشافی ص ۲۳۶: سید مرتضی - و - تلخیص الشافی و نسبت به سوزاندن نامه، مراجعه کنید به حدیث ۱۷۸. [۲۰۱] به مدارک حدیث ۱۶۲ مراجعه شود (انک سیده النساء اهل الجنة). [۲۰۲] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۶۰۱ و بحارالانوار ج ۸ ص ۲۳۴ و مستدرک الوسائل ج ۱۷ ص ۳۹۹. [۲۰۳] کتاب سلیم بن قیس ص ۱۳۴ و بحارالانوار ج ۸ ص ۱۰۳ و

اختصاص ص ۱۷۸. [۲۰۴] سیره حلبی ج ۳ ص ۳۰۸ و ۳۰۹ و نزهة المجالس ج ۲ ص ۲۰۹. [۲۰۵] بحارالانوار ج ۳۷ ص ۶۷ و صحیح مسلم ج ۷ ص ۱۴۳ و صحیح بخاری ج ۸ ص ۷۸. [۲۰۶] ذخائر العقبی ص ۳۹ ص ۱۳۶ و بحار ج ۲۲ ص ۵۳۶ و کمال الدین ص ۲۶۲. [۲۰۷] کنز العمال ج ۱ ص ۵۸۲. [۲۰۸] وقایع الایام خیابانی جلد صیام ص ۲۹۵. [۲۰۹] بحارالانوار ج ۸ ص ۵۳ حدیث ۶۲ و کشف الغمّة ج ۲ ص ۵۷ و ثالی الاخبار ج ۵ ص ۶۵. [۲۱۰] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۷۷ و ۱۷۴ و کوكب الدرّی ج ۱ ص ۲۴۲. [۲۱۱] مجمع الزوائد ج ۸ ص ۱۰۸. [۲۱۲] کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۶۲۸ و مجمع الزوائد ج ۸ ص ۱۰۸ و کنز العمال ج ۶ ص ۶۵. [۲۱۳] بحار ج ۱۸ ص ۳۱۳ و کنز العمال ج ۵ ص ۶۵۱ حدیث ۱۴۱۳۸ و الاستیعاب ج ۲ ص ۲۴۶. [۲۱۴] بحار ج ۲۸ ص ۳۰۳ و دلائل الامامة ص ۴۵/ج ۱ ص ۱۴ و الامامة و السياسة، ج ۳ ص ۱۲۱۴. [۲۱۵] امالی ص ۹۵ و الغدير ج ۵ ص ۳۷۲ و الامامة و السياسة ج ۱ ص ۱۲ - ۱۴. [۲۱۶] ۱- کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۶۱۲ و علم اليقين ج ۲ ص ۶۸۷. [۲۱۷] امالی شیخ صدوق ج ۱ ص ۲۰۷ و امالی شیخ طوسی ص ۱۱۷. [۲۱۸] بحارالانوار ج ۸ ص ۱۰۳ و اختصاص ص ۱۷۸:۱۸۳. [۲۱۹] الغدير ج ۷ ص ۲۳۰ و الامامة و السياسة ج ۱ ص ۱۴:۳۰ و اعيان الشيعة ص ۳۱۸. [۲۲۰] علل الشرايع ج ۱ ص ۱۸۵ و الامامة و السياسة ج ۱ ص ۱۳ و صحیح مسلم ج ۲ ص ۷۲. [۲۲۱] الغدير ج ۷ ص ۷۷ و الامامة و السياسة ج ۱ ص ۱۳ و بحار ج ۲۸ ص ۳۲۲، ۳۳۹. [۲۲۲] ارشاد القلوب ص ۲۶۳ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۲۰۴ و علل الشرايع ج ۱ ص ۱۷۶. [۲۲۳] حلیة الاولیاء ج ۲ ص ۴۲ و مناقب ابن شهر آشوب ج ۳ ص ۳۲۳ و بحار ج ۴۳ ص ۳۷. [۲۲۴] احقاق الحق ج ۴ ص ۳۴۸ و حلیة الاولیاء ج ۲ ص ۴۲ و الاستیعاب ج ۲ ص ۷۵۰. [۲۲۵] احقاق الحق ج ۱۷ ص ۲۳ و دلائل الامامة ص ۳ و ۴ و مناقب ص ۳۸۰. [۲۲۶] بحار ج ۱۴ ص ۱۹۷ و احقاق الحق ج ۱۰ ص ۳۱۴ و البداية و النهاية ج ۶ ص ۱۱۱. [۲۲۷] سنن ابن ماجه ج ۲ ص ۳ و تذكرة الخواص ص ۳۱۶ و ص ۱۶ و ذخائر العقبی ص ۳۴ و ۴۹. [۲۲۸] بحارالانوار ج ۳۷ ص ۴۴ و امالی شیخ ص ۲۵۹ و امالی طوسی ج ۲ ص ۲۰. [۲۲۹] مناقب خوارزمی ص ۱۰۶ و بحار ج ۳۸ ص ۱۹ و تاریخ دمشق ج ۱ ص ۲۴۲. [۲۳۰] بحارالانوار ج ۴۱ ص ۲۵۷ و. کشف اليقين ص ۱۷۳ و ۱۷۴ و. مناقب ابن شهر آشوب ج ۲ ص ۷۴. [۲۳۱] بحارالانوار ج ۳۵ ص ۲۵۲ و تفسیر فرات ص ۵۲۷. [۲۳۲] بحارالانوار ج ۳۶ ص ۶۰ و. کنز جامع الفوائد (مخطوط). [۲۳۳] احقاق الحق ج ۱۰ ص ۳۲۰ و ۳۲۱ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۷۲ و تفسیر عیاشی ج ۱ ص ۱۷۱. [۲۳۴] بحارالانوار ج ۱۶ ص ۸۱ و امالی ص ۴۷۵ و اختصاص ص ۳۱. [۲۳۵] آل عمران - ۳۷. [۲۳۶] بحار ج ۳۵ ص ۲۵۱ و تفسیر فرات بن ابراهیم ص ۱۹۹ و احقاق الحق ج ۱۰ ص ۳۲۲. [۲۳۷] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۲۷ و المناقب ج ۳ ص ۱۱۷ و ریاحین الشریعة ج ۱ ص ۱۲۵. [۲۳۸] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۲۰۰ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۶۱۰. [۲۳۹] بحار ج ۴۳ ص ۲۰۹ و دلائل النبوة طبری ص ۴۳ و ریاحین الشریعة ج ۲ ص ۷۵. [۲۴۰] دلائل الامامة ص ۲۸ و کتاب عوالم ج ۱۱ ص ۱۹۰. [۲۴۱] مسند احمد و کنز العمال ج ۱۶ ص ۴۲۶ حدیث ۴۵۴۴۳. [۲۴۲] کتاب زهرة الرياض و کوكب الدرّی ج ۱ ص ۲۵۳. [۲۴۳] بحارالانوار ج ۷۹ ص ۲۷ و مصباح الانوار. [۲۴۴] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۲۱۷ و علل الشرائع ج ۱ ص ۱۸۸. [۲۴۵] کشف الغمّة ج ۲ ص ۶۸ و بحارالانوار ج ۴۳ ص ۱۵۹ و. ج ۷۸ ص ۲۵۵. [۲۴۶] دلائل الامامة ص ۴۴ و بحارالانوار ج ۷۸ ص ۳۱۰ و صحیح بخاری ج ۵ ص ۱۳۹. [۲۴۷] ذخائر العقبی ص ۵۳ و السنن الكبرى ج ۳ ص ۳۹۶ و انساب الاشراف ص ۴۰۵. [۲۴۸] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۲۰۹ و علل الشرائع ج ۱ ص ۱۸۸ و احتجاج ص ۵۹. [۲۴۹] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۲۱۴ و وسائل الشيعة ج ۱۳ ص ۳۱۱ و دلائل الامامة ص ۴۲. [۲۵۰] بحارالانوار ج ۴۳ ص ۲۱۴ و وسائل الشيعة ج ۱۳ ص ۳۱۱ و دلائل الامامة ص ۴۲. [۲۵۱] مقتل الحسين ص ۶۹ و احقاق الحق ج ۱۰ ص ۲۷۷. [۲۵۲] مناقب ج ۲ ص ۱۰۱: ابن شهر آشوب (متوفای ۵۸۸ هجری). [۲۵۳] ینابيع المودة ص ۴۰: قندوزی حنفی (متوفای ۱۲۹۴ هجری). [۲۵۴] مجمع الزوائد ج ۱۰ ص ۲۱ و ج ۹ ص ۲۸۹ و مفتاح النجا ص ۶۱ و ارجح المطالب ص ۵۳۱. [۲۵۵] بحارالانوار ج ۲۸ ص ۳۵۲ و غاية المرام ص ۵۶۹ و الامامة و السياسة ص ۱۲. [۲۵۶] الجنة العاصمة ص ۱۷۹ و اخبار الدول ص ۸۸ و تجهيز الجيوش ص ۱۰۲.